جغرافیای نظامی ایران

مکران

تألیف

سرتیپ علی رزم آرا

۱۳۲۰

فهرست مطالب

مقدمه

فصل یکم

فصل دوم

فصل سوم

فصل چهارم

فصل پنجم

فصل ششم

فصل هفتم

فصل هشتم

فصل نهم

مقدمه

مکران و یا هندوستان ایران

اطلاق کلمه هندوستان به مکران ایران شاید در نظر اکثر اشخاص اغراق آمیز ویك مطلب خالی ازحقیقتی جلوه‌نماید چه بقدری در اطراف بدی - سختی و صعوبت زندگانی‌دراین منطقه نوشته شده که‌نمیتوان حقیقی برای این مقایسه درنظر مجسم ساخت ولی چون در چندین سال متوالی نقاط عمده این منطقه را بازدید وبا یك‌قسمت عمده ده بانان و مطلعین مکران مذاکره شده لذا میتوان فکر روشنی‌داد.

منطقه مکران باوجود وسعت زیادکمی سکـنه که بی نهایت محسوس و صدها کیلو متر را بدون تصادف بـاحدی بایستی طی‌نموده یك منطقهٔ اسرارآمیزی‌سراسر محسوب شده حاوی یك سلسله قدرت نمائیهای طبیعت‌محسوب میشود دراین منطقه پهناور نقاط خوش آب وهوائی شبیه شمیران درآن یافت‌شده‌در مسافت بسیار قلیلی ازاین نقاط مناطق‌سوزانی‌مشاهده خواهد شد.

بمناسبت وجودهواهای مختلف سوزان و سخت‌طبیعت همه قسم‌اشجارو میوه جات‌را در این‌قسمت‌تهیه نموده است .

کوهستانهای بسیار ورشته‌های‌متوالی‌که از هرطرف این منطقه‌را شیار نموده است عموماً دارای کم‌وبیش آب بوده حتی بوته‌ها وعلف هائی دراین کوهستان‌رشد ونمو مینماید .

رودخانه ها که اکثر خشك قلمداده شده ودر نظر مسیر خشکگی‌بیش نیست قسمتی دارای جریان دائمی قسمتی دیگر کـه دارای جریان دائمی نیست دارای زه آبهائی میباشد بطوریکـه در وسط‌تابستان احتیاجات‌اهالی‌واحشام آنهارا مرتفع‌میسازد ودر مسیر رودخانه ها هرکجا حفر شود به آب خواهد رسید .

پس مکران ایران بمناسبت اختلاف آب‌وهوا وجود آب و مرطوبی کوهستانها در مجاورت هندوستان یك منطقه هندوستانی بشمار رفته‌وازهر لحاظ دارای استعداد لازم برای بسط وترقی است ولی بایستی دیدهندوستان درقبال چه عوامل وچه‌وسائلی ترقی وپیشرفت واهمیت بی‌پایان خودرا حاصل نموده قطعی است که‌تمام ترقیات این قطعه عالم مرهون وجود جمعیت سرشارآن ۴۰۰ ملیون سکنه است .

بابودن این جمعیت سرشار است که کلیه مناطق مسکون وکلیه نقاط آن مزروع و قابل کشاورزی گردیده است جمعیت مکران ایران در مقابل مساحت آن بقدری ناچیز و بحدی کم است که هیچگاه این جمعیت ونفوس قدرت آباد کردن و بسط وتوسعه کشاورزی‌را در این منطقه دارا نخواهد بود یك نفر در کیلو متر مربع مخصوص یك اراضی که احتیاج به‌قدرت بازوی بشری دارد در حکم هیچ محسوب میگردد آنهم اشخاص بی‌علاقه وغیر ثابت .

دوم موضوع ونکته قابل‌توجه هزینه لازم برای ترقی وبسط کشاورزی منطقه است شهر های مهم عالم‌ازقبیل - پاریس - لندن - برلن وغیره این شهر ها ترقیات خود را در قبال هزینه‌های گزافی که در هر سال‌خرج‌آنها وصرف عمران این‌شهرها گردید حاصل وبه پایه امروز رسیده اسم وابهت کنونی خودراحاصل نموده اند آیا یك منطقه وسیعی مثل مکران که دارای ۱۵۵۰۰۰ کیلومتر مربع است چگونه‌بدون صرف کوچکترین‌هزینه میتواند ترقی کرده نظیر و شبیه هندوستان گرددپس مکران ایران در صورت دارا شدن جمعیت کافی و صرف هزینه های لازمه برای عمران جای تردید نیست که مثل‌هندوستان خواهدشد برای آنکه این فکر ونظر عمقی شود یك سلسله نکات جغرافیای‌طبیعی - اقتصادی این منطقه شرح داده خواهد شد.

سوابق تاریخی مکران

برای آنکه بتوان فکر جامعی نسبت به‌مکران ایران حاصل‌شود شرح قسمت

تاریخی این منطقه کمك بزرگی بدین منظور خواهد نمود اینست که برای اطلاع از سوابق تاریخی این ناحیه شرحی که راجع بتاریخ بلوچستان در کتاب عملیات بلوچستان توسط لشگر شرق درج شده عیناً نقل مینماید .

درضمن برای آنکه عملیات دوران هرج و مرج بلوچستان و مداخله ارتش بریطانیا در این سر زمین نیز از خاطر محو نشود خلاصه از گزارش سر گرد کیزات که مدت دو سال در مکران متوقف بوده و گزارشی به سیملای هندوستان راجع بجریان این مدت تسلیم نموده اقتباس و درج میشود .

از تاریخ قدیم بلوچستان چیز زیادی معلوم نیست وهمین قدر میدانیم که این کشور همان « گد روسیا » وقسمتی « درنگیانای » یونانیها است . قدیمترین اطلاع تاریخی که از این کشور در دست است از لشگر کشی اسکندر بزرك یونانی وعبور او از « گدروسی » و دریا نوردی امیرالبحر او « نیار خوس » در سواحل مکران است و ازاین گزارشها مختصری درنوشتجات « اریان » فیلسوف ومورخ یونانی (دراوائل سده دوم مسیح) باقیمانده است ووی باین قطعه اسم « گدروسی » و « اوریتا » میدهد این مورخ شرح بسیار ومحققانه ای ازاین قطعه وخشکی آن ولزوم تحصیل آب بواسطه کندن چاه در مجرای مسیل ها شرح داده خوراك اهالی را خرماوماهی ذکر می کند و میگوید که جسته جسته قطعات سبز و حاصلخیز موجود است ـ همچنین بگیاه های معطر وخار داران و کثرت باد های مونسون در نواحی باختری مکران اشاره می کند ونیز از عدم امکان نگاهداری لشگر بزرك درآنجا وتلف شدن قسمت بزرك افراد ارتش وحیوانات اردوی اسکندر سخن میراند .

یقین است که قوم بلوچ از قدیم ساکن بلوچستان نبوده اند بلکه در زمان استیلای سلجوقیان در ایران این قوم از سیستان وکرمان به بلوچستان ایران وقسمت مکران مهاجرت نموده و بعد ها بتدریج از این قسمت باختری به قسمتهای خاوری که حالا در تصرف یا حمایت انگلیس است پراکنده شده اند و از آن زمان این

کشور باسم بلوچستان معروف شده ازسکنه قدیم کشور قبل ازاستقرار بلوچها در آنجا خبر صحیحی دردست نیست وگمان میرود ازنژاد هندی بوده اند. قدیمی‌ترین اسمی که باین اراضی داده شده اسم « مکا » است در کتیبه بیستون داریوش که « هرودوت » نیز « مکیا » یا کشور میکی ها مینامند ودر جزو ساترابی چهار دهم مملکت هخامنشیان بوده است . جغرافی بطلمیوس قسمت خاوری این کشور را جزو هندحساب‌میکنند ازشرحی که « اریان » ازسکنه « اوراء که آنهارا اوریتای» مینامد ودر سواحل رود «ارابیوس» (که‌پورالی‌امروز باشد) زندگی میکردند میدهد نیز برمیاید که انها هندو بوده اند گد روسیون ها در باختر اوریتای هابوده اند وان خط باسم ان مردم گدروسی نامیده شده بود .

اگر چه بعدها در کتب یونان ودر جغرافی وتاریخ همیشه اسم این کشور به گد روسی معروف شد لیکن معلوم میشود اسم قدیم « مکا » درافواه مانده بود و بهمین جهت در سده اول هجری که عرب ها باین کشور استیلا یافتند بانجا اسم مکوران‌یامکران داداند وباغلب احتمال لفظ صحیح همان «مکوران» است که امروز بلوچها همانطور تلفظ میکنند وتصور میشود معنی ان کویر مکا باشد .

در اولین استیلای عرب دراین خط درسنه ۲۳ هجرت تمام زمین مکران در دست قوم « جت » (بعربی‌زط) بود قدیم ترین ذکری که ازقوم بلوچ بهاین‌اسم در دست است در کتب اصطخری و مسعودی از سده‌چهارم هجری است که انهارا درکوههای کرمان ذکر میکنند ومورخین ان سده وسده بعد اغلب انهار در همین نواحی (یعنی جبال کرمان) وسیستان باطایفه دیگری باسم کوچ بعربی(قفص) مذکور داشته اند.فردوسی‌هم بلوچهارا جزو ارتش کیخسرو شمرده و در جای دیگر ازاتحاد انهاباطوایف گیلان وجنك نوشیروان باانان سخن میراند . بعضی محققین را عقیده برانست که‌بلوچها ازنواحی کرنه بحر خزر ابتداء بطرف کرمان‌و سیستان مهاجرت نموده بعدبه مکران و نواحی دیگر بلوچستان رفته‌اند وابتدای این‌مهاجرت

ازاستیلای «هون‌های» سفید (هیاطله) درزمان نوشیروان شروع شده است .در سده چهارم هجری بلوچها (چنانچه ذکر شد) با قوم دیگر معروف به کوچ در کوههای کرمان مستقر شده و حتی در سیستان نیز پراکنده شده بودند لیکن مکران هنوزدردست طوایف « جت » بود . بلوچها درحوالی کویر لوت غارتگری میکردند وشهرت بدی درخراسان داشته و اسباب زحمت بودند . بهمین جهات عضدالدوله دیلمی و مسعود غزنوی هر کدام در عهد خودبر آنها حمله کردهواولی عده کثیری ازآنها کشته‌دومی شکست فاحشی در حوالی « خبیص » بانها داد .

استیلای سلاجقه بکرمان و سیستان قطعاً عمده جهت راندن این قوم بمکران و نواحی خاوی بلوچستان تاحدود هند شد ودرسنه ٦٥٠ هجری دفعه اول ازوجود آنها درسند شنیده میشود . درآن زمان کوههای کلات هم که امروز دست براهوی ها است در تصرف آنها بود :

بعد ها ازدیاد قدرت براهویها عمده سبب مهاجرت بلوچها بجلگه سند شده است و نیز پس ازاستیلای امیر تیمور به هند ضعف و انحطاطیکه بدول هندوستان عارض شد باعث رخنه کردن طوایف خارجی مجاور بان کشور گردید مخصوصاً در اوایل سده دهم بلوچها باشاه بیك پسر ذوالنون بیك از خاندان « ارنمونیان » قندهار درسند و ملتان وارد شده و انتشار یافتند . رؤسای آنها در این وقت « میر چاکورپند » و میرسهراب دودای بودند نژاد بلوچ بابعضی قبایل هندی وعربی اختلاط پیدا کرده است .

از گزارش تاریخی طوایف بلوچ از سده چهارم و اوضاع قدیم کشوری که بعد ها بلوچستان نامیده شدازسنه ۲۳ هجری باین طرف اخبارمتفرق در دست است وذکر آنها بطول میانجامد وکافی است از ابتدای تسلط خاندان فعلی حکومت کلات مختصری ذکرشود .

تااوایل سده دوازدهم یا اواخر یازدهم یك سلاله راجه‌گان هندی در آن کشور که‌حالا بلوچستان تحت الحمایه انگلیس است سلطنت داشتند. آخرین راجه برای‌دفع ایلغار افاغنه یك‌قبیله چوپانهای کوهستانی را از براهویها بکمك خواند رئیس آنها «کامبار» پس از دفع حمله کنندگان افغانی بتدریج در کشور تسلط زیاد پیدا کرده و عاقبت راجه را خلع و حکومت را بدست خود گرفت یکی از نوادگان «کامبار» که ظاهراً پشت چهارم بعد از او بود موسوم بعبدالله خان مرد علو طلب وحریص بود و درپی فتوحات بر آمد ولی در این زمان نادر شاه بهندوستان حمله برد و چون بقندهار رسید اردوئی به بلوچستان فرستاده آنجا را زیر اقتدار خود آورده و عبدالله خان در زیر اطاعت نادر شاه درحکومت آنجا برقرار مانده کمی بعد عبدالله خان در جنك بانواب سند مقتول شد وپسر ارشد او حاج محمد خان جانشین اوگردید. این شخص خیلی ظالم و بدکار بود و رعایا را بستوه آورد برادر کوچکتر او نصیر خان که با نادرشاه تا دهلی رفته بود تقربی پیش‌آن پادشاه یافته ودربرگشتن بمیهن‌خود حاج‌محمد خان را کشته و خود زمام حکومت را بدست گرفت و خبر وقایع را برای نادر شاه که درقندهار بود نوشت. نادر اورا در مسند خود برقرار ساخته و بموجب فرمان بیگلربیگی بلوچستانش نمود و این واقعه درسنه ۱۱۵۲ وقوع یافت . نصیر خان مردی لایق وکافی وعاقل بود اصلاحاتی در کشور نمود و شهر کلات را تعمیر و قلعه بندی‌کرد . پس ازوفات نادرشاه اظهار تبیعت ازاحمد شاه «درانی» امیر کابل نمود ولی درسنه ۱۱۷۱ خودرا مستقل ساخت ولهذا جنك طولانی میان او و احمد شاه درگرفت وعاقبت منجر به صلح و باجگذاری احمد شاه را قبول نمود ودر۱۲۰۹ وفات‌یافت . پس ازوی پسرش محمود خان به امارت نشست محمود خان نیزدر ۱۲۳۶ در گذشت وپسرش مهراب‌خان وارث اوگردید .

در سنه ۱۲۵٤ در مرقع‌حمله ارتش انگلیس بافغانستان از گردنه «بولان» مهراب خان به آن ارتش دشمنی ورزید و بنابر این‌انگلیسها اردوئی برای تسخیر

بلوچستان سوق دادند و مهراب خان را با ۴۰۰ نفر کشته وکلات‌را تصرف کردند. پس از دو سال بلوچها بر ضد حکومت انگلیس در آن کشور برخواسته وجنگهائی روی داد که عاقبت منتهی به تصدیق عمارت نصیر خان ثانی پسر کوچك مهراب‌خان وتخلیه‌بلوچستان‌از ارتش انگلیس شد.

پس ازضمیمه‌کردن سند در ۱۸۴۳ مسیحی وپنجاب در۱۸۴۹ نفوذ انگلیس در بلوچستان بالا تر گرفت وپس از عملیات نظامی چندی که ارتش انگلیس برای تنبیه طوایف کوهستانی بلوچستان‌کردند درسنه ۱۸۵۴مسیحی (۱۲۷۱هجری قمری) عهد نامه بتاریخ ۱۴ ماه مه از آنسال میان نصیر خان و دولت انگلیس بسته‌شد و خان مزبور حمایت انگلستان‌را قبول کرد وعهدنامه سابق هجومی و دفاعی ۱۸۴۱ مسیحی نسخ گردیدو درمقابل مقرری‌سالیانه پنج هزار لیره (۵۰۰۰۰ روپیه)نصیر خان بنام خود و اعقاب و جانشینان خویش‌تحت الحمایگی انگلستان را پذیرفت. نصیر خان در سنه ۱۸۵۶مسیحی مرد و برادرش‌میرخدادادخان جای‌او راگرفت در ۱۸۷۶ مسیحی عهدنامه تجدیدشد ومقرری صدهزار روپیه قرارگرفت. درسنه۱۸۷۹ مسیحی‌انگلیسها تجدید یك‌خط راه‌آهن از سند به بلوچستان شروع کردند وبتدریج خطوط دیگر علاوه نموده وشهر «کوتا» را بنانهادند و مراکز نظامی ایجاد کردندو راهها ساختند.

از بلوچستان ایران تاصد و بیست سال قبل هیچ خبری جزارتش کشی اسکندر کبیر دردست نبود «سیرجان‌ملکم» معروف‌که بسفارت ازطرف حکومت هند بایران آمده‌بود درسفر سوم خود بایران درسنه ۱۸۰۹ مسیحی بقصد کشف یکراه ازخشکی میان ایران وهند «کاپیتان گرانت» را (که بعدها درلرستان کشته شد) مأمورتحقیقات از باختر بلوچستان کرد. یکسال بعد «گریستی» نام انگلیس بهمین قصد دربلوچستان ایران مسافرتی کرده وباسم حاجی باتبدیل لباس سیاحت نموده اولین نوشته باتحقیق

راجع باین ولایت‌را باقی گذاشت در سنه ۱۸۶۱ مسیحی « سیر گولدسمید » انگلیسی برای تحقیق مقدماتی راجع به تمدیدسیم تلگرافی ازسواحل مکران تاجاسك مسافرتهائی نمود و بواسطه‌تجارب واطلاعات خود بعدها مامور کمیسیون مرزی بلوچستان شد .

بعداز نادر شاه نفوذ ایران دربلوچستان باختری اسمی بودوحکومت مرکزی ایران تسلط مستقیم کامل نداشته تا آن که در عهد محمدشاه قاجار مرتبه اول اردو کشی برای تنبیه بلوچها بعمل آمد و ارتش ایران بمپور راتصرف کرده واز آنوقت این شهر دردست‌حکومت ایرانی ماند وپس‌از آن به ترتیب مراکز دیگر بحیطه قدرت دولت‌آمد.

مخصوصاً تعیین ابراهیمخان بحکومت بم ونرماشیر وبمپور ولیاقت و کفایت وی در تمرکز نفوذ دولت در بلوچستان و تصرف خاك سرباز و اطراف بر تسلط ایران در آن خط کمك عمده کرد . از پیشرفت ایران در حوزه بلوچستان مسئله اختلافات مرزی با امارت کلات و بلوچستان انگلیس پیش آمد و بالاخره پس‌از کشمکشهای متعدد وممتد برای رفع مشکلات کمیسیونی برای رفع اختلافات مرزی مرکب از مأمورین ایران و انگلیس و کلات تعیین شد « گولد سمید » سابق الذکر چنان که گفته شد از طرف انگلیس و میرزا معصوم و ابراهیم خان از طرف ایران مأمور این کار گردیدند ولی موافقت درمذاکرات بین مأمورین حاصل نشد گولد اسمید به سواحل مکران‌رفته وبدولت انگلیس گزارش خودرا فرستاد ونقشه تهیه نموده یك خط مرزی پیشنهاد کرد وبعد بطهران آمده بادولت ایران داخل مذاکره شد . درسرقطعه کوهك اختلاف باقی بود ودولت ایران اصرار در تعلق آن بایران داشت عاقبت در ماه سپتامبر ۱۸۷۱ مسیحی توافق حاصل ودر سال بعد به نصب علائم مرزی مبادرت شد . بقول « کرزن » خط مرزی مزبور از خلیج گواتر (با گوادر اشتباه نشود) که قدری درسمت خاورآن بندراست‌میان مصب رودهای دشت ودشتیاری یا(کاجو)

شروع کرده وبطرف خاور منحنی‌شده و بعد درامتداد رود مشکید (یا مشگیل) بالا میرود تا کویر وکوهك

دولت ایران فرصت را فوت نکرد و « پیشین » را در ۱۸۷۰ و « اسفندك » و « مورت » و « دریدا » را در ۱۸۷۲ مسیحی تصرف کرد وحاکم بمپور اردو به کوهك کشیده آنجا را نیز که بعقیده انگلیسها هنوز اختلافی بود گرفت و در همان سال وکیل‌الملك دست غصب امارت اعراب مسقط را ازچابهار که ظاهراً هشتادسال در آن نقطه استیلا داشتند کوتاه کرد وخطه بشاگرد که مدتها درزیر حکم سیف‌الله خان خود سر مانده بود عاقبت در سنه ۱۲۹۱ بدست مامورین دولت ایران افتاد . در بمپور بعدها همیشه یك پادگان مرکب از سیصد پیاده نظام وپنجاه سوار نظام و پنجاه توپچی و شش توپ مقیم بود و یك ارتش چریك از بلوچها هم بعده پانصد نفر درنزدیك آنجا نگاهداشته میشد . در ۱۸۹۵ و۱۸۹۶ مسیحی یك کمسیون دیگر مشغول تجدید حدود بلوچستان انگلیسی و افغانستان بود . در عهد ناصرالدین شاه حکام کرمان اغلب در فصل زمستان بعنوان جمع مالیات و تنبیه بلوچها اردو کشی میکردند. وازهمه بیشترناصرالدوله‌ووکیل‌الملك ودرعهدمظفرالدین‌شاه علاءالملك‌این‌کار راکرده اغلب تابمپور میرفتند، بهمین جهت بلوچها ایرانیهای فارسی زبان‌راقجر یاقجل میگویند ظاهراً ازابتدای عهدمشروطیت وبلکه از چندی قبل‌ازآن تاریخ دیگر قوای نظامی ایرانی به بلوچستان نرفت واین قطعه بکلی خودسرشد تا آنکه سال ۱۳۰۷ اردو کشی جهت رفع غائله بلوچستان صورت‌گرفت . ودرنتیجه یك رشته عملیات مشعشع و دقیقی این منطقه رسماًضمیمه کشورشده دست دزدان وغارت گران کوتاه گردید .

طبق مدارك انگلیسی وگزارش ماژورکیزات

درمدت ده‌سال سلطنت نادرشاه ایران موفق به‌تصاحب منطقه‌بلوچستان

شده ولی مجدداً پس از او تسلط به این ایالات بواسطه بروز انقلابات از دست داده شد - بلوچستان مدت صد سال استقلال کاملی پیدا نمود ولی در این مدت بعضی ازقسمتها باقتضای سیاست خود خراجی میدادند تا این که ایران مجدداً به آن ایالات استیلا یافته و این قسمتها را ضمیمه بلوچستان نمود در سنه ۱۸۴۹ مسیحی - در این موقع با استیلای ایران گلداسمیت دخالت بامورات مرزی را زائد دانسته وآن قسمتها را بعنوان حدود مرزی به ایران واگذار نموده در سنه ۱۸۷۲ مسیحی و بهمان حال تا آخرین روز اقتدار حکومت ایران باقی بود - دولت ایران سپس حکومتی در بمپور تعیین نمود ولی قدری بدون بررسی به تجاوزات در ماوراء دره بمپور پرداخته ومدت چهارده سال باوچستان بکلی مستقل گردید ودراین مدت موضوع بلوچستان غیر ازکشمکش وزد وخورد بین پاره رؤسای کوچك بلوچ در سرباج وخراج چیز دیگری نبود واین مختصر اطلاعات زیراز وضعیت سیاسی آن حدود که اقتباس ازیك گزارش ماژور کیزات است وضعیت بلوچستان امروز رانشان میدهد .

چهار طائفه در بلوچستان میباشند که بدون هیچ حق و ارثی فقط بعنوان رئیس طائفه در زمان انقلاب بلوچستان یعنی بعد از فقدان نادر شاه او قاتیکه بعضی قسمتها بهکلات خراج میدادند استیلا پیدا نمودند - بزرگزاده های دزك وسیب بلدی های گه و قصرقند سومی لاشاری های منطقه کوهستانی مابین مکران و بمپور و چهارمی شیر خان و تاروئی ها پس از استیلای مجدد ایران این اراضی از تحت نفوذ آنها خارج شده و موضوع اراضی موروثی آنها ازبین رفت . تمام قلاع واراضی تعلق بشاه پیدا نموده و مخصوصاً دره بمپور خالصه دولتی شده و بدست رعایا که غلام نامیده میشدند کشت و زرع میشد . بقیه اراضی واملاك باشخاصی وا گذار گردید که در مقابل عایدات آن اجاره یامالیاتی میپرداختند - حکومت وقت این مالیات هارا درهرسال اول عید نوروزاضافه مینمود تا آنجائیکه میتوانستند جلو گیری

از خرابی وضعیت نموده و قانونی برای آن قائل گردند معمولا این مالیات هارا که هیچ حدی برای آن نبود بعهده رؤسا واعضاء متنفذ محل وا گذار مینمودند که آنها هم رفته رفته املاک را برای خود ملك اربابی درست نمودند ـ باین ترتیب طائفه بزرگزاده همیشه دزك وسیب را اشغال ومتصرف گشته بودند همچنین لاشاری ها منطقه کوهستانی خودرا اداره نمودند وبلدی ها گه و قصرقندرا نگاهداری نمودند تا موقعیکه حسینخان شیرخان زائی پدر سعیدخان بانها استیلا یافت ـ شیرخان زائی و ناروئی ها قدری بیشتر ترقی نموده و با اینکه اصلا رود باری بودند بمپور را از دست یکی از رؤسای که قائنی بود خارج ساختند ـ شیرخان زائی ثانی که بمپور درموقع او بدست حکومت ایران افتاد محمد علی بود ـ او بادولت ایران مخالفت نمود وباین واسطه دستگیر و به طهران اعزام گردید موقعیکه ازحبس مستخلص گردید مجدداً به بمپور رفته وتلاش نمود لیکن شکست خورده پسر هایش شاگر وحسینخان دستگیر وتحت الحفظ بطهران اعزام شدند خودش هم که درمیناب پناهنده شده بود مرد پس از مرگش پسرهایش از طهران مرخص وبانها اجازه داده شد به بلوچستان مراجعت نمایند.

پسر ارشدش شا کر در فانوج مقیم شده و با یکی از بلدی ها وصلت نمود و پسر کوچك دیگرش با یکی از بلدی های دیگر در قصر قند وصلت نموده وقلعه گه باو وا گذار گردیده ازطرف فامیل بلدی ها پسرش سعید خان بعد از مرگ او قلعه گه بامضافاتش را اداره میکرد بنت ونیاور به سعیدخان درقصرقند ازمادرش بارث رسیده بود ویك اراضی هم درگه تحصیل کرد واراضی بمپورجز وخالصجات دولتی بود ـ سعید خان هم سربازرا گرفت ودرمعیت بلدیها بهرامخان یاران زائی را بسمت کد خدائی بدانجا گماردند ـ از کدخداهای دیگر سعید خان اسلامخان بود.

در ۱۹۰۷ والی خان ایالات بلوچستان بکرمان رفته قوای محلی قلاع فهرج و بمپور را به بهرام خان وسعید خان وا گذار نمودند آنها عملا استیلای خود را درآنجا برقرار وتامدت سه سال هیچ اقدامی ازطرف شاه بعمل نیامد سردار نصرت

بعد ازسه سال اردوئی به بمپورحرکت داد سعید خان اظهاراطاعت نمود ولی بهرام خان مخالفت نموده و حملات سردار نصرت رارد نمود ولی بواسطه کمکهای سعید خان قسمتی ازاردوی سردارنصرت موفق بمراجعت بکرمان گردیدنددراذاء این خدمات سعیدخان مفتخر بلقب والی بلوچستان شد. این موضوع باعث حفظ ظاهر حکومتی بلوچستان گردید ولی یك افتخار خشکی برای سعید خان بود و اوهم سعی نکرد که آن خدماتی را که باید بتمام ولایت بلوچستان انجام دهد فقط حدود بمپور و دره بمپور قصرقند گه وبعضی بنادر کوچك رانگاهداری مینمود در صورتیکه بهرامخان که ازطرف او کدخدائی سرباز و فهرج تعیین شده بود بواسطه تزائد و تملك فامیلی اودر دزك دراین موقع مقتدر ترو مسلط ترگشته بود اسلامخان هم مدت قلیلی دست راست سعید خان بود ولی اوهم بواسطه تمولی که پیدا نموده بود رفته رفته بسعید خان اعتنائی نمینمود ـ او وسعید خان صد دفعه بایکدیگر نزدیك بمجادله گردیدند ولی هر موقع سعید خان بطرف اولشگرکشی مینمود اوامتناع از زد وخوردنموده و بمسالمت کار را خاتمه میداد وتاسعید خان حیات داشت اتفاق سوئی بین آنها رخ نداد ـ درفوریه ۱۹۱٦ زمان غیبت سعیدخان بهرامخان بوسیله اقرباء سعید خان داخل قلعه بمپورشده وتمام اراضی خالصجات بمپور را که ازرودبمپور مشروب میشودتصاحب نمودسعیدخان در آوریل ۱۹۱٦ مرد واسلامخان املاك پسرش حسن خان راتصاحب کرد.

در همان سال ۱۹۱٦ در اثر بی نظمی های دوره جنك بین المللی یك شورش و انقلا باتی در بلوچستان ایران تولید گردید که از آ نجا بطرف خاور اشاعه پیدا نموده و باعث تهیه سازو برگ جدی در مکران انگلیس و همسایگی خطوط راه ایران و بالاخره قتل دونفرافسر انگلیسی گردید

عملیات بر ضد دامنی ها در مرز شروع و دراین موقع یك کمسیونی هم تحت ریاست ماژور گیزت از طرف قسمت خاوری بلوچستان ایران حرکت کرده ویك قرار دادی با بهرامخان منعقد نمود که بموجب آن یاران زائی ها حاضر شدند قبول

حکمرانی حکومت ایران رادر بلوچستان بنمایند - دردسامبر ۱۹۱۶ حسینخان املاك خودرا از اسلامخان گرفته وقلعه گهرا اشغال نموددر ۱۹۱۷ اسلامخان کشته شد .

بلوچستان ایران مدتی راحت و ساکت ماند وتااوکست ۱۹۲۱ که بهرامخان فوت کرد بهرامخان خودشرایك عامل مقتدر و توانائی درمیان بعضی رؤسای طوائف ایالتی قرارداده بود وفوتش موجب یك سلسله رقابت با سایر رؤسا واقع گردیدهو کشمکش و نزاع داخلی فیما بین آنها در گرفت . (شرح زیر از عملیات نظامی در بلوچستان ایران است تا اوایل این سده عملیات در دزك ۱۹۰۲ و ۱۹۰۱ در ۱۹۰۲-۱۹۰۱) میرمحمدعمرویکی‌ازسرکردگان بلوچ که‌سابقاً اغتشاشاتی‌فراهم‌نموده بودند ازبلوچستان ایران فرار کرده عده دور خود جمع و بقصد چپاول در مرز ها طغیان نمود - ناظم مکران با ۱۵۰۰ نفر قوای چریك‌محلی اورا تعقیب وسعی‌کرددستگیر نماید ولی اقدا ماتش بینتیجه ماند . سرتیپ ایران در بمپور اظهار همراهی و کمك نمود ولی اقدامات اوهم با دستجات مختلف و توپهای سیستم قدیم ضعیف ترازآن بود که بتواند سه قلاعی که اشرار در نزدیکی دزك‌اشغال کرده بودند تسخیرنمایند. ودراین موقع آژان مامور سیاسی کلات بایك اسکورت ۲۱۰ پیاده وده سوار تعقیب و موفق گردید بعضی از اشراررا حاضر نماید بسرتیپ ایرانی تسلیم واطاعت‌نمایند

ولی میرمحمد عمر بجای خود باقی و بچپاول وغارتگری خود ادامه میداد - دولت‌ایران آنوقت حاضرشدکه درفصل زمستان ۳ - ۱۹۰۲ بمعیت سربازان انگلیسی برای قلع وقمع اوعملیات نماید - سرتیپ ایرانی در بمپور مجدداً اظهار مساعدت وهمراهی نمود

اژان سیاسی مامور کلات بایك اسکورت ۳۰۰نفر پیاده ۵۰ سوارمهندس نظامی و۲ توپ کوهستانی مراجعت نموده دید ناظم مکران انگلیسی برادر محمد عمر را در قلعه (نو دیز) در (گه) ۵۳ روز محاصره نموده است ولی بواسطه نداشتن توپخانه کاری ازبین نبرده است

آنوقت اسکورت انگلیسی پس ازبمباران آن قلاع را بکلی خراب و جمعیت آن قلاع کلیه را کشته یامجروح و یا دستگیر شدند قلاع ایرافشان و مگس نیز از قسمت هائی که مطیع نبودند خراب وویرانه گشت محمد عمر بافغانستان فرار کرد - در همین او ان یك قرار دادی بین ایران و انگلیس منعقد گردید که بموجب آن دولت ایران ملتزم گردید همیشه برای امنیت آن حدودیك پادگانی درایرافشان داشته باشد - سپس در ١٩٤٠ برای استقرار امنیت بیشتریقوائی بسوی مکران سوق داده شد - این قوا تحت فرماندهیافسرمعاون اژانسیاسی انگلیسی مرکب از١٣٧ سوار ٢٠٣ پیاده باارکان حرب - ستون در(پنجگور) بود :

عملیات ضد خرید وفروش وتجارت ورودی اسلحه ١٩٠٩

دراواخر ١٩٠٦ معلوم گردید ترتیب عبور اسلحه قاچاق درخلیج فارس توسعه زیادی پیدا کرده است مسقط مرکز تجارت عمده بین عربستان ایران و افغانستان تشکیل داده بود : مقرر شد قضایا درسخنرانی اسلحه که در بروکسل تشکیل میشود مطرح گردد در١٩٠٨ دول ثلاثه فرانسه بریتانیای کبیر وایطالیا در١٩٠٦ قراردادی برای بازرسی عبور اسلحه از دریای احمر در (جیبوتی) بایکدیگر منعقدساختند - در ١٩٠٨ — ١٩٠٧ اسلحه زیادی به سواحل مکران وارد گردید و مقداری بوسیله کشتی دولتی توقیف وزدوخوردی نیز باقاچاقچیان افغان رخ داد ودر١٩٠٩ ملاحان ٥٥٠٠ قبضه تفنك بدست آوردند - سخنرانی اسلحه در بروکسل بسته شد بدون هیچ ترتیب اثری به موضوع مسقط وحول وحوش آن درپائیز ١٩٠٩ یك تجارت مهمی اسلحه قاچاقچیان گردید مخصوصاً افغان .

ترتیب عملیات آنها از این قرار بود بوسیله بعضی رؤسای بلوچ ایرانی از سواحل مکران ایران اسلحهها حمل میشدند تایك مسافتی از کرانه دریا در داخل خاك ایران ودر آنجا بوسیله دسته های بلوچ به افغانستان حمل میکردید - باین دلیل یك دستجات بحری برای توقیف قاچاقچیان واسلحه قاچاق بقرار زیر تشکیل گردید .

الف) چهار کشتی مسلح دولتی باقایق‌های لازمه برای بازرسی کناردریا مامور گردید .

ب) یك قوای بری برای عملیات جلوگیری در داخل مرکب از نیم باطالیان پیاده هندی دو توپ کوهستانی و یك رسد مهندس تجهیز گشت در کشتی سلطنتی موسوم به (هاردنیك)

ج) یك افسر ژنرال‌دفتری برای امور سیاسی درجاسك تعیین ومامور گردید .

د) یك دستگاه بیسیم برای دائر نمودن ارتباط بین‌قوای بحری و بری درجاسك گمارده شد .

ه) جاسك وچاه بهاربحالت پادگان در اورده شده و دو مسلسل و ۱۳۵ نفر در جاسك و ۱۱۵ نفر در چاه بهاربرای محافظت پادگان تعیین گردید .

و) این اقدامات فقط برای توقیف و جلوگیری از قاچاقچیان بود که از راه هندوستان به خلیج اسلحه حمل مینمودند .

ر) نیم باطالیان پیاده هندی‌پادگان رباط درمرزهای‌سیستان تعیین و گمارده شد.

این اقدامات رضایت بخش واقع گردید - زیرا اسلحه توقیفی بدست امده از قرار زیر بود .

تفنك : - ۱۲٤۰۹ قبضه طپانچه ۲۱۷ قبضه

فشنك - تفنك ۱۳۸٦۲۰ تیرفشنك طپانچه - ۲۵٦۰ تیر

چندین محل مخصوص بوسیله قوای بحری و بری خراب ونابود شد .

عملیات سوق الجیشی درمکران ۱۹۱۱

در بهار ۱۹۱۱ عده زیادی افاغنه درمکران ایران‌به‌عمل قاچاق اسلحه مبادرت ورزید - این اقدامات ازمسقط شروع وبواسطه قواعد زیاد تجارتی‌فوق‌العاده توسعه پیدا نموده بود - و برای جلوگیری از این عملیات قوائی مرکب ازیك باطالیان‌پیاده

هندی دو دسته آتشبار کوهستانی ومهندس تحت فرماندهی کلنل دلامن در ۲۹ مارج تجهیز گشت دو کشتی دولتی در هفتم اپریل از بمبئی مامور گشت گردید تمام قوا باتفاق در دهم اپریل بعلاوه کشتی سلطنتی در کلاك کرانه های مکران فرود آمده و به رؤسای بلوچ محلی ملحق گشتند ـ قوا بطرف رودخانه نزدیك برکابند پیشروی نمود.

در شانزدهم اپریل کلنل دلامن با ۹۰ نفر قاطرسوار بطرف طیس حرکت نمود ـ افاغنه بطرف عقب رفتند بعد تمام قوا مجدداً در ۲۱ اپریل به کشی نشسته و در ۲۵ اپریل به (سیریك) وکرانه‌های بیابان پیاده شده ویك قسمت اسلحه که تازه برای میربرکت خان یکی ازرؤسای محلی بلوچ وعامل بزرك افاغنه وارد کرده بودند توقیف نمود ـ در ۲۸ اپریل این قواحمله بسیریك برد که بوسیله ۱٦۰ نفر غلامان میربرکت خان حفظ شده بود پس از یك جنك خونین بلوچ ها فرار نمودند ـ چهل قبضه تفنك و ٤۰۰۰ فشنك که درسیریك وارد شده برد توقیف و بدست آورده شد قوا بعد ازاین عملیات بوسیله کشتی ها به هندوستان مراجعت نمود اثرات این اردوکشی فوق العاده بود زیرا افاغنه مایوس و فهمیدند که خرید و فروش اسلحه قاچاق برای انها نتیجه خوبی نخواهد داشت .

عملیات برضد دامنی ها در اوکست ۱۹۱٦

درنتیجه یك اغتشاشاتی ازطرف دامنیها درحدود مرزخاوری ایران در۱۹۱٦ تصمیم یك عملیاتی برضد انها اتخاذ گشت .

در دوم اوکست ژنرال (دیر) از خاش با یك ستون مرکب از سه گروهان هزاره یك دسته توپ کوهستانی یك عده سوار نظام هندی یك دسته مسلسل و صد نفر ریگی تفنگچی حرکت کرد ستون در تاریخ دوم اوکست وارد گشت و تاریخ ٤ به اب کهوگان رسیده ـ اب برای اردو و بزحمت در گودال ها یافت میشد و محل اردوگاه بواسطه کمی اب در نقاط مختلف انتخاب و تعیین میگردید.

باران خیلی شدیدی دریوم ٤ اردو را بزحمت انداخت ولی بواسطه تنظیمات خوبی که اداره ارکانی داده بود خساراتی متوجه ستون نگردید .

درششم اوکست ستون متوجه گشت گردید ودرکلاك یك میل شمال گشت متوقف گردید ـ در تاریخ هفتم میسیون ماژور کیز ستون را درکلاك ملاقات نمود .

درتاریخ هشتم ستون درساعت ٥ صبح از کلاك خارج شده و بارتفاعات کوه ها (سرفان) بالارفته وپس از طی ١٥ میل مسافت تقریباً بارتفاع ۱۰۰۰ فیت بالای جاده قرار گرفت . قسمت عقب‌دار ستون در ساعت ٨ عصر به اردو ملحق گردید .

در ١٣ اوکت ستون به جالق رسیده در تاریخ ١٥ ستون از خارج جالق به سینوگاں یازده میلی جالق حرکت ومستقر گشت .

درلیله ١٥ـ ١٦ اوکست دوگروهان هزاره بایك دسته توپ کوهستانی برای تنبیه غشاد زائیها به جالق حرکت کرد ـ قلعه جالق محاصره وبمبارده گردید ـ خیلی ازغشاد زائیها درقلعه سوخته و١٥٠ مرد وهمین تعداد زن وبچه و٥ جبس و٢٥ گاو و٢٠ الاغ دستگیر گردیدند .

زن‌ها وبچه هارا ازاد کردند وستون‌مراجعت بهستون کان نمود درتاریخ ١٧ ستون به جاهوکان رفت ودر١٨ به سرفان ودر١٩ بگشت ومجدداً بستون ماژورکیز ملحق گشت ـ در٢١ اوکست ستون وارد خاش گشت این‌اردو کشی خیلی مفید برای طوائف واقع‌شد ازنقطه نظر تهذیب اخلاق انها ولی ستون یك سلسله اشکالاتی رادر حین عملیات به تجربه در اورد ازحیث شدت گرما وفقدان اب دریك منطقه‌ای که سایه وجود نداشته وشاید نمیدانند چیست .

فصل یکم

۱ ــ وضعیت کلی مکران

قسمتهای مهمی از مکران درزیر دریای عمان مدفون بوده است که بمرور زمان از زیر آب خارج گردیده منظره کلیه مناطق واقع در جنوب نیکشهر کاملا این نکته را روشن مینماید

در عصر ایوسین تمام این ناحیه زیراب دریا بوده و حکایات زیاد راجع باین محل ورد زبانهاست از جمله افسانه ایست که (کالداسمیت) نقل مینماید که یونس پیغمبر در یومسن ۳۰ کیلو متر جنوب دشت از دهان ماهی خارج شده این منطقه شامل مردابها و باطلاقهای زیاد بوده است بطوری که در سوابق ایام این منطقه را به زبان سانسکریت (آرایانا) مینامیدند.

ـ طبق تحقیقات (دکتر بلند فورد) انگلیسی یك سلسله ارتفاعاتی در کرانه های مکران است که مرکب از شن و ماسه بوده و مملو از حیوانات محجر است.

ـ (سرطوماس هیلاخ) در کتاب نقاط مرزی هندوستان چنین مینویسد

« توده های رسی ورقه شده مضرث مثل ستون فقرات نهنك در اطراف فروان بوده و نمك لزج شده که در همه جا دیده میشود بخوبی ثابت مینماید این نقاط سابقاً در زیر اب بوده است » این منطقه چون نا شناس بود در ازمنه گذشته و حتی تا چندی قبل ترس و هراس برای رفتن بان در اذهان تولید مینمود بطوری که سنان ابن سلامه دومین حاکم عرب که در ناحیه مکران حکومت داشته چنین میگوید

« توراه مکران را بمن نشان داده و امر می کنی بدانسو حرکت کنم ولی در بیابان امر و فرمان تا اجرای ان فرسنگها تفاوت دارد من هیچگاه باین

سر زمین داخل نخواهم شد زیرا تنها اسم ان مرا به لرزه‌در میآورد »

۲ — مساحت و جمعیت

مکران واقع در جنوب خاوری ایران و محدود بحدود زیر است .

ازطرف شمال منطقه خراسان

ازطرف باختر منطقه کرمان

ازطرف جنوب دریای عمان

ازطرف خاور بلوچستان انگلیس

مساحت این منطقه درحدود ۱۵۵۰۰۰ کیلو متر مربع طول آن ازملك سیاه کوه تا بندر گوادر ۵۶۰ کیلو متر و عرض آن بین کوهك ایرانشهر و مرز ۳۷۵ کیلو متر است

جمعیت کلیه این منطقه در حدود ۱۵۰/۰۰ فعلا حدس زده میشود که بطور نسبی در هر کیلو متر بیش از یك نفر نخواهد بود و با سنجش بسایر نقاط کشور منطقه کم جمعیتی محسوب میشود .

۳ — هوای مکران

هوای بلوچستان ایران بنابوضعیات محلی خیلی متفاوت است منطقه کرانه مکران فوق العاده گرم خسته کننده مرطوب و مریض کننده است - بمرور که بطرف شمالی وارتفاعات داخلی بالا میرود هواسردتر وسالم تر میشود قسمت دره بمپور بواسطه شدت گرما وبدی هوای تابستان معروف است - در قسمت‌های مرتفع مرزونشیبهای کوه تفتان هوا درتابستان خیلی خوب است و در زمستانهم برف باریده میشود در ماه اسفند مواقع سرمای زیادوطوفان های برفی در بمپور هم نزول برف دیده شدم

- در قسمتهای کوهستانی چهار فصل متمایز است ولی در جنوب دوفصل بیشتر وجود ندارد یکی سرما و یکی گرما .

٤ — درجه حرارت در مکران

تا وقتی مسافرت ننموده ودر معرض حملات بادهای سوزان و گرمای شدید منطقه واقع نگردند ممکن نیست فکر صحیح و نظر قطعی نسبت بوضعیت این منطقه حاصل نمود .

از لحاظ آب و هوا میتوان منطقهٔ مکران را به ٤ قسمت تقسیم نمود .

۱ - منطقه خوش آب و هوا

۲ - مناطق معتدل بااختلاف درجه حرارت درشب وروز

۳ - مناطق گرم

٤ - مناطق کرانه

منطقه خوش آب وهوا

این منطقه دردامنه کوه تفتان واقع است بین قطار خنجك و میرآباد بعمق ۳۰ کیلو متری هوای آن معتدلو لطیف استو زندگانی در این منطقه در صورت بودن وسائل بینهایت خوب خواهد بوددر این منطقه چشمه سار های متعدد موجود است شب در وسط تابستان بایستی در اطاق خوابید ودر روز نیز حتی درآفتاب بهیچوجه حرارتو گرمای هوا محسوس نیست در ۲٦ اردیبهشت ماه گندم این منطقه بکلی سبز و خوشه آن خوب بسته نشده ویك ماه به درو مانده بود در صورتیکه گندم در سایر نقاط مکران یك ماه قبل درو و جمع آوری شده است .

در این منطقه حتی درختهای میوه زرد آلو - گیلاس - دیده میشود و از هر لحاظ استعداد نمو اینقبیل اشجار را دارد بهمین مناسبت است که میتوان بهترین مناطق مکران این قسمت را معرفی نمود .

قسمت دوم ـ این قسمت که از زاهدان شروع و تا خاش ادامه دارد روز ها فوق العاده گرم و حرارت آفتاب بی اندازه زننده و مؤثر است و حتی کار کردن در روز بی‌اندازه مشکل و پرزحمت میباشد درصورتیکه شبها سرد و بایستی دراطاق استراحت نموده و حتی شاید دراطاق هم روپوش کافی لازم باشد ـ بهمین مناسبت و بواسطه همین تغییر حرارت شب وروز از طرفی اهالی استفاده نموده و با ذخیره کردن هوای خنك شب از حرارت روز مصون خواهند بود گرچه بواسطه همین تغییر حرارت در صورت عدم دقت ممکن است دچار بیمار یهای مختلف گردند مخصوص درصورتیکه بادر نظر گرفتن حرارت روز بخواهند شب در خارج استراحت نمایند . در این منطقه اشجار خرما کم و اگر هم یافت شود بدون ثمر است و اشجار مناطق معتدله بیشتر نمو وپرورش مینمایند

قسمت سوم ـ مناطق گرمسیری این مناطق دارای حرارت بسیار در روز و شب بوده و زندگانی درآن مشکل و بینهایت سخت است این منطقه وسیعی است از ایرانشهر بطرف جنوب که شامل کوهك ـ شستان وقسمت جنوب آن خواهد بود هرقدر از ایرانشهر بطرف جنوب رویم بهمان بسبت بدرجه حرارت اضافه میشود .

مثلا ایرانشهر در ۱۳۱۹

در فروردین ۲٦ درجه ساعت ۱۲ در سایه بود .

دراردیبهشت ماه ۳۷ درجه ساعت ۱۲ درسایه بود .

دراواخر اردیبهشت ٤٦ درجه ساعت ۱۲ درسایه بود .

بلا فاصله پس از عبور از این منطقه این حرارت بتدریج اضافه خواهد شد بطوریکه در نیك شهر و در قصر قند ۱۲ تا ۱۰ درجه بیش از درجات مندرجه در بالا بوده است در نیك شهر ۱۹/۲/۲٦ درجه حرارت درسایه تجاوز از ۵۸ الی ٦۰ و در موقع حرکت باخود رو بادی که میوزید بقدری گرم و سوزنده بود که ضمن

برخورد آن بصورت احساس برخوردشعله آتش سوزانی رامیداد عابرین که در توی جاده ملاحظه میگردیدندباپارچه صورت وگوش ودهان خودرا بسته‌بودنداین حرارت دائمی روز بروزتامرداددر ازدیاد است درشب‌هم هوابکلی در این مناطق گرم‌است بطوریکه تمام مدت شب را درتابستان درمنطقه گرما نمیتوان‌استراحت‌کرد حشرات مخصوص بسیار است مخصوصاً وجود برنج کاری های نیك شهر و سایر نقاط کمك زیادی بازدیاداین قبیل حشرات نموده اشجار واقعی و اصلی این منطقه درخت خرما است‌زراعت این منطقه درفروردین ماه‌درو وجمع آوری‌میشود . در این‌منطقه‌اشجار گرمسیری ملاحظه میشود .

قسمت چهارم ـ که گذشته ازگرما دارای‌درجه بخارزیادمیباشدوگاه گاهی به ۹۰ درجه بخار آن میرسد که غیر قابل تحمل میگردد گرچه حرارت بپایه منطقه مرکزی نیست اشجار این منطقه اشجارمخصوص کرانه هندوستان است .

برای اینکه هوای‌برخی نقاط مکران بطور مشخص درنظر مجسم شودشرح مختصری راجع بهر یك‌درج میگردد .

جنوب

فصل سرما ازماه مهرشروع میشود تا فروردین‌واز ماه مهر موسم گرماست منتهادرجه حرارت هوادر زمستان‌از ۸۷ تا ۹۷ درجه‌تغییر پیدا مینمایدو در تابستان از ۹٤ تا ۱۱۰ درجه‌بارندگی قطعی ومعینی نیست ولی‌بین ماه ابان وبهمن بارندگی میشود گاهی هم در اسفند باریده شده است ـ میزان بارندگی درمکران‌بین ٦ و ۷ انیج در سال است ولی در بنادر هیچوقت تجاوز از ۳ الی ٤ اینچ‌ننموده است ـ در فصل تابستان‌خوابیدن در چادر در روز غیر ممکن است بواسطه شدت گرما و همچنین در نقاطیکه آب هست بواسطه پشه و سایر حشرات گزنده توقف شکل است ـ قصر قند بواسطه پشه زیاد معروف و در نتیجه مالاریا فوق العاده

فراوان است ـ معذالك اهالی فقیرآنجادرزیرهجوم‌همان پشه‌هاودرحین گرما میخوابند در نیك شهر حدت گرما از ماه فروردین‌تا مهر طاقت فرسااست ولی هوای آن‌غیر سالم و بدبنظر نمیایدو مالاریا هم در آنجا وجود ندارد .

بمپور

هوای بمپور به بدی درتمام مکران معروف است و هوای آن‌چه در کنار رودخانه بمپور و چه در صحرای خشك وریگستانی آن‌خیلی مختلف ودرحین‌خشکی وسردی‌هوا گرم ومرطوب میشود ـ درموسم سرماهوای بمپورخوب ولطیف است ولی در عین حال که فوق‌العاده سرد است هوا تغییر یافته و فوق‌العاده گرم‌میشود موسم گرما ازماه اردیبهشت‌شروع ودر ماه‌خردادگرما شدت غریبی پیدا مینماند و در تمام فصل گرمادرجه حرارت از ۱۱۳ درجه‌الی ۱۱٦ درجه میرسد.

دزك

هوای دره دزك سیب و زابلی خوب ومعتدل است مخصوصاً دره زابلی خیلی معتدل و هوای سالمی‌دارد ـزابلی چهارفصل معینی داشته‌ومخصوصاً درزمستان خیلی سرد میشود.

مرز ـ هوای مرز درتابستان خیلی گرم وخشك است ودرجه‌حرارت شب‌ها نقصان فوق العاده پیدا نموده در عین حال سرد میشود در تابستان طوفان گرم و خاك زیاد دارد ولی با ساختن بنا های‌خوب‌کاشتن درخت‌بخوبی میتوان زندگانی نمود باستثناء باد و بارندگی که گاهی امکان پذیر است در تمام مدت گرما بهیچوجه بارندگی نمیشود ـ باد های زمستانی که از خلیج فارس و زیده میشود از روی‌مرز عبور نموده‌و کوه تفتان تمام رطوبت هوارا بخود جذب وباعث بارندگی های نافعی‌در حدود کوه‌تفتان میگردد ـ برف در کوه‌تفتان‌تا آخر ماه مهروجوددارد .

باد های مکران

مکران اساساً در اثر مجاورت با لوط و کویر های اطراف محلی است بادخیز

ودارای دو قسم باد است شمالی وجنوبی باد های شمالی نظر بعبور از روی برف و کوههای مرتفع اطراف مانند کوه تفتان بسیار خشك و مطبوعند ولی همین بادها چون بطور مختلف میوزند همیشه سبب بروز امراض سینه و ریه و بینی هستند باد های جنوبی نظر بعبور از روی لوط و کویر باشن و ریك وخاك همراه وخیلی زننده و گرم و اغلب مسموم میباشند بهمین واسطه امراض گرمسیری مانند تب آفتاب زده وتب سیاه وسرسام دراثر گرمی هوادرنقاط گرمسیری مکران زیاد مشاهده گردید

٥ - بیماریهائی که در نتیجه آب و هوای مکران همه ساله بروز میکنند

از نقطه نظر اختلاف هوا امراضیکه درآن بروز مینماید درهر فصل مختلف است:

۱ — همه ساله ازاواخر فروردین مرض مالاریا و دیسانطری بطور اپیدمی تا آخر مرداد در بین عامه شایع است.

۲ — از مردادماه تااواخر شهریور گریپ و کنثرنکتویت بروز نموده عده‌ای را مبتلا میسازد.

۳ - از اواخر شهریور تا اواخر آبان مجدداً مالاریا و دیسانطری قدری کمتر از دوره اولی بروز مینماید و باقیمانده گریپ و کنثرنکتویت هم موجود است.

٤ - از اواخر آبان تااواخرفروردین سال بعد پنومی و پلورزی و برونشیت و زکام نیز بطور شایع بروز نموده عده ای را مبتلا و اغلب تلف مینماید امراض مختلف دیگری هم بطور عادی مانند سایر امکنه در این مکان موجود است.

در تابستانها گاهی مالاریا وتیفومالاریا و گاهی تفوئید ساده واغلب تب آفتاب زده نیز مشاهده شده این امراض گاهی بصورت اپیدمی بروز میکنند مگر ان از نقطه نظر مجاورت با بلوچستان انگلیس وهندوستان همیشه درمعرض مخاطره امراض مسیری از قبیل طاعون و وبا نیز خواهد بود.

فصل دوم

۱ — کوهستان مکران

رشته کوهستانهای جنوبی مرکزی وخاوری ایران در منطقه مکران بهم نزدیك شده یك منطقه کوهستانی که شامل رشته های موازی است تشکیل میدهند .

ـ رشته ارتفاعات کرمان که همان امتداد کوه بارز باشد امتداد خود را بطرف ایرانشهر و کوهك و مرکز مکران ادامه داده باسم کوه بم پشت مرکز مکران را شیار و بطرف پنجگور امتداد مییابد .

ـ رشته ارتفاعات مکران که کرانه جنوبی کرمان را فرا گرفته باز همان امتداد راطی وپس از طی کلیه منطقه جنوبی مکران بطرف تربت و مند خاك بلوچستان ممتد می شود .

ـ رشته ارتفاعات خاوری که از نه و پنجگور در جهت شمالی وجنوبی ادامه‌داشت پس از گذاردن سیستان در جناح راست خود و در سمت خاوری زاهدان بطرف مرز متوجه و سپس دهلیز سراوان را تهیه و باسم کوه سیاه هان و کوهك به مرز متصل و با رشته های قبلی موازی میگردد .

در بین این سه رشته ارتفاع کوهستان مرکزی وقلل آن خیلی مرتفع‌تر و برجسته تر است بطوری که:

تفتان ۱۲۴۵۲ پا یا ۴۱۵۰ متر	}	میباشد
قلعه‌بزمان ۱۱۴۷۰ پا یا ۸۲۳ متر		

ولی ارتفاعات شمالی از ۸۱۱ متر در مقابل زابلستان تجاوز نمینماید

کلیه این ارتفات عموماً هر قدر بطرف مرز نزدیك میشود پست تر شده پس از عبور از مرز بلوچستان انگلیس مرتفع تر خواهد شد .

بطوری که قلل جنوبی ۱۰٤۱ متر قلل مرکزی ۱۱۰۸ متر قلل شمالی ۹۱۰ متر	در مرز بوده ولی پس از عبور از از مرز ارتفاع آن زیاد

و ملاحظه می کنیم در خوز در به ۱۳۵۰۰ وهر قدر بطرف شمال رویم بالاتر و مرتفعتر خواهد شد .

کوهستانهای این منطقه کلیه سنگی و مرکب از سنك ها است که ورقه شده و بی اندازه سست است بطوریکه در نتیجه بارانهای نایاب خیلی تغییر شکل داده واشکال مختلفی را دارا میشوند .

این کوهستانها عموماً خشك است فقط در کوهستان بم پشت و ارتفاعات تفتان واطراف آن دره های نسبتاً باصفائی یافت میشود ودر نتیجه حرکت درکوهستانها بواسطه عدم وجود اب خیلی مشکل و بسیار پرزحمت است در کوهستانهای پراب اشجار بادام کوهی وانجیردیده میشود باضافه بعضی گل های وحشی بنظر میرسد دربین این گیاه ها علف های طبیعی از قبیل افسنتین ـ گل گاوزبان ـ گل بنفشه مقادیر زیاد یافت میشود

کوهها ـ برای آنکه بهتربوضعیت کوهستان مکران اطلاع حاصل شود رشته های مهم وقلل قابل توجه انرا شرح میدهیم

کوه تفتان ـ دردامنه های این کوهستان آب زیاد و کبك فراوان میباشد ـ قریه کوچك (وراچ) دردامنه کوه در ارتفاع ۶۵۰۰ پا واقع شده در ارتفاع ۱۰۰۰۰ پا در دامنه کوه چشمه اب خوبی موسوم به (خوش اب) واقع است و از این جا بطرف قله قلوه سنگهای بزرك مشاهده میشود ـ از قریه (وراچ) تاقله کوه ۸ ساعت راه است .

قله کوه از خاکستر سفید رنگی پوشیده شده که از دورشبیه برف است .

کوه تفتان دارای ٤ قله است قله شمالی موسوم به زیارت نوك جنوبی ان موسوم به (مادر کوه) که اتش فشانی است در جنوب خاوری این قله قله صبح کوه و در باختر آن قله نرکوه قرار گرفته .

این کوهستان دارای چشم انداز بسیار ممتازی به تمام اطراف است قله این کوه ۱۲٤٥۲ پا ارتفاع دارد کوه مخروطی شکل است.

این کوهستان درمکران به اسم کوه چهل تن موسوم است.

منظره دو قله تفتان در افق

- کوه لکور - در مجاورت همین کوه واقع ودارای مغاره های زیاداست.

- کوه کنج با ارتفاع ٥٥٠٠ پا در مرز قرار گرفته.

- سلسله ارتفاعات بزمان مرکب از چند رشته کوهی است که بموازات یکدیگر ازشمال بجنوب امتداد داردیك رشته ان موسوم خضر زنده استدرمجاورت این رشته مه کوه بچه کوه قرار گرفته.

قله این کوه ۲۱۰۰۰پا ارتفاع داردکه دامنه این کوهستان برای زندگانی بدرجات بهتر از بمپور است.

- کوه پنج انگشت در مجاورت خاش در منطقه مرز چهار ساعت برای بالا رفتن به قلل این کوه لازم است.

کوه قانوچ کوه مرتفعی است که برای بالا رفتن ازان ٤ساعت وقت لازم است

ازقله این کوه سرچشمه ٤ نهریکه رودخانه فانوچ را تشکیل میدهند میتوان دید این پنج نهر به اسامی زیر درمحل معروف است ،

- نهرمیراباد که میراباد در کناران واقع شده .
- کم کور
کورمکن
- کور اسپید

از قله فانوچ‌ارتفاعات بزمان درطرف‌شمال بخوبی دیده میشود ناحیه لاشار در سمت خاور کوه فانوچ واقع شده در این ناحیه چند باب خانه سنگی و یك قلعه که از آثار وبقایای قدیمه است ملاحظه میشود خرمای این ناحیه درمکران معروف واز لحاظ ارزانی نیز تا حدی بهتر از سایر نقاط است

- رشته ارتفاعات کچا کوه که در خط مرزواقع شده‌ودارای اهمیت نظامی‌است

جاوه و مسیر راه آهن در جلوی آن در عقب ارتفاعات کچا کوه

- رشته کوه اسپیدان دربین ایرانشهر بطرف قلعه‌زابلی‌واقع‌و قله آن کوه به هنت موسوم است این قله بارتفاع ۷٦۰۰ پا و سر آن خیلی باریك است این کوه بر خلاف

آنچه آتش فشان معروف است کوه عادی بیش نیست ولی دامنه های آن تند و بالا رفتن بآن مشکل است .

بطرف خاورازشمال بجنوب کوههای بیرویاریح وجیلی کوه‌واقع شده عقب‌آنها کوههای سفیدکوه است

تمام این کوهها قللشان در زمستان از برف مستور است و به ارتفاع ۳۰۰۰ الی ۳۳۰۰ متر میباشد ـ بطرف جنوب و جنوب باختری در خط جنوبی مرز کوههای منفرد کم اهمیتی هستند معروف به‌هنجار استحرو ـ و مرغوك در نزدیکی خاش دورشته مرتفع معروفی واقع شده که یکی به کلهر و دیگری پنج انگشت درطرف جنوب باختر .

در باختر کوه تفتان سلسله کوههای پیر سورانی یا (سیاه بند) واقع شده کهاز شمال بجنوب کشیده شده اند وبك سد محکمی بین مکران مرزی و لوط کرمان تشکیل میدهند و از شمال بطرف شمال باختری دشت لوط را جدا میسازد ـ در جنوب این کوهها تپه‌های کوچکی که معروف به گوهر کودو کوه مرغك و مالاغ کوه و هاشائی است واقع شده .

کوه برك که ازشمال باختری بطرف خط جنوب است یك کوه نمك آهکی‌است به ارتفاع ۱۳۳۰ متر حدود بمپور را از حدود دزك یا سراوان جدا میسازد در جنوب باختری این کوه که جائیکه مرز بمپور واقع است کوه لاشار کوه واقع شده در خاور لاشار کوه در طرف جنوب خاوری‌حدود دزك کوههای بمپشت واقع گشته که‌تشکیل حدودبین مکران وآن‌ناحیه رامیدهد ـ ارتفاع آن ۱۶۶۵ مترازسطح دریاست .

۲ ـ رودخانه ها و ابهای مکران

منطقه‌مکران‌اصولاً‌منطقه نسبتاًخشکی است که‌آب کمتر ازسایرمناطق مجاور آن میباشد ولی معهذا رود خانه هائی در اینمنطقه جریان‌دارد که این رود خانه ها عموماً

دارای آب میباشد بعضی از این رود خانه ها در سطح جاری وبرخی عبارت از زه آبهائی میباشد که پس از حفر مختصری اب جاری بدست خواهد امد .

بین کلیه رودخانه های این منطقه یگانه رودخانه ایکه دارای اهمیت نظامی است رودخانه (رپیچ) است که باسم بنت فانوچ وارد دریا میشوددر دوشعبه بفاصله ۹ میل یك شعبه درخور رپیچ ودیگری درخور کلاك هردو مصب بواسطه گل ولجن زیادغیر قابل عبور است ولی در مواقع باران و طغیان اب میتوان با قایق در خور رپیچ حرکت نمود سایر رود خانه های مکران بهیچوجه از لحاظ قایق رانی قابل استفاده نیستند رود خانه های بمپور و سراوان در موقع بارندگی زیاد خیلی زود طغیان کرده و عبور از انها خالی از خطر نخواهد بودوضعیت رود خانه ها وابهای مشروب این منطقه طبق شرح زیر است :

آبهای مکران

مکران دارای چهار قسم است ـ چاه ـ قنات ـ چشمه ـ رود

۱ـ اب چاههای مکران اغلب شور و دارای (فسفات دوشو) و (کربنات دوشو) و (کلرور دوسود) و (سولفات دوسود) است واغلب چاههائیکه ابهای انها شوراست در خاش و زاهدان و در راه دلگان واقعند .

۲ ـ رودخانه های مکران ـ مکران اساساً دارای دوقسم رود خانه است . یکی رودخانه سطحی و دیگری تحت الارضی که اغلب ازریر ریك وسنك بطور تحت الارضی عبور مینمایند .

رودخانه های سطحی مکران عبارتند از رود گشت که از خاش شروع نموده از اراضی جنوبی گشت دوشك و بخشان کوهك عبور نموده ووارد خاك بلوچستان انگلیس میشود

۳ ـ رودخانه سرباز است که از نزدیک رودخانه بمپور خارج شده واز سرباز عبور نموده قدری از اراضی باهوکلات را آبیاری نموده در نزدیک بندر گواتر با شعب دیگری توأم شده از کنار بندر گواتر ببحرعمان میریزد این رودخانه شامل کلیه آبهای سرباز ـ کاجو ـ نهنک میباشد

۳ـ رودخانه‌های اراضی مکران جنوبی چهاررودند که از کوهستان مکران سرچشمه گرفته به بحر عمان میریزند

رودخانه نیک شهر که در ۳۰ میلی باختر چاه‌بهار وارد دریامیشود رودرپیچ که در دو شعبه باسم فانوچ در دشت بفاصله ۹ میلی از یکدیگر وارد دره میشود ـ رود سادانیج که در خاور جاسک وارد دریا میشود

٤ ـ دو رود که در طرف خاور خاش واقع‌اند آنها از کوههای خاوری اطراف خاش شروع نموده از مرز جالق وارد ماشکیل که جزو خاک بلوچستان انگلیس است میشود

رود های تحت الارضی مکران عبارت است از رودخانه بمپور که از نزدیک کارواندر شصت کیلو متری خاش شروع شده وبعضی جاها زیر خاک فرو رفته و بکلی محو میشود تا نزدیک تیغ آب مجدداً ظاهر شده در حدود هشت کیلومتری بطور ظاهر عبور مینماید وباز زیر خاک رفته بطور تحت‌الارضی عبور نموده نزدیک چامدر در ۱۲ کیلومتری دامن ظاهر شده واز قسمت خاوری ایرانشهر بطرف بمپور عبور مینمایدواز ایرانشهر خاک املاک خالصه را آبیاری کرده وازبین شمس آباد وچاسردو بدریاچه‌شور که در ۱۲۰ کیلومتری بمپور واقع است میریزد

۳ ـ قناتهای مکران ـ در مکران قنات زیاد آب آنها عموماً شیرین و گواراست و کمتر دارای مواد شیمیائی است

۴ - چشمه های مکران اغلب سولفوره ودارای گوگرد است واغلب آنها کاملا دارای طعم آسید سولفوریك خیلی ترش ودارای‌همان خواص گرگرداست من‌جمله این آبها همیشه در خاش و اطراف تفتان موجود اند مخصوصاً در کوه تفتان معدن گوگرد زیاد است و بهمین جهت آبهائیکه از کوه تفتان سرازیر میشود اغلب ترش و دارای گو کرد است در بزمان قناتی موجود است که‌اغلب برای عموم‌امراض جلدی از قبیل اکزما و گال و امثال آنها بسیار مفید است اغلب چشمه های مکران بقدری گوارا است که در روز در اثر خوردن آنها ممکن است بدفعات مختلف انسان را گرسنه نماید این قبیل آبها بیشتر آب برف است که از چشمه های مختلف کوهستانی بیرون امده بعد سرا زیر شده تشکیل رودخانه میدهد مثلا سراب گوشه که در چهل و هشت کیلومتری خاش مقابل سنگان است .

رودخانه مشکل

این‌رودخانه رابلوچ‌هامشگله مینامند این رودخانه‌سابقاً خیلی وسیعتر بوده‌است .
اب این رودخانه در بیابان واقع و در خاور جالق فرو میرود یك قسمت نیز نخلستانهای اطراف را مشروب میکنند

۳ - دریاچه ها

در مکران ایران دریاچه‌ای وجودندارد فقط جاز موریان هامون است که ازاب کوههای لاشار ورود بمپوروهلیل‌رود وسایر جوی های کوچك که به ان داخل میشوند دارای اب است وانهم در فصل تابستان بکلی خشك و درماههای دوم وسوم بهار وپائیز بواسطه‌تبخیر دارای‌اب زیادی‌نیست‌درباختر خاش هم یك هامون کوچك دیگری وجود داردکه‌چندان قابل‌اهمیت نیست - ومعروف به‌چاه عمین هامون‌است وهمیشه اوقات‌نیز خشك است هامون ماشکیل که در خاك بلوچستان انگلیس است کلیه آبهای رودخانهای

ماشکیل طالاب گلهگان و جالق را بخود جلب مینماید سایر جوی های کوچکی که در مکران جاری هستند کم اتفاق میافتد که دارای اب جاری باشند جریان انها از زیر خوابگاه رودخانه بوده ولی باحفر کمی از زمین قریب ٤ پااب بدست میاید .

فصل سوم

تقسیمات اداری و تقسیمات داخلی مکران

مکران طبق تقسیمات کشور (٦ ابانماه ١٣١٦) در جزو استان هشتم محسوب شده وشامل شهرستان‌ها و بخشهای زیر میباشد :

خاش شهرستان شماره ٣٩ شامل بخشهای زیر: ١- خاش

٢ - قصر قند

٣ - ایرانشهر

٤ - سراوان

٥ - نریمان

٦ - سرباز

٧ - چاه بهار

٨ - زاهدان

زابل شهرستان شماره ٤٠ شامل بخشهای - زابل

میان کنگی

طبق این تقسیمات مکران واقعی شهرستان خاش محسوب میشود چه قسمت زابلستان گر چه فعلا از لحاظ نظامی تابع مکران است ولی ساختمان و وضع طبیعی آن از ان بکلی مجزا بوده ودر جزو خراسان خاوری مورد بررسی قرار خراهد گرفت .

جدول تقسیمات مکران ـ مساحت تقریبی ـ جمعیت وتعداد بلوك وقراء

بخش	مساحت	جمعیت	بلوك	
خاش	۶۸۴۰ کیلومتر	۲۴۰۰۰	بلوك ۱۸	۱ ـ خاش مرکزی ـ شامل ۱٤ قریه ـ جمعیت کلیه ۹۰۰ نفر قراء بین ۲ تا ۱۸ کیلو متر تا خاش . ۲ ـ رویس ۱۸۳ قریه شامل ٦ قریه ـ جمعیت ۲۵۰ نفر بمسافت ٦۰ کیلومتر از خاش . ۳ ـ چمن علی ـ شامل ۸ قریه ـ ۵۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت تا خاش ۵٤ کیلومتر ٤ ـ انجیرك ـ شامل ۹ قریه ـ ۳۵۰ نفر جمعیت حد اکثر فاصله تا خاش ۵٦ کیلو متر ۵ ـ سنگان ـ شامل ۱٦ قریه ـ ۱۵۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت تا خاش ٤۸ کیلومتر ٦ ـ تمین ـ شامل ۲٦ قریه ـ جمعیت ۳۵۰۰ نفر ـ حد اکثر مسافت به خاش ۷۸ کیلو متر . ۷ ـ میر جاوه ـ شامل قریه ـ میر جاوه ـ جمعیت ٤۰۰ نفر در ۱۸ کیلو متر ۸ ـ لادیز ـ شامل ۳۸ قریه ـ جمعیت ٤۰۰ نفر تا خاش حد اکثر ۹۰ کیلو متر ۹ ـ شیخ احمد ـ شامل ۸ قریه دارای ۵۰۰ نفر جمعیت ـ حد اکثر مسافت تا خاش ۱۱٤ کیلو متر . ۱۰ ـ ده بالا ـ شامل دوقریه ـ جمعیت ۳۹۹ ـ حد اکثر مسافت تا خاش ٤۸ کیلو متر ۱۱ ـ کال آباد ـ شامل بلوز حال ـ جمعیت ۱۵۰ نفر ـ در ۹۰ کیلو متری در خاش ۱۲ ـ ده بالای کال آباد ٤۰۰ نفر جمعیت ٤۷ کیلو متر تا خاش . ۱۳ ـ کال آباد پائین ـ ۲ قریه ـ جمعیت ۲٤۵ نفر تا خاش ٤۲ کیلو متر ۱٤ ـ گزو ـ شامل ـ ۳ قریه ـ جمعیت ۱٦٦ نفر تا خاش ۹۰ کیلو متر . ۱۵ ـ گوشه ـ شامل ۲۸ قریه ـ ۳۵۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت تا خاش ٦۹ کیلو متر ۱٦ ـ ایرندگان ـ شامل ۸ قریه ـ ۱٦۵۰ نفر ـ حد اکثر مسافت تاخاش ۸٤ کیلو متر ۱۷ ـ کارواندر ۵ قریه ـ ۷۰۰ نفر حد اکثر مسافت تا خاش ۸٤ کیلو متر ۱۸ ـ اسطل آباد ـ دارای ۷ قریه ـ ۳۰۰ نفر ـ حد اکثر مسافت تا خاش ۷۲ کیلو متر
سراوان	۳۹۰٦۰ کیلومتر	٤۳۵۰۰ نفر	مرکب از ۱۵ بلوك	۱ ـ داور پناه ـ شامل ۱۹ قریه ـ ۸۰۰۰ نفر جمعیت تا مرکز سراوان ۷۲ کیلو متر حد اکثر . ۲ ـ کوهك ۵ قریه ۱۰۰۰ نفر تا بخشان ۱۲٦ کیلو متر ۳ ـ کله کان ـ ٤ قریه ـ ۱۵۰۰ نفر جمعیت ـ حد اکثر مسافت تا نسبان ٦٦ کیلو متر ٤ ـ جالق ٦ قریه ۲۵۰۰ نفر حد اکثر ۵٤ کیلومتر تا بخشان ۵ ـ ناهوك ٤ قریه ـ ۱٦۰۰ نفر جمعیت ـ حد اکثر مسافت ۵٤ کیلو متر ٦ ـ سیب ۵ قریه ـ ۳۰۰۰ نفر حد اکثر ۸٤ تا بخشان ۷ ـ سوران ـ ۹ قریه ۲۵۰۰ جمعیت حد اکثر مسافت ۵٤ کیلو متر ۸ ـ پسکوه ٦ قریه ۲۰۰۰ نفر حد اکثر تا بخشان ۸٤ کیلو متر ۹ ـ ایر افشان ـ ۱۱ قریه ـ ۳۰۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت ۱۳۲ کیلو متر ۱۰ ـ اشار ۱۸ قریه ٤۵۰۰ نفر حد اکثر تا بخشان ۱۱٤ کیلو متر ۱۱ ـ هیدوج ـ شامل ۲۹ قریه ـ ٤۰۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت ۷۸ کیلو متر ۱۲ ـ کنه ٦ قریه ۱۵۰۰ حد اکثر تا بخشان ۹٦ کیلو متر ۱۳ ـ بم پشت ٦٦ قریه ۵۰۰۰ نفر حد اکثر مسافت تا بخشان ۱۲٦ کیلو متر

				۷ - سوران - ۹ قریه ۲۵۰۰ جمعیت حد اکثر مسافت ٥٤ کیلو متر ۸ - پسکوه ٦ قریه ۲۰۰۰ نفر حد اکثر تا بخشان ۸٤ کیلو متر ۹ - ایر افشان - ۱۱ قریه - ۳۰۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت ۱۳۲ کیلو متر ۱۰ - اشار ۱۸ قریه ٤۵۰۰ نفر حد اکثر تا بخشان ۱۱٤ کیلو متر ۱۱ - هیدوج - شامل ۲۹ قریه - ٤۰۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت ۷۸ کیلو متر ۱۲ - کنه ٦ قریه ۱۵۰۰ حد اکثر تا بخشان ۹٦ کیلو متر ۱۳ - بم پشت ٦٦ قریه ۵۰۰۰ نفر حد اکثر مسافت تا بخشان ۱۲٦ کیلو متر ۱٤ - زابلی ۱۹ قریه ۳۰۰۰ نفر حد اکثر تا بخشان ۹۰ کیلومتر ۱۵ - نابیدیم ۱٤ قریه - ۱۵۰۰ نفر ۱۰۲ کیلو متر
ایرانشهر	۳۰۲٤۰	۳۵۵۰۰	مرکز ایرانشهر ۱٤ بلوك	۱ — ایرانشهر ۱۲ قریه با جمعیت کلی ۸۰۰ نفر — حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۱۲ کیلو متر . ۲ - ابتر ۵ قریه - دارای ۱۰۰۰ جمعیت حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۲٤ کیلو متر ۳ — دامن — ۹ قریه — با جمعیت کلی ۳۰۰۰ حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۳٦ کیلو متر . ٤ — کوهسار اتیر — ۱۱۰ قریه دارای ۳۰۰۰ نفر جمعیت حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ٤۸ کیلومتر . ۵ - بمپور ۲۱ قریه - ٤۰۰۰ نفر جمعیت - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۷۲ کیلو متر ٦ - سرباز - ۵۲ قریه - ۸۰۰۰ نفر حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۱۳۲ کیلو میر ۷ - گوهر پشت - ۱۵ قریه - ۵۰۰ نفر - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۲٤ کیلو متر ۸ - بزمان - ۱٦ قریه - ۳۰۰۰ نفر - حد اکثر مسافت از ایرانشهر ۱٦۸ کیلو متر ۹ - ادلکان ۲٤ قریه - ۲۰۰۰ نفر - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۱٤٤ کیلو متر ۱۰ - چامپ - ٤۰ قریه - ۵۰۰۰ نفر - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۱۲۰ کیلو متر ۱۱ - اهودان - ۱ قریه - ۷۰۰ نفر - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۹٦ کیلو متر ۱۲ - راسك - ۵ قریه - ۱۰۰۰ نفر - مسافت تا ایرانشهر ۱۸۰ کیلو متر ۱۳ - سیرم مچ - ۱۰ قریه - ۱۵۰۰ نفر حد اکثر جمعیت تا ایرانشهر ۷۲ کیلو میر ۱٤ - کاجه - ۲۳ قریه ۲۰۰۰ نفر - حد اکثر مسافت تا ایرانشهر ۱٤٤ کیلو متر

نیك شهر	۶۳۳۶۰	۳۵۰۰۰	۱۰ بلوك	۱ - لاشار - ۲۸ قریه - ۳۰۰۰ نفر جمعیت دور ترین مسافت۷۲ کیلو متر تانیك‌شهر ۲ - قصر قند ۱۱ قریه - ۷۰۰۰ نفر دور ترین قراء تانیك شهر ۸۴ کیلو متر « ۳ - نیك شهر - ۱۵ قریه - ۳۰۰۰ نفر جمعیت دور ترین بخاف ۹۶ کیلو متر ۴ - نیت ۵ - نفوح ۶ - مشکوتان ٤ قریه - ۲۰۰۰ نفر ۷۸ کیلو متر ۷ - کلات - ۶ قریه ۱۵۰۰ نفر ۳۶ کیلو متر ۸ - اسپکه - ۸ قریه - ۲۰۰۰ نفر ۹۰ کیلو متر ۹ - ایرندکان - ۲۶ قریه - ٤۰۰۰ نفر ۶۰ کیلو متر ۱۰ - باهوکلات - ۱۱ قریه - ۵۰۰۰ نفر ۱۲۰ کیلو متر
چابهار	۸۰۰۰	۱۰۰۰۰	مر کز چابهار ۱٤ بندر	۱ - کالك - ۱ قریه - ۲۰۰ نفر تا چابهار ۱۰۸ کیلو متر ۲ - پارك یك قریه ۱۰۰ نفر ۹۶ کیلو متر ۳ - چابهار - ۱۰۰۰ نفر ٤ - کواتر - ۲۰۰ نفر ۲٤۰ کیلومتر ۵ - پیشین - ۲۵۰۰ نفر تا چابهار ۱۵۰ کیلومتر ۶ - سرحد پیشین ۱۵۰ نفر ۱۸۲ کیلومتر ۷ - سرحد پنجکور ۱۵۰ نفر تا چابهار ۱۹۲ کیلو متر ۸ - اشکنه ۵۰۰ نفر ۲۱۶ کیلومتر ۹ - کنورك ۱۰۰ نفر تا چابهار ۱۸۰ کیلومتر ۱۰ - کوه کبیر ۱۰۰ نفر ۱۸۰ کیلومتر ۱۱ - تنك ۲۰۰ نفر تا چابهار ۱۹۲ کیلومتر ۱۲ - کپولی ۱۵۰ نفرتاچابهار ۲۲۸ کیلو متر ۱۳ - یکه دار ۲۰۰ نفر ۱۸۰ کیلومتر ۱٤ - تیس ۵۰ نفر ۱۲ کیلومتر
جمع کل	۱٤۷۵۰۰	۱٤۸۵۰۰	بلوك ۷۱ یا ۸۷۳ قریه	

فصل چهارم

وضعیت اقتصادی مکران

منطقه مکران با وجود وسعت زیاد خود بواسطه نداشتن سکنه مکفی و نبودن یك اصول آبیاری دارای منابع مهمی چه از لحاظ کشاورزی و چه از لحاظ حشم داری نبوده و حتی احتیاجات خود اهالی را هم در اکثر نقاط تأمین ننموده نا گزیرند ارزاق وتوشه لازم را از زابلستان و پامیناب وارد نمایند ـ برای آنکه وضعیت منابع محلی آنها بهتر درنظر مجسم شود معاش اهالی ومحصول مکران راشرح میدهیم ولی بطور کلی حوزه مرکزی مکران پراز کوهستان وآب کافی است ولی کمتر از آن استفاده میشود اگر دقتی به آبیاری محل مبذول شود تنها رود بمپور وسائل شرب منطقه وسیعی را فراهم خواهد کرد .

مرز برای آبادانی استعداد کاملی دارد جلگه مرتفع این ناحیه تا تفتان و سفید کوه ادامه داشته قنواتی که در محل حفر شده بسیار نافع بوده و آثاری از کشت وزرع قدیم در این ناحیه بنظر میرسد .

۱ ـ معاش اهالی ومحصول مکران ایران

مکران ایران ـ اهالی فقط برای معاش خودشان زراعت میکنند وغالباً اتفاق افتاده است که باندازه خودشان هم زراعت ننموده و همه چیز را از خارج حمل مینمایند حتی علیق دواب مقدار کمی زراعت گندم وجو و برنج در بعضی قراء یافت میشود ــ فقط بمپور قابل اینست که مقدار زیادی غله روغن وخرما اضافه ازاحتیاجات محلی خود بخارج بدهد ـ سایر نواحی خیلی فقیر و زراعت آنها بقدر ما یحتاج اهالی نیست ـ مرز بکلی محروم ازهرچیز است ولی خیلی قابل زراعت و بواسطه آبهای زیادی که دارد فوق العاده

حاصلخیز است . طوائف چادر نشین با گله داری امرار معاش نموده و اهالی لادیز منتها قریب ۲۰۰۰۰ گوسفند دارند .

در مکران آب بیش از جنوب خراسان وجود دارد همچنین علوفه در تپه های مرتفع و در همسایگی نقاطی که آب است برای احشام وجود دارد و در بعضی دهات کوچك هم آب پیدا میشود .

برای هرقسمت سوار نظام بیش از یك بها در ا ن حمل علیق و آذوقه با خود از واجبات است مخصوصاً در حدود جنوبی مکران .

مکران جنوبی ـ در فصل گرما تردد در مکران جنوبی مخصوصاً در جاده های کرا ، بواسطه کمی آب و آذوقه و علوفه خیلی سخت و برای بیش از ۵۰۰ نفر غیرممکن خواهد بود .
در فصول خوب و مساعد بعداز بارندگی ممکن است ازطوائف محلی گوشت روغن و آذوقه برای یك اردوی ۱۵۰ نفر تهیه دید باستثناء حدود دشتیاری و باهوکلات که بواسطه کمی آب به زحمت برای صد نفر تهیه آب وآذوقه میشود .

در ارتفاعات و تپه های شمالی درفصل گرما آب را میتوان در چاله هائیکه ازآب باران جمع شده تحصیل نمود ولی در کرانه‌های جنوبی غیر ممکن است فقط در مسیل‌ها آب باران در گودال هائی یافت میشود یا از برکه ها(هشت برکه بین چاه بهار و گواتر موجود است)در حدود نیك شهر آب بقدر کفایت موجود و زراعت آنجا قابل نگاهداری یك اردوی ۱۵۰۰ نفر در تمام مدت سال میباشد ـ حاصل قصرقند کفاف اردوی هزار نفری را در تمام مدت سال میدهد ـ در چاه بهار هیچ چیز وجود ندارد معاش اهالی از داخله تأمین میشود ـ فقط قریب ۵۰۰ گوسفند متعلق به اهالی دیده میشود خوراك معمولی اهالی ماهی است علوفه برای چرای شتر وجود دارد ـ ولی علیق و کاه نیست ـ رویهمرفته همه چیز نایاب و از داخله بایستی حمل شود ـ در نزدیکی جاسك محصولی که وجود دارد قدری زراعت جو است بقیه احتیاجات اهالی ازمیناب تأمین وحمل میشود ـ سایر لوازمات غیر

مقدور است ـ ماهی بقدر احتیاج صید میشود ـ علوفه برای شتر پیدا میشود ولی برای سایر دواب غیر مقدور است. بوته برای احتیاج اهالی از جاسك كهنه ۱۲ میلی حمل میشود ـ هیزم برای احتیاجات بایستی از كرانه خاور خیلی دور (چنانچه از چاه بهار هم) حمل میشود .

بمپور ـ درفهرج و بمپور گندم جو وزرت بقدر وفور كاشته میشود و ۲۵۰۰ نفر میتوانند آذوقه خودرا بقدر مدت یكماه تأمین نمایند علوفه برای شتر بقدر كافی وجود دارد .

دزك ـ آذوقه وعلیق برای یك اردوی چند صد نفر تهیه میشود ومعمولا محصول و زراعت دره دزك سیب وزالبالی خوب و بیش از احتیاج اهالی است .

مرز ـ با اینكه ممكن است زراعت خوبی بعمل آورد معذالك اهالی عموماً غله و مایحتاج خودرا ازخارج حمل وغیراز گوشت هیچ چیز یافت نمیشود چه علوفه وسوخت هم محدود است .

غلات واحشامی كه زائد بر احتیاج اهالی درمكران ممكن است تهیه شود

مناطق تابعه	شتر	الاغ	گوسفند	گندم	جو	كاه	زرت	روغن
مكران	۳۰۰	كم	كم	۲۰ خروار	—	—	۲۸ خروار	٤۰ خ
بمپور	۵۰۰	كم	—	۲۰۰ خروار	—	—	—	—
دزك یاسراوان	—	۳۰۰	۲۰۰۰ رأس	۲۰۰ خروار	۱۰۰ خ	—	٤۰۰ خروار	—
مرز	—	—	۱۰۰۰۰	—	—	۵۰۰ خ	—	۱۳ خ

۲ ـ بازرگانی مكران

اهالی مكران بازرگانی عمده ندارند وبازرگانی آنها مختصر است بمقداری خرما وروغن وپشم كه یك قسمت آن از جالق وكوهك وگله گان خارج شده ودر مقابل آن از سرحد پنج گور و پیشین اجناس ممنوع الورود ولوازم احتیاجی اهالی رابطور قاچاق

وارد مینمایند قسمت دیگر از راه سرباز و بم پشت وزابلی بگوادر بلوچستان انگلیس حمل نموده ودرمقابل آن ماهی وارد میکنند .

یك قسمت دیگر از راه بنادر جنوب و پیشین بمسقط حمل شده و در مقابل آن نیز اجناس ممنوع الورود وارد میشود بطور کلی باید دانست آنچه راکه مال التجاره بشرح فوق از مکران خارج میگردد در مقابل آن اجناس مایحتاج اهالی بطور قاچاق وارد میشود .

۳ ـ صنعت

اهالی مکران صنعت مهمی ندارند که قابل استفاده باشد فقط در بعضی از بلوکات آن مانند چامت . نکوچ و شکیم . ایرانشهر و سراوان مقداری ابریشم بعمل آورده وگل دوزی با دست مینمایند از قبیل کلاه عرقچین سرمه دان کیسه پول ، جلددعا بازو بند ، پیش سینه و سردست لباس مردانه وزنانه با دست خیلی قشنك و زیر دوزی مینمایند آهنگری ودرودگری درمکران معمول است .

استفاده درودگری آنها ازچوبهای جنگلی است بعضی از آنها زرگری ومیناکاریرا خوب میدانند کرباس بافی وگلیم بافی در این منطقه نیز معمول است .

٤ ـ حیوانات

حیوانات اهلی مکران عبارت است ازگاو وبز وگوسفند شتر الاغ . درمکران گاو های عظیم الجثه خیلی قوی یافت میشود که اغلب آنهامیتوانند ۹۰ من تبریز بار حمل نمایند و نیز جماز های خوب یافت میشود که درساعتی ۱۲ تا ۱۸ کیلومتر راه پیمائی مینمایند و نیز ممکن است ۲٤ تا ٤۸ ساعت متواتر راه بروند وبدون اینکه خسته شوند .

حیوانات وحشی عبارتند از کفتار . پلنك . خرس . شغال . روباه . گراز . پلنك وخرس و کفتار بیشتر در اطراف کوهستان بزمان آهو موجود است شغال وروباه و گراز بیش از همه جا درجنگل بمپور وایرانشهر موجود است همه قسم طیور در مکران موجوداند مانند مرغ و خروس کبك آهو بره یا قرقره طیهو ـ دراج .

در مکران مار های قوی عقرب رتیل سوسمار های قوی که اغلب بزرك شده و کوسفندان را میدوشند (این سلسله سوسمار موسومند به بزدوش) درمکران گرگهای قوی بسیار موجود آهو و بزکوهی زیاد یافت میشود .

راجع به جماز ها

برای پیمودن و طی صحرا های مکران که سراسر آن بواسطه نبودن آب و گرمای زیاد طاقت فرسا است اسب و قاطر و الاغ قابل استفاده نبوده یگانه وسیله مطمئن و سریع و یگانه وسیله قابل استفاده برای اهالی شترهای جماز است که هم از لحاظ حمل و نقل و هم از لحاظ مسافرت بهترین کمك و موافق ترین رفیق محسوب میگردد جماز های عادی در هر ساعت ۲۵ تا ۳۰ کیلو متر میتوانندراه‌پیمائی نمایند ولی راه پیمائی جماز ها عموماً در شب است چه درروز بواسطه گرما و بمناسبت وجود شن زارهاقادر بحرکت نیستند جماز های خوب‌درساعت قادر به طی ۳۶ وحتی ٤۰ کیلو متر هم میباشند اکثر اهالی دیده میشود که ۲ روزه از زاهدان به بم بوسیله جماز رفت و آمدمینمایند که در حدود ٤۰۰ کیلو متر است .

طبق اظهار اهالی اکثر دیده شده که جماز چهل روز متوالی راه پیمائی نموده است بواسطه همین قدرت و مقاومت در مقابل بی آبی و علوفه قلیل جماز بهترین رفیق و شریك زندگانی بلوچ ها بوده بلوچ ها نگاهداری جماز را از اهم کار های خود

شمرده بهیچوجه حاضر به ترك آن نیستند قیمت جماز عادی درسال ۱۳۱۹ در حدود ۵۰۰ ریال در اطراف بم بوده بهترین جماز ها از رود بار تهیه میشود

به اندازه ئی جماز در زندگانی بلوچ ها مداخله دارد که بجای شیر بها و مهریه در موقع تأهل هر کس مطابق قدرت خود تعدادی جماز میدهد

۵ - جنگل ها

جنگل عمده بلوچستان عبارتست از جنگل بمپور و ایرانشهر مکران قصر قند نیك شهر خاش سیاه بنه کوه تفتان شور اب نباتات قسمت عمده این جنگل ها عبارت است از کنار، کهور بند (پیش) که عبارتست از یك نباتی شبیه بدرخت خرما که از برگهای آن حصیر و کفش بلوچی و زنبیل می بافند بادام کوهی در اطراف کوه تفتان زیاد است .

۶- مراتع

در مکران مراتع زیاد و همه جا قابل استفاده می باشند عموم جلگه های این منطقه اغلب در زمستان و تابستان بواسطه گرمی هوا سبز ودارای علف ومورد استفاده چراگاه گوسفندان است .

منابع اقتصادی وکانها

منطقه مکران بواسطه وجود کوهستان ها زیادی دارای کانها و منابع زیر زمینی است که چون کاملا مدارك قطعی نسبت به این منابع تحصیل نشد، نمیتوان مطالبی

راجع به آنها درج کرد فقط در قسمت خاوری مکران آثار کانهای نفط دیده شده که بنگاه امریکائی مدتی درمجاورت آبادی کله کان وجالق به پی جوئی اشتغال ورزید پس از مدتی عملیات بنگاه منظور تعطیل گردید طبق بر رسی های معموله دروجود نفط در این منطقه بهیچوجه تردید نیست فقط راجع به‌مقدار ونوع آن شاید نکات قابل توجهی وجود داشته باشد .

فصل پنجم

۱ ـ اخلاق وعادات طوایف باوچ

ـ بلوچ ها کاملا صحیح‌العمل ودرستکارند اگر شیئی قیمتی و سندی درنزد آنها امانت گذارند ابداً بآن خیانت ننموده و در راه نگاهداری آن ازجان ودل دریغ نمیکنند

ـ بلوچ ها از مرحله تمدن بسیارعقب وجاهل بوده ولی درعین حال بسیار متکبرند

ـ شجاعت و رشادت طوایف بلوچ خیلی مشهور است بطوریکه فردوسی در کتاب خود ذکرو این طوایف را به قوچ تشبیه کرده که سرتاپا مسلح بوده و هیچگاه پشت بجنگ نمی نمودند .

ـ بلوچ ها اکثردرمقابل‌اردو کشی ها مقاومت های سخت وشدید ازخود بروز داده اند بطوریکه طبق مندرجات کتاب فردوسی ملاحظه میشود نوشیروان با جنگهای عدیدهٔ خودنتوانست آنهارا مطیع اراده خودسازد .

ـ گرچه انوشیروان بواسطه تعرضات وتاخت وتازهای زیاد این طوایف را قتل عام نمود ولی معهذا آنها دست از اعمال خود برنداشته وددرویه خود مسربودند .

ـ بلوچ ها بازنان خودبطورتساوی رفتارنموده وبطورعادلانه بانها سلوك مینمایند

ـ بلوچ ها گاه گاهی فوق العاده خون خوار وبی عاطفه بوده اند بطوریکه تابرده فروشی رواج داشت اسرای خود رابفروش میرساندند پس ازمنسوخ شدن‌برده فروشی اسرای خود را ناقص مینمودند که فرار ننمایند .

۲ - صورت طوایف عمده بلوچ

اسم طوایف	تعداد خانوار	محل سکونت	توضیحات راجع به طوایف
کیچکی	۶۰۰	پنچگور کچ	از اعقاب طایفه رچپوت
بلیدی	٤۰۰	بلیده	از مسقط آمده اند
ملك	۶۰۰	کلوه	از اعقاب صفاریانند
نوشیروانی	۱۰۰۰	خاران. پنچگور. کلوه. بلیده	این طایفه بوسیله شاه عباس از اصفهان کوچ داده شده
برنجو	۱۶۰۰	کلوه - کر - ارماره - بر	یك تیره از براهوئی
نهروئی	۱۰۰۰	وادی بمپور مرز	ایل مهم مکران ایران میباشند
هوت	۱۰۰۰	باهو - دشتیار - لاشار	تیرهٔ از رندها محسوب میشوند شبیه بااعراب .
رند { گاهی، سهوزهی، اسکانی }	۱۰۰۰	مند - پیشین - دشت	این طوایف مدعی میباشند که از حلب باین منطقه کوچ داده شده اند .
کوده	۱۲۰۰	دشتیاری	
جدکل	—	باهو دشتیاری	
شاهزاده	۸۰۰	باهو دشت	این طایفه خود را از بازماندگان شاهزادگان قندرهار میدانند
لوطی	۱۲۰۰	باهو دشت	
در زاده	۱۰۰۰	پسنی وادی بمپور	
کورکچ	٤۰۰	باهو - دشت - چاه بهار	
یری	٤۰۰	نقاط مختلف	

۳ ـ طوایف مکران ایران و نقاط سکونت انها

برای آنکه بهتر به وضعیت طوایف مکران و تقسیمات کلی اخلاق و آداب سکنه این منطقه پی برده شود شرحی که راجع بوضعیت طوایف این منطقه قابل استفاده است درج مینمائیم .

سازمان طوائف مختلف مکران ایران

بیشتر اهالی و ساکنین مکران بلوچ هستند تمام طوائف مکران سابقاً بدست رؤسای طوائف اداره شده و هر طائفهٔ با استقلال تحت نفوذ و اقتدار رئیس خود زندگانی مینموده اند ـ رؤسای طوائف بنام سردار یا میر نامیده میشده اند .

بیشتر اهالی تحت عنوان غلام یا کنیز خدمت سردار طایفه را مینموده اند ـ قریب هزار خانوار در حدود سیستان و قائن متفرق ـ و سه هزار خانه نیز در حدود خراسان زندگانی مینمایند ـ روابط آنها با برادران بلوچی دائر است ـ غالب آنها از نژاد عرب بوده عادات و رفتار آنها کمی بهتر از حالت وحشیهای سده های سابق است ـ عموماً ، دروغگو و مغرور بوده منظور سیاسی انها دو چیز بیش نیست اولا بقاء استیلای کامل طائفگی خود بهر قیمتی که هست ثانیا چپاول و غارتگری در ماوراء قطعه خود ، دهات انها عبارت است از چندین خانهای گلی و حصیری که دراطراف قلعه قرار داده اند که ان قلعه محل سکنی رئیس طایفه است زندگانی انها در دهات برای محصول خرما و جزئی زراعتی است که دارند ـ زبانهای بلوچی مخصوص است مخلوط به لغات فارسی ـ قوای فیزیکی و تناسب اندام انها خیلی خوب میباشد .

مکران

غالب ازطوایف بلوچ و نژاد عرب دارای ۱۴۰۰۰۰ نفوس است ـ طوائف عمده انها بقرار زیراست :

الف ـ بلوچ از لاشار تا چاه بهار و کرانه که قوی ترین طوایف هستند اغلب آنها چادر نشین وجنگجو ترین طایفه مکرانی محسوب میشوند .

ب ـ شیرخان زائی تا روئی اصلا ازرود بارو دراوائل سده اخیر بطرف بمپور هجوم آور گشته وپس ازاستیلای دولت ایران از بمپور خارج گشتند ـ بعد از استیلای دولت ایران درفانوج و نیك شهر مستقر گشتند در زمان سعید خان دست آنها به تمام مکران درازگشت غیر از سرباز که جزء حکومت بمپور بود ـ بعد از مرك اسلامخان وراث اوحسین خان خواست آن قدرتی را که اوداشت درمکران حفظ نماید باینواسطه رفته رفته نفوذ آنها کم و امر و حدود طائفه شیرخان زائی تاروئی منحصر به نیك شهر و بنت شد .

ج ـ طائفه بلدی قدیمی خانواده مکران که خیلی از اراضی خود را از دست داده وضعیف شده بودند باین واسطه باسایر طوایف وصلت نموده خصوصاً باشیرخان زائیها نیك شهر مادر سعیدخان هم بلدی بوده ـ روسای طوائف بلدیها فعلا در راسك قصرقند وفانوج سکنی دارند .

بمپور

از زمان فوت بهرامخان یارانزائی (۱۲۹۹) تمام بمپور همچنین دزك وسرباز از توابع مکران در تحت نفوذ خانواده یارانزائی که اصلا از دزك آمده بودند قرار گرفته بود ـ اهالی بمپور غالباً بلوچ واز تیره های مختلف وتعیین تعداد نفوس آنها مشگل است اهالی شهر بمپور از نژاد مختلفه هستند که خون آنها مخلوط باخون سیاه وخیلی پست تر از سایر طوائف بلوچ میباشند خیلی وحشی وخشن زبان آنها بلوچ مکرانی است .

طوائف عمده بمپور بقرار زیر است :

الف ـ یارانزائی اصلا افغانی ابتدا در حدود جالق و دره دزك سکنی داشتند

بعد رفته رفته طائفه بزرگزاده ها را از بین برده و بحدود بمپور استیلا پیدا نمودند.

ب ـ طائفه لاشار که کم معروف هستند در جنوب جلگه بمپور بین پیپ و کوه اهوران سکنی دارند ـ خیلی شبیه به طائفه بلوچ و متمدنتر و راستگو تر و خوش سیما تر هستند ـ اگرچه چادر نشین هستند ولی درفصل خرما در دهات زندگانی میکنند.

دزك ـ دزك که در تحت نفوذ بزرگزاده ها بوده امروز تحت تسلط و اقتدار یارانزائی قرارگرفته است. طوائف آنها مثل سایر طوایف مکران بلوچ و بعد از تسلط یارانزائی‌ها که اغلب در جالق دزك و اپر افشان سکنی دارند بقرار زیر است :

الف ـ بزرگزاده که اصلا کرد بوده و از بخارا آمده اند ـ مدت چندین سال آنها باسم حکیم جالق و دزك و سیب حکومت کرده و اولین طائفه قدیم ان قلعه بودند که پس ازاستیلای یارانزائیها نفوذ آنها کم شده و امروز فقط در حدود سیب وجالق سکنی دارند.

ب ـ طائفه کرد که سابقاً در مرز زندگانی میکردند عده کمی از آنها امروز در قلعه‌زابلی اقامت داشته و بعداً از آنجا هم رانده شدند ولی هر دوقسمت این‌طائفه چه در مرز وچه در قلعه‌زابلی دشمن یارانزائیها بوده و برای‌قیام برعلیه آنها باکمك‌غیرهمیشه‌حاضر بوده اند.

طائفه نو شیروانی یك قسمت کوچکی از (ریندس) اصلا متعلق به بلوچستان انگلیس از مرز خارج شده و در کوهك زندگانی می کنند.

مرز ـ طوائف عمده مرز بقرار زیر است :

الف ـ طائفه ریگی که محل سکونت انها مرتفع ترین نشیبهای کوه تفتان تا هلمند است ـ این طائفه سه قسمت تقسیم شده است که عمده آنها تاتوزائی در مرز می باشند این قسمت به تعداد ۵٦۰۰ خانوار طائفه ریگی از کار کردن و زراعت نفرت داشته و عموماً گله دار هستند و بهتر ترجیح میدهند که غله خودرا از سیستان خریده حمل نمایند ـ محل رئیس طائفه در لادیز است و حدود ریگی از باختر خط زاهدان

و شوراب و جنوب خط شوراب به کوه تفتان وریگ ملك در شمال خاوری خط مرزی بلوچستان انگلیس است ـ طائفه ریگی مردمان خوب و فهمیدئی میباشند .

ب ـ طائفه اسماعیل زائی در طرف باختر ریگی سکنی داشته .

محل آنها ذو عارضه بوده و واقع در جنوب خط دهنه باغی ـ کوه ملك سیاه تا جنوب کوه مرغك ادامه دارد این طائفه چادر نشین و زراعت چندانی ندارند ـ محل سکنی معینی نداشته و تمایل آنها بیشتر به چپاول و غارتگری است و مغرورتر ووحشی تر از طائفه ریگی بوده با مقایسه به طائفه همسایه خود در آداب مذهبی متعصب تراند ـ خیلی سخت و نا راضی میباشنداگرغیر در اراضی آنها داخل بشود تعداد خانوار آنها ٤٠٠ خانه است که تشکیل یافتهاز طوائف کوچك ـ فقیر زائی ٥٠خانوار ـ هادی زائی ٢٠ خانوار ـ داروزائی ٥٠ خانوار ـ اله بخش زائی ١٠ خانوار ـ بلوزائی ١٠ خانوار رادوزائی ٣٠ ـ جمشید زائی ١٥ ـ و کرم زائی اسماعیل زائی ٦٠ خانوار و بهتعداد آنها بایستی طوایفی که اسماعیل زائی حقیقی نیستند افزود که در میان انها زندگانی مینمایند توتو زائی ٢٠ خانوار گرگیچ ٢٠ ـ شاهو زائی ٢٠ ـ حسن زائی ٣٠ ـ محمد زائی ١٢ و کرم زائی ٥٠ خانوار ـ طائفه اسماعیل زائی با هیچ یك از طوائف روابط خصوصی ندارند با طایفه سردار خداداد خان تاروئی سیستانی دارای دشمن قدیمی میباشند .

ج ـ دامنی ـ طائفهدامنی بهدوطائفه تقسیمشدهانداول یارمحمد زائی ودوم گمشادزائی محل طائفه یار محمد زائی در حدود خاش و بمپور و محل گمشاد زائیها در سمت خاور و جنوب گشت و جالق میباشد ـ اراضی سفید کوه ودره نا گدار را جهت علوفهاحشام خود اشغال نموده اند .

یار محمد زائی عموماً چادر نشین و بواسطه زندگانی سخت و کوهستانی که دارند طبیعتاً وحشی سفاك و دزد هستند مذهب صحیحی ندارند و غالباً قسم میخورند و بر خلاف قسم رفتار مینمایند ـ انها نسبت به زنهای خود بی قید و موضوع طلاق بین انها رواج زیادی دارد ـ قویالبنیه وخوش اندام هستند ـ تعداد خانوار انها قریب ٣٥٠

خانه است طبق تقسیمات زیر : سهراب زائی ـ شیر زائی ـ روشن زائی ـ میر گل زائی ـ ومحمد گل زائی ـ و باضافه طوائف کوچکی که اهمیتی نداشته وجزء یار محمد زائی محسوب نیستند وفقط خود را بدانها نزدیك نموده ودرمیان انها زندگانی مینمایند ـ محمد زائی ـ رحم ارزائی ـ جمشید زائی ـ و برهان زائی ـ طایفه یار محمد زائی هیمشه با یاران زائی های بمپور دشمن بوده یکی از اختصاصات این طایفه این است که زنها را جهت بازرسی معلوم می کنند .

طائفه گمشاد زائی به تعداد ۳۰۰ الی ۳۵۰ خانوار بقرار زیر هستند :

دادخدا زائی ۷۰ خانوار ـ مرادزائی ۵۰ ـ مزراز سیب ٦۰ محمد زائی در گشت ٤۰ کرم زائی در گشت ۲۰ عرضه زائی گشت ٤۰ ـ و جهانگیر زائی ۳۰ ـ کیزاد زائی تقریباً ۳۰ خانوار که درجالق سکنی دارنددرتحت تسلط گمشادزائی ـ این طایفه خیلی گرم وخوب ـ این طایفه به یارمحمد زائی ازحیث اخلاق و رفتاروقدرت برتری و رجحان دارند و روابط شان با این طایفه چندان خوب نیست این طایفه مثل یار محمد زائی ها با یاران زائی های بمپور خوب نیستند :

د ـ کرد .. طایفه کرد به تعداد کمی از موقعی که رؤسای عمده انها را حکومت بمپور در سنه ۱۸۸۹ بقتل رسانید متفرق شده اند در حدود خلر و قائن و امروز بکلی در تحت نفوذ دامنی ها هستند .

ه ـ میر بلوزائی ـ طائفه زارع و ملاکی هستند که اصلا کرد میباشند در نقاط اراضی زراعتی مرز این طایفه در هر نقطه از مرز که زندگانی مینمایند در تحت رئیس مقتدر ان محل چه از طایفه ریگی و چه از طائفه دامنی زندگانی می کنند عموماً صلح طلب و زارع میباشند .

و ـ هاشم زائی ـ طایفه زارع و گله دار هستند اصولا از بلوچ های سیستان و در بین طائفه ریگی زندگانی می نمایند تعداد خانوار انها ٤٥ خانه است .

ز ـ تامیدانی ـ اصلا از نژاد پارسی در مرتفع ترین نشیب های کوه تفتان

زندگانی می کنند ـ مردمانی زحمت کش و قوی البنیه کوهستانی هستند ـ تعداد انها ۶۰ خانوار و چندان موقعیت سیاسی را حائز نیستند .

ح ـ براهوئی ـ به تعداد تقریب ۳۰ خانوار در حدود وجن زندگانی نموده و جزء متعلقات رؤسای وقت طایفه ریگی هستند مردمان قوی البنیه بر جسته هستند که همیشه تولید انقلاب و نزاع بین طوایف مینمایند .

ط ـ خاش ـ به تعداد ۱۳۰ خانوار اصلا از راهواری ها که خودرا از جنوب سیب و بمپور میدانند این طایفه براهوئی ها خودشان را ارباب مینامند ـ انها با بلوچ ازدواج نمینمایند ـ مگر یك دفعه که یار محمد زائی ها جبراً از انها چندین زن گرفته اند قد کوتاه و مردمان زارع و چیز فهم تر هستند . در حدود دزك بمپور و مرز این فامیل متفرق میباشند (اربابی و دهواری) و اصلا مردم این خاك ـ این طائفه بهترین زارع و زحمت کش ان حدود بوده ولی بلوچ ها انها را متفرق و بچشم پستی و حقارت نگاه می کنند ـ خیلی قوی خوش بنیه و پر حرف ـ عموماً خانه نشین بوده و چادر نشین نیستند .

فصل ششم

شرح نقاط مهم و مناطق غیر مشهور مکران

با آنکه وضعیت نقاط مکران بطور کلی تشریح شده و راجع به هریك توضیحاتی داده شده است معهذا برای آنکه اطلاعات جامعتری داده شود وضعیت نقاط مختلف مکران را تشریح و بخصوص راجع به نقاطیکه کاملا غیر معروف و اطلاعات جامعی راجع به انها منتشر شده شرحی درج مینمائیم از قبیل منطقه با هوکلات ـ منطقه سرباز وغیره ٠

۱ ـ مکران ایران و نقاط مهم ان

مکران ایران عبارت است از یکخاك وسیع کم جمعیتی واقع در جنوب خاوری ایران و همسایگی خاك بلوچستان انگلیس ـ طول آن از بندر گواتر در جنوب تا کوه ملك سیاه به شمال ۵۵۰ میل وعرضش از کوهك در خاور تا نزدیك (کلانترائو) به باختر تقریباً ۴۲۵ میل است حدود جنوبی آن در کرانه ها دریای عمان از نقطه کوه مبارك تا یك نقطه در خلیج گواتر است (خاوری ۶۱ درجه ۱۹ دقیقه خاوری) و حدود خاوری آن بطرف شمال از یك سلسله تپه هائی عبور کرده به کوهك و بعد منحرف گشته بطرف باختر از سلسه ارتفاعات سیاهان عبور از بین جالق و (لاد گشت) ـ عبور نموده به رود خانه طالاب متصل واز آنجا رود طالاب حدود مرزی است الی میرجاوه واز انجا منشعب گشته قله کوههای کاچا کوه حدود مرزی است الی کوه ملك سیاه حدود باختری آن از همان نقطه کوه مبارك مستقیماً کشیده شده از خاور کوه شیرمان ووسط

چیل نادری عبور نموده از بمپن را مشك در خاور اسپاند در باختر و بشاگرد و بیابان گذشته بخلیج فارس منتهی میشود .

تقسیمات بخش

این منطقه به چهار بخش تقسیم وحدود هریك بطور تقریب تعیین گردیده است.

الف) مکران جنوبی که اراضی کم ارتفاع جنوبی محسوب شده از کرانه دریا الی آخرین ارتفاعات کوههای لاشار

ب) بمپور ـ شمال کوههای لاشار باحدود کرمان در باختر

ج) دزك یاسراوان در خاور بمپور و مماس با خاك بلوچستان انگلیس

د) مرز . بطرف شمال دزك با بلوچستان انگلیس در طرف خاور آن .

۱ ـ قسمت جنوبی مکران ـ از کرانه دریابطرف شمال تاارتفاعات تپه های شمالی به یك مسافت ۶۰ میل از شمال به جنوب باستثناء حدود آن که تپه های بشاگرد بمپور نزدیك شده کرانه جاسك را بطرف شمال بطول ۲۰ میل جدا میسازد باختر این مساحت ۲۰ میل از کرانه باختری دریا یك ریگستان نرمی است کهدارای چندین رودخانه و غالباً ازشن مسدودمیگردد. ماوراءاین دشت یك سلسله تپههائی که ارتفاع آنهامتفاوت است از ۱۰۰۰ الی ۲۵۰۰ پا امتداد این تپه ها در بعضی نقاط متفاوت و مثلا در نیك شهر خیلی نزدیك بـه کرانه شده و کوهستانهای تشکیل رود خانه داده و کوههـای آن غالباً خاکی به رنك های مختلف وغالب قله ها از سنگ های سست یاسنك ریزه است .

در ماوراء مکران جنوبی ارتفاعات کوههای لاشار و کوه بمپشت است کـه آب ریز آنها از طرف جنوب در مکران جریان یافته وباتشکیل رود خانهائی موسوم به نهنك سرباز کاجو رود نیك شهر ورانیش داخل دریا میگردند .

غالب از رودخانها بغیر از مواقع بارندگی در ابتداء جریان روی خاك جـاری هستند سپس از زیر جریان خودرا ادامه داده تابدریا وبهمین جهت کمتر تبخیر وتفریط میگردد ـ خاك خیلی خوب و اب خیلی صاف و کافی است بهمین جهتچمن زار وعلوفه های خوب موجود میباشد .

قراء ودهات عمده مکران جنوبی بشرح زیر هستند :

۲ ـ بمپور ـ محدود است از شمال به نرماشیر و از باختر به رودبار و جنوباً به بشا گرد ومکران و از خاور به پشتکوه وقلعه زابلی از توابع

دزك ـ ازطرف شمال خط الرأس جبال باریز و ازطرف جنوب تپه های بشا گرد و کوه لاشار که اب ریز انها جنوبا در مکران بهطرف دریا جاری است بین این حدود جلگه وسیع بمپور قرار گرفته با ارتفاع ۱۹۰۰ پایك قسمت این جلگه ریگستان نرم و تپه ماهور از شن نرم است

درطرف باختر بمپور وسط جلگه دریاچه (موریان هامون) ملاحظه میشود که ابهای هلیل رود از باختر ورودخانه بمپور از خاور بعلاوه جویهای کوچکی که از کوههای شمالی و جنوبی جاری هستند دران داخل میگردد ـ درکرانه رودخانه بمپور یك قسمت بیشه باجنگلهای کم درخت وجود دارد که ازسایر اراضی متمایز است.

۳ـ دزك یا سراوان واقع بین بمپور وخط مرز انگلیس بلوچستان ومرزدر شمال ومکران در جنوب سراوان یك منطقه مرتفع کوهستانی است که مرتفع ترین نقطه آن کوههای بمپشت درجنوب خاوری آن واقع است از مرکز سراوان رودخانه ما شکیل از باختر و خاور عبور میکند ـ قسمت اعظم این نقطه حاصلحیزتر ازتمام نقاط بلوچستان ایران است

٤ ـ مرز

محدود است شمالا به سیستان ومرز جنوبی افغانستان که کشیده شده ازیك خطی ازدهنه باغی تا کوه ملك سیاه حدود باختری آن به ناحیه کرمان ازیك خطی ازشمال به جنوب عبورمیکند از نصرت آباد سیبی به گرگ و شوراب ـ از شوراب منحرف به خاور شده خطوط شمالی بمپور و منتهی به شمال جالق و خط مرز بلوچستان انگلیس میگردد .

مرز عبارت است از یك خاك وسیع کوهستانی بارتفاع ۴۰۰۰ الی ۵۰۰۰ پا از سطح دریا و بمرور بطرف جنوبی اراضی آن پست تروکم ارتفاع تراست آب های زیر زمین فوق العاده زیاد است و در صورت اقدام خیلی قابل ترقی و حاصلخیز است بزرگترین منظره ایکه وجود دارد کوه تفتان است در مرکز مرز و بدون این کوه میتوان گفت خاك مرزعبارت ازیك مشت خاك و بیابان لوتی میبود - آب های کوه تفتان شمالا به رود میر جاوه ملحق شده و درعمق دره لادیز جریان پیدا نموده برای زراعت حاضر است - اراضی لادیز بارتفاع ۳۵۰۰ الی ۴۰۰۰ پا باهوای معتدلی برای هرگونه زراعت قابل و مستعد است ولی سکنه آن متفرق هستند - و آبهای جنوبی کوه تفتان بطرف دره‌خاش در ۳۰ میلی جنوب کوه تفتان جاری میگردد - سابقاً این دره خیلی آباد بوده‌است ولی تاخت وتازهای دامنی ها بکلی خراب و ویرانه نموده است .

سکنه مرز بطورکلی‌چادر نشین‌وصحرا گرد هستند که باقتضای فصول برای علوفه رمه واحشام خود نقل و مکان مینمایندکلیه غله آنها ازسیستان تانرماشیرحمل میشود .

شهر ها و قصبات مهم مکران بشرح زیر است:

۱ - شهر خاش

- خاش تا زمان اقتدار نادر شاه افشار آبادی نداشته و در نتیجه وجود قنوات زیاد در این جلگه و خوبی آب وهوا محل کوچ نشین بلوچ بوده و تا آن موقع چون حکومت مرکزی قادر بسر کوبی اشرار داخلی نبود در اثر تاخت و تاز اشرار دانسی (که طوایف رئیسی و یار احمد زائی فعلی از آن طائفه میباشند) این محل بکلی خراب و طوایف بنقاط دیگر کوچ نموده‌فقط بعضی ازآنها دراین محل باقی و با وضعیت

چادر نشینی سابق خود امرار معاش مینمودند تا این که زمان نادرشاه پس از سر کوبی متمردین و اشرار دانسی میر بائی خان کرد را از طوایف خود جهت وصول مالیات و سر پرستی طوایف باین محل فرستاده (که طایفه حین برفعلی که قسمتی از آنها در جالق سکونت دارند از نسل میر بائی خان باقی مانده است) میر بائی خان بمنظور حفظ و راحتی خود قلعه فعلی که در وسط شهر قرار گرفته ساخته و از آن تاریخ بنام خاش نامیده شده وطوایف در اطراف آن در جلگه خاش باحال چادر نشینی خود زندگانی مینمودند .

این وضعیت تاسنه ۱۸۷۹ مسیحی که انگلیسها باین منطقه آمده‌اند باقی وسردار ایدو خان رئیس طایفه ریگی که تحت نفوذ آنها بود برای اداره نمودن طوایف نامبرده بخاش فرستادند سردارمزبور سه قلعه دیگر حیدر آباد ـ کمال آباد ـ ناصری را نزدیك سه رشته قنات موجوده در نقاط نامبرده دایر نموده این اوضاع تا ظهور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و تشکیل تیپ سابق زابل ادامه داشت .

از نقطه نظر جغرافیائی

جلگه خاش چون از سطح دریا درحدود ۱۱۳۳ متر مرتفع میباشد و از طرفی ارتفاعات ایرآوه (که معروف بکوه پنج انگشت است) و کوه دهنه در باختر وخاور شهر واقع شده نسبت بسایر نقاط مکران دارای آب و هوای خوب و با موقعیت جغرافیائی مهمی که دارد مستعد عمران و آبادی کامل بوده و باتوجه اولیای امور انتظار میرود در آتیه نزدیکی آباد واز شهرهای دیگر مکران ازهر حیث بهتر شود .

جمعیت این شهر با وضعیت طبیعی و استعداد زراعتی خوبی که دارد فعلا قابل توجه نبوده در حدود ۲۰۰۰ نفر میباشد از لحاظ اقتصادی منابع محلی آن ناچیز محصول آن گندم ـ جو ـ پنبه از گندم وجو مازاد نداشته بعلاوه برای تأمین نان اهالی دارای کسری است که از زابل تهیه میشود

در خاش رودخانه وجود ندارد لیکن آب آن از قنوات تامین و طوری مستعد میباشد که اگر بخواهند چندین رشته قنات دیگر دایر نمایند ممکن است زیرا در قدیم دارای تعداد زیادی قنات بوده و اغلب با سنك و آهك ساخته شده بودند که بعضی از آثار آنها موجود است وفعلا دارای ۱۰ رشته قنات میباشد

از نقطه نظر نظامی شهرخاش علاوه بر مرکزیت خود نسبت بمنطقه مکران یك گره مواصلاتی مهم میباشد روی محور های شوسه زاهدان ـ خاش ـ میرجاوه ـ خاش ـ ایرانشهر ـ خاش ـ سراوان ـ خاش ـ نرماشیر ـ خاش وراههای فرعی دزا ـ کوه سفید ـ تلخ آب ـ تاس کیل ـ خازان وسیب وسوزان ـ قلعهزابلی ـ سرباز که هرسه این راهها تا مرز کشور شاهنشاهی امتداد داشته پس از عبور از مرز داخل خاك بلوچستان انگلیس میشوند وباین شهر منتهی میگردد وبا توجه کامل بخطوط مواصلاتی کشور خاوری در منطقه میرجاوه که اهمیت بویژه کوه تفتان ازلحاظ مسدود نمودن محوریکه ازمیرجاوه کرمان را تهدید مینماید اهمیت نظامی کامل داشته و بهمین مناسبت هم شهر نامبرده را مرکز پادگان مهم مکران نمودهاند .

۳ ـ بمپور

درقدیم موسوم به بن بوده وبمرور زمان به بمپور موسوم گردیده ناحیه حوضه بمپور از حاصلخیز ترین نقاط مکران است اگر اصول آبیاری آن مرتب شود قادر به نگاهداری ده برابر جمعیت کنونی میباشد ولی موضوع جنك های داخلی و اغتشاشات پی در پی لطمه بزرگی به این ناحیه وارد ساخته طوایف این ناحیه به اسامی زیر معرفی میشوند .

ـ بهروی ـ هوت ـ زینالدین ـ باری ـ سابقی ـ عبدالهلی ـ دغلی

واقع درارتفاع ۴۷۰ مترازسطح دریا دارای یك قلعه بزرگی کهفعلا مخروبه است واین شهرازلحاظ اقتصادی و نظامیقابل توجه است .

۲ - ایرانشهریا (فهرج) - که بلوچهابهره نامند در ۹ کیلومتری رودخانه بمپور

از بالای قلعه بمپور منظره جلگه و جنگل های خاروری آن

واقع و آب نهری که از وسط شهر میگذرد دارای مواد گوگردی است - هوای این شهر معتدل تروسالم تر از بمپور است.

در ایرانشهر طوایف زیر مسکون میباشند :

برهان‌زهی - کلکی-بیجازهی - عدوزهی - محمودزهی - دیکی زهی - رئیسی - بامری - صاحیکی مهرولی تعداد سکنه‌این شهر درحدود ۳هزارنفر است

دراین شهر آثاری از یونانیان واردوکشی‌اسکندر باقی است .

٤ - نیك شهر

مهمترین شهرهای مکران دارای نخلستانهای زیبا ودلفریب واقع در بین دو نهر (کنك - کیشی) است دراطراف نیك‌شهر مزارع برنج کاری زیاد ملاحظه میشود - دراواخر اکتبرحرارت به‌صد درجه میرسد

ازنیك‌شهر بطرف‌فانوج بایستی‌ازرودخانه‌های کنك و سرحه‌بطرف قریه خشك عبور نموداین رودخانه‌ها بعرض ۲۰۰ وبعمق یك الی دومتر است

اولین نقطه مصفا و آبادی است که پس از ترک کرانه عمان ملاحظه میشود ارتفاع آن از سطح دریا درحدود ۴۰۰ متر است

۵ - بنت

یك قریه بزرگی است بارتفاع ۱/۴۰۰ پا واقع در نزدیکی رود فانوج قریب ۴۵ میل باختر نیك شهر - این ناحیه در تپه ماهور واقع گشته و دارای جویهای متعدد حاصلخیزاست - قریه بنت احاطه شده از نخلستان‌های خرما و دارای یك قلعه مربعی است که درروی تپه های مرتفعی میباشد در اطراف قلعه قریب ۷۰ خانه محکم وجود دارد نفوس آن غالباً بلوچ وغلام هستند وتعداد آن قریب ۲۰۰۰ نفر است - معاش آنها از خرما است و دارای شتر میباشند شتر های این قریه عظیم الجثه و کم طاقت هستند - در آداب مذهبی خیلی متعصب میباشند مثلا درظاهر اهل تسنن بآداب اهل تسنن رفتار میکنند ولی درباطن صوفی محسوب میشوند .

۶ - قصر قند

بارتفاع ۱/۷۷۰ پا یك قریه بزرگی است دارای یك قلعه و ۱۹۰۰ نفوس اغلب بلوچ - زراعت آنجا خوب و معاش اهالی از خرما است - آب وعلوفه فراوان راههای متعددی به اطراف دائر است - حاکم نشین قصبه ایست موسوم بهمین اسم .

۷ - باهو کلات

حاکم نشین قصبه‌ای است بهمین اسم دارای ۱۰۰۰ نفوس بمسافت ۳۸ میل تا بندر گواتر .

۸ - داورپناه

که تمام آن حدود باین اسم نامیده میشود ومحکم ترین قلاع سراوان است - سراوان واقع در دره ایست بطول ۵۰ میل در عرض ۱۰ میل و مشروب میشود از منشعبات

رود ما شکیل و دارای ارتفاع ۴۰۰۰ پا ـ این دره با دره سیب و زابلی یك معروفیت زیادی از حیث محصول وزراعت حاصل نموده است .

۹ - سیب

بارتفاع ۳۶۵۰ پا شهری است دارای ۱۵۰۰ خانوار و واقع در ساحل رود روهننك یکی از منشعبات رودخانه ماشکیل که دارای آب دائمی است ـ محصول خرما وزراعت‌آنجا فوق‌العاده خوب ودر هرموقع فراوان است‌عرض دره قریب ۸ میل‌است ودارای‌یك قلعه خاکی محکمی‌است که‌بوسیله ثلث‌سکنه آن حفظ‌میشودقلعه آن بارتفاع ۶۰ پا بنا شده و دارای یك چاه‌آب در خود قلعه است ـ این قلعه نیز معروفیتی از حیث استحکام و مواقع ارمی دارد که‌یکی‌از محکم ترین قلاع مکران است .

۱۰ - گشت

بارتفاع ۴۸۰۰ پا واقع در ۶۰ میلی جنوب مرز خاش ـ دارای یك قلعه خاکی خیلی محکمی که از نقطه نظر سوق‌الجیشی بر علیه طائفه دامنیها فوق العاده دارای اهمیت است زیرا بواسطه کوهستان شمالی گشت که دامنیها در آنجا اقامت دارند دهنه دره که در آن طائفه حفظ شده و بدست داشتن‌قلعه گشت راه عبور و مرور ان طائفه را مسدود مینماید .

۱۱ - بزمان ـ واقع است در دامنه کوه بزمان دارای قلعه خراب ویك نخلستان ـ نفوس این ده از ۱۵ نفر تجاوز نمی‌نماید .

سکنه این منطقه از طوایف کرم زهی ـ سامی میباشند .

پطنیکر سیاح معروف که ازاین منطقه عبور نموده چنین مینویسد :

(چاهی است دراین محل که دهانه ان ۱۲ یارد وعمق دو سه پا است در وسط چاه یك لوله استوانه شکل از آجر ساخته‌اند که ۸ اینچ قطر دارد ازاین چاه آب بشدت

هرچه‌تمامتر غلیان دارد کسی جرئت نمیکنند دست خودرا بان نزدیك کند چه گوگرد زیاد دران است درجه حرارت آن ۹۸ و آب‌ان متعفن است)

۱۲ - طیس -

در ۱۱۸۸ میلادی از بنادر معروف ایران بوده است چه پس از نا امنی جاده هرمز قوافل به این‌طرف متوجه‌شده از خط سیرقافله‌های مذکور ازعراق به کرمان و از آنجا به بمپور و قصر قند به طبس میامدند از طرفی طیس مرکز خرید و فروش شکر ایالت مکران بوده است .

۱۳ - ابتر

مرکز ایل حمالی وزردکوهی بهترین دهات مکران است

۱٤ - جالق

واحه های جالق در حدود ٤ میل مربع وسعت دارد و در این قسمت نخلستان های قابل توجهی قرار گرفته که ضمناً در آن اراضی گندم و جو و حبوبات نیز کشت میشود درباغات آن انجیر و انار ومو فراوان یافت میشود سکنه جالق اکثر از طوایف نرکی - اربابی - شیعه - عمری - سپاهی - رئیسی تشکیل شده .

۱۵ - قلعه‌زابلی

دارای آب و هوای معتدل ودر ٤۰۰۰ پا ارتفاع واقع شده سکنه این قصبچه‌در حدود ۲۰۰۰ خانوار وایلات مهم‌آن

— ناخدا زهی

— چهار زهی

— عبدل زهی

— سرباز در جنوب این منطقه واقع شده

۱٦ ـ قریه پشتکوه

محل سکونت طوایف مزار زهی ـ غمشاد زهی ـ شاهداد زهی است

سکنه این منطقه اکثر سیاه پوست میباشد.

۱۷ ـ مرز

تنها چیزیکه نظر انسان‌را جلب مینماید رشته‌های مختلف جبال خشك و عوراست مرز ناحیه مرتفعی است که بین بلوچستان انگلیس وداخله کشور واقع‌شده‌هوای آن خنك و معتدل است

قنوات زیاد دراین‌منطقه دیده میشود

طوایف مهم این منطقه ـ یار احمدزهی ۸۰۰

ـ اسمعیل زهی ٤۰۰

قسمتهای‌باختری مرزتقریباً غیرمسکون میباشنددرصورتیکه آب‌به‌قدرکفاف دارد.

۴ — منطقه سرباز

چون منطقه سرباز یکی ازدهلیز های مهم مکران‌را تشکیل میدهد لذا برای داشتن اطلاعات کاملتری جغرافیای مخصوص این منطقه برای اطلاع درج میشود :

سرباز بمجموعه آبادیهائی اطلاق میشود که درامتداد رودخانه سرباز واقع شده این ناحیه در ۳٦-۲٦ عرض شمالی‌و۱۲-٦۱ طول خاوری واقع شده و ۱۵۵۰۰ کیلومتر مربع زمینهائی راکه اغلب آن کوهستانی و لم یزرع و قسمت کوچکی زراعتی میباشد در بر دارد .

دارای قلعهٔ است که بوسیله خوانین محلی ساخته شده و فعلا در دست نیروی نظامی است .

این قلعه در دو راهی ایرانشهر و زابلی با مسافت ۱۱٤ کیلومتر تا قلعه ایرانشهر و ۷۰ کیلو متر تا قلعه زابلی واقع شده .

۱ — جغرافیای طبیعی سرباز

آب و هوا : هوا گرم و سوزان است و درموقع بارندگی مرطوف و درجه حرارت بطورمتوسط در تابستان :

روز ٤٧ درجه سانتیگراد
شب ٣٨ « «
در زمستان
روز ٢٥ « «
شب ١٦ « «

چون رود خانه سرباز دارای آب دائمی میباشد محل تولید پشه مالاریا بوده و در تمام مسیر رودخانه بیماری مالاریا شایع میباشد

زمین :

در حومه سرباز اراضی بطور کلی کوهستانی بوده این ارتفاعات بطوری پیچیده میباشند که‌میتوان این‌ناحیه را بکوه سنگی تشبیه نمود.

علاوه بر سختی اقلیم نبودن خطوط موا صلات اساسی راه پیمائی مارا محدود باستفاده از شتر و الاغ در اغلب نقاط براه پیمائی پیاده نموده است

کوهستانات سرباز بطور عموم از سنگهای شکسته تشکیل یافته و بالا رفتن ازاین ارتفاعات بعلت لغزندگی و خرد شدن سنگها فوق‌العاده مشکل و خسته کننده میباشد

یگانه راه اتومبیل‌رو سرباز جادهٔ نوساز ایرانشهر بسرباز است که پس ازعبور ازنقاط کوهستانی قلعهٔ‌ایرانشهررا بقلعه سربازوصل‌مینماید طول‌این‌جاده ١١٤ کیلومتر و دارای عرض ٤ متر میباشد .

در تمام نقاط آب به مقدار کم موجود بوده و در بین راه ایرانشهر بسرباز نقاطی که از نظر استراحت عابرین و استقرار عده های نظامی مورد استفاده میباشدعبارتنداز :

ـ آب سواران : دارای گردنه است آب کمی دارد و عابرین موقتاً استراحت و سپس طی طریق مینمایند ـ .

ـ آب دزدان : نقطهٔ مقابل آب سواران دارای آب کمی میباشد .

ـ کیهری و آب ابهرك : که دارای آب نهر کوچکی است .

کلیه این نقاط نقاطی هستند که آبادی نداشته و بعلت داشتن آب و احتیاج مورد استفاده از نقطه نظر استراحت گردیده‌اند .

کوههای سرباز : کوهستانات در ناحیهٔ سرباز بیشمار و معروف ترین آن ها عبارتند از :

کوه کوشك جهان ـ کوه سیاه وند و دامنهٔ کوههای آپدران ـ کوه وان ـ کوه جوان مردان ـ و کوه سیاهان (دربخش مرزی)

علاوه بر کوهستانهای نامبرده رشته ارتفاعات نسبتاً کم اهمیتی‌نیز موجود است که اسامی مخصوصی ندارند ـ رودخانه های سرباز:

۱ ـ رودخانهٔ سرباز :

رود خانه سرباز از ارتفاعات شمالی سرباز سر چشمه گرفته این رودخانه وسط کوهستانها و در دره های عمیقی بطول ۲۱۰ کیلومترجریان دارد دارای آب دائمی کم میباشدکه بمصرف‌شرب اهالی‌وکشاورزی میرسد.

این‌رودخانه درمواقع عادی کاملا قابل عبور ودر موقع بارندگی پرآب وطغیان نموده و مانع عبور ومرور میگرد بستر این رودخانه شنی بطوری که آب در نقطه فرو رفته ودرنقطه دیگری بشکل چشمه بیرون آمده وجریان می‌یابد .

مسیر این رود خانه دارای عرض متوسط ۷۰متر میباشد .

دارای هیچگونه پلی نیست که در مواقع طغیان مورد استفاده قرار گیرد .

۲ - رودخانه دز :

که از کوههای ایز فشان و ارتفاعات خاوری سر باز سر چشمه گرفته و پس از عبور از دره نیك شهر در مسیر راه سرباز بزابلی است در ۲ کیلو متری قلعه سرباز داخل بستر رودخانه سرباز میگردد.

بستر این رودخانه نیز شنی و دارای آب کمی است که بمصرف شرب اهالی و کشاورزی میرسد.

علاوه براین دورودخانه انشعاب زیادی از کوهستانات اطراف رودخانه‌سرباز میگیرد که مهمترین آنها اسم رود (سورین) که از ارتفاعات پا کوه سرچشمه‌می گیرد و دیگری هم رودلاشار که از کوههای آمدران و کوه سگار سر چشمه میگیرد .

۲ — جغرافیای سیاسی سرباز

بخش سرباز از نقطه نظر وقوع آبادی ها به ۸ بخش تقسیم میگردد.

الف - سرکور

بخش سرکور دارای دوآبادی کوچك و کم اهمیتی است.

۱ - پنام آبادی کوچکی است که دارای ۱۵ خانوار و اولین آبادی بخش سرباز می باشد.

۲ - پندك - آبادی کوچکی است که دارای ۲۰ خانوار میباشد

اهالی این آبادیها اغلب در کوهستانهای اطراف بوده و چون دارای خانه و زندگی صحیحی نبوده و علاقه ندارند مساکن آنها اغلب خالی از سکنه میباشد .

ب - قویمرگ

بخش قویمرگ دارای ۵ آبادی نسبتاً پرجمعیت و این آبادیها درامتداد راه سرباز بزابلی واقع شده اند .

۱ ـ دز ـ سکنه دز به ۷۰ خانور بالغ میگردد .

۲ ـ بوغان ـ سکنه این آبادی به ۵۰ خانوار بالغ است.

۳ ـ گرگین ـ سکنه این‌آبادی به ۵۰ خانوار بالغ میگردد.

٤ ـ مینان دارای ٤۰۰ خانوار بوده‌وآبادی نسبتاً بزرگی میباشد.

۵ ـ اسکـند ـ دارای ۳۰۰ خانوار و دارای موقعیت نسبتاً مستحکمی میباشد و سرداری بنام قاسمخان نسکـندی باین آبادی و نواحی نزدیك آن حکمرانی مینماید .

ج ـ ناحیه رود خانه :

دارای ۸ آبادی بوده فواصل و مسافات این آبادیها نسبت بهم دیگر خیلی کم میباشد .

۱ ـ کژدر ـ سکنه کژدر به ۵۰ خانوار بالغ میگردد

۲ ـ میانچ ـ ۲۰ خانوار

۳ ـ مخ ـ ۵۰ »

٤ ـ آرامکان ـ ۱۵ »

۵ ـ ایتك ـ ۱۵ »

٦ ـ پرکان ـ ۱۵ »

۷ ـ کان ـ ۳۰ »

د ـ ناحیه کشیکور ـ دارای ٦ آبادی مهم و بزرك میباشد :

۱ ـ که میتك ـ دارای ۱۵۰ خانوار (بازرگانی و خرید وفروش کالای خارجی دراین آبادی فوق‌العاده شیوع دارد)

۲ ـ آنزا ـ ۳۰ خانوار

۳ ـ نبدان ـ ۲۰ »

٤ ـ شارژدر ـ ۲۰ »

۵ ـ گرو ـ ۳۰ »

٦ ـ پیرِدان ـ ۲۵ »

هـ - ناحیه دیکور دارای ۸ آبادی میباشد .

۱ - دیکور - آبادی بزرك و مهمی است که دارای ۱۵۰ خانوار سکنه میباشد .

۲ - واسلگان -	٤۰ خانوار	
۳ - دزبوغان	٤۰	»
٤ - جمیدر	۳۰	»
٥ - بیاتان	۲٥	»
٦ - پوتان	۳۰	»
۷ - لهاباد	۲٥	»
۸ - رودبان	۳۰	»

و - بخش پارود - دارای۳ آبادی بزرگ ومهم میباشد :

۱ - پارود دارای ۳٥۰ خانوار واز نقطه نظر اینکه در سر سه راهی پیشین و قصر قند وسرباز واقع گردیده مهم میباشد (بازرگانی وخرید وفروش خارجی در این آبادی شایع است)

۲ - هیت دارای ۱۰۰ خانوارمیباشد.

۳ - زیار جان - ۱٥۰ خانوار.

ز - بخش کوهستانی‌مسکن طوایف دینار زائی و دارای ۱٥۰ خانوار سکنه می باشد (دینارزائی تیرهٔ از طوایف لاشار میباشد) و از دوآبادی تشکیل یافته :

۱ - پیشامك

۲ - بریز - که مرکز طایفه کال خان بوده ودارای ٥۰ خانوار سکنه میباشد.

ح - بخش مرزی دارای ٤ آبادی مهم میباشد.

۱ - راسك - دارای ٦۰ خانوار .

۲ - فیروز آباد - دارای ۸۰ خانوار.

۳ ـ بافتان ـ دارای ۵۰ خانوار .

٤ ـ پیشین ـ دارای ٤۰ خانوار . ودر روی خط مرزی واقع گردیده است .

طوایف سرباز

۱ ـ طوایف کوهوند ـ که بشکل تیره های پراکنده بوده بالغ بر ۱۵۰ خانوار ودر کوهستانات باختری سرباز مسکن دارند .

۲ ـ طوایف رئیسی ـ که در تحت ریاست مولوی عبدالله ودرجنوب باختری سرباز مسکن دارند بالغ بر ۱۰۰ خانوار .

۳ ـ طوایف سیه تکان ـ که درکوه سگار ودر ناحیه گوار دشت متوطن بوده و دارای آداب و رسوم مخصوص میباشند وتقریباً زندگی آنها شبیه بمرتاضین هندوستان میباشد .

٤ ـ طوایف دیگری باسامی مختلف درکوهستانهای خاوری وشمالی سربازمسکن دارند که مهم نبوده ومیتوان گفت ساکنین آبادی ها و دهات سرباز میباشند که برای گله چرانی مدتی ازسال را درکوهستانها می گذرانند .

این طوایف دارای محل ثابتی نبوده و برحسب وضعیت وسبزیاخشك بودن مراتع کوهستانی مساکن خود را تغییر داده ولی ازنقاط اصلی خود زیاد دور نمی شوند ودر موقع تابستان که موقع محصول خرما میباشد درآبادی ها جمع و بعد ازجمع آوری خرما بمحلهای خود مراجعت مینمایند .

۳ ـ جغرافیای اقتصادی

۱ ـ کشاورزی ـ اهالی فقط درزمینهای محدودی که کنار رودخانه سربازواقع گردیده بزراعت گندم ـ ذرت ـ باقالا مبادرت ولی مقداری که بدست می آید تکافوء

تغذیه اهالی را ننموده ومجبور بواردکردن ازخارج میباشند علاوه براین درخت نخل در کلیه آبادی های سرباز بحد وفور موجود وقسمت عمدهٔ تغذیه اهالی راتأمین مینماید .

کوهستانی بودن منطقه توأم با عدم آشنائی اهالی بامور کشاورزی موجب این گردیده که اهالی‌ازآب رود خانه سربازاستفاده کامل نمینمایند .

بعلت نبودن چراگاههای مناسب شتر داری و تربیت‌حیوانات اهلی در این منطقه محدود و فقط برای ایاب و ذهاب بین آبادی ها از الاغ استفاده میشود گله داری و تربیت اغنام واحشام نیزبعلت سختی اقلیم‌پیشرفت شایانی نکرده و اهمیتی باین موضوع نمی دهند .

برای رفع حوائج اغلب اهالی به مکران انگلیس و هندوستان مسافرت و در موقع رفع محصول و جمع آوری خرما مراجعت مینمایند .

۲ ـ عادات و اخلاق .

سختی اقلیم اهالی بخش را مثل سایر نقاط مکران مردمانی پر طاقت و صبور بار آورده علاوه براین فوق العاده قانع میباشند بطوری که با آذوقه کمی مسافات بعیده را می‌پیمایند .

اساساً خشن و پابند مقررات و آداب اجتماعی نبوده و حس بد بینی در وجود آنان مخمر میباشد نسبت برؤساء خود مطیع بطوری که در مقابل جزئی اشاره آنان از خونریزی هم خود داری نمی نمایند .

۳ ـ مذهب .

مذهب اهالی سرباز تسنن بوده و فوق العاده در انظار متعصب ولی باطناً در اجتماعات بلوچی معتقد به هیچ گونه مقررات عشیرهٔ نمی باشند .

ازنقطه نظرنظامی میتوان بشرح زیر دراین قسمت بحث نمود :

۱ - بررسی زمین از نقطه نظر راه پیمائی - نقاط واقعه بین پادگان ایرانشهر و سرباز تا مسافت ۱۸ کیلومتری بی عارضه بوده وسهل‌العبور میباشد .

جاده داخل کوهستان ها گردیده و از نقطه نظر نظامی موجبات کندی حرکت ستون رافراهم مینماید برای اینکه نمیتوان تأمین ستون را بنحو احسن فراهم نمود.

ارتفاعات بطوری متعدد وپشت سرهم واقع شده که از لحاظ تامین مستلزم تهیه های مقدماتی وپیش بینی میباشدراه فرعی دیگری وجود ندارد فقط جاده بایستی مورد استفاده قرار گیرد .

۲ - بررسی زمین از نقطه نظراستقرار ومنازل واقعه بین راه .

نقاط واقعه بین ایرانشهروسرباز فاقد منابع محلی ازنقطه نظر تامین آذوقه‌افراد وعلوفه دواب بوده وبایستی کلیه احتیاجات بوسیله ستونهای اعزامی حمل شود .

نقاطی که بمنظور راحت باش عده ها در نظرگرفته شده نقاطی است که آب فوق‌العاده کمی دارد

۳ - بررسی‌زمین ازنقطه نظرمواد خواربار‌ی که درمحل پیدامیشود .

زمین های کشاورزی محدود و بمنظور تامین احتیاجات بمنابع محلی نمیتوان امید وار بود .

محصول بدست آمده جنبه صادراتی نداشته وبایستی برای تامین خوار بار وعلیق پیش بینی نمود .

٤ - بررسی زمین ازنقطه نظرعملیات نظامی :

بطورکلی‌وضعیت اراضی‌درمنطقه سربازبطوری‌است که‌اجرای هیچگونه مانوری بمنظور پیشدستی - یاحرکت دورانی و تعرضی عملی نبوده و فقط می توان باشغال نقاط

مناسب دفاعی از حرکت تجاوزی دشمن احتمالی با حداقل نیرو وسائل جلوگیری و از لحاظ عملیات تأخیری نیز منطقه سرباز جهة عده کافی نقاط مناسبی راشامل است :

٥ - بررسی زمین ازنقطه نظر خطوط مواصلات فرعی :

الف - جاده ایرانشهر - در نظر است که بعداً از پارود بمحل قصرقند ادامه یافته و بجاده سرتاسری ایرانشهر بچاه بهار وصل گردد .

ب - راه شتررو سرباز بقصرقند - که ازدوراهی پارود جداشده و پس از عبور ازاراضی کوهستانی نسبتاً مسطحی ازقسمت خاوری وارد قصرقند میشود طول این راه تقریباً ٦٠ کیلومتر میباشد .

ج - راه شتر رو سرباز بمرز کشور - که از بارود جداشده و از آبادی های شوشگان وفیروزآباد و راسك و بافتان عبور نموده وسپس به پیشین وناحیهٔ مرزی منتهی میگردد این راه تا آبادی بافتان (٣٠) کیلومتر دربستر رودخانه صاف وسپس از بافتان تا پیشین (٣٠) کیلومتر دراراضی نسبتاً پست وبلندی واقع گردیده است .

د - راه شتررو سرباز بزابلی - این‌راه‌تا آبادی نسکند (٣٠ کیلومتر) در بستر رودخانه پیش رفته وسپس درداخل اراضی نسبتاً پست و بلندی تاقلعه زابلی پیش میرود .

علاوه بر راههای همگانی که در بالا ذکر گردید راههای بیشماری در این‌بخش وجود دارد که بواسطه نزدیك بودن مورد استفاده خود اهالی محل میباشد از این راهها فقط میتوان راه کوهستانی کشیکور به چامپف وقصرقندرا نام برد

وسایل ارتباط و مخابرات

وسایل مخابراتی وجود نداشته ارسال اخبار بوسیله پیك و امر بران سواره عملی میگردد - . حومهٔ سرباز دارای هیچ یك از مؤسسات دولتی نیست

نقاط قابل توجه در سرباز

ازمرز بداخل کشور شاهنشاهی :

۱ ـ خط حاشیهٔ خاوری پیشین با اتکاء بدامنه کوه سیاهان (دارای معابر اجباری مناسب)

۲ ـ خط حاشیهٔ جنوب خاوری راسك وفیروز آباد ـ با اتکاء بارتفاعات اطراف (دارای معابر اجباری ودهلیزهای متعدد)

۳ ـ خط نبدان (دارای معبر اجباری سخت ورود خانه در این نقطه فوق‌العاده تنك و بوسیله ارتفاعات محصور گردیده است)

٤ ـ با اتکاء بقلعهٔ سرباز (قلعهٔ سرباز از نقطه نظر استقرار مناسب میباشد)

٥ ـ درسر کور بادر دست داشتن آبادیها بینام و بیدك

٦ ـ درگهیری (وضعیت کوهستانها دراین نقطه فوق‌العاده سخت میباشد

۷ ـ درآب سواران (دارای نقاط وکمین گاههای مناسب کوهستانی .)

۸ ـ درآب دزدان (کوهستان پیچیده ومشکل)

چون زمین کوهستانی و اقلیم سست میباشد با تربیت عده هائی که عادت بکوه نوری داشته و در راه پیمائی کوهستانی ورزیده شده باشند ممکن است مهاجم را باحملات مؤثری در داخل این کوهستانات باصرف عده و وسایل کمی ازپا درآورده و معدوم نمود .

۳ - راجع به‌باهوکلات و دشتیاری

نظر باینکه دراین منطقه کمتر مسافر تهائی شده واطلاعات مفیدی تحصیل گردیده است لذا توضیحاتی برای معرفی این منطقه درج میشود

وضعیت خاوری چابهار بطورکلی : اگر بقسمت خاوری منطقه چابهار (که از شمال محدود به پیشین وراسك وگزانی و کلی‌داعی در جنوب نیك‌شهر و ار باختر جاده نیك‌شهر وچابهار و از جنوب دریای عمان واز خاور خط‌مرزی) توجه گردد ملاحظه میشود که باستثناء قسمت شمالی که پوشیده از یك رشته ارتفاعاتی که در هرجا بنامی موصوف وسه رشته انشعاباتی که ازشمال بجنوب تا کرانه ممتد که مسافت‌آنان ازچابهار اولی ۵ کیلو متری بنام ارتفاعات طیس کوپان و دومی ۳۰ کیلو متری بنام ارتفاعات ماجورا ونیل‌وسومی ۹۰ کیلومتری که بنام‌ارتفاعات‌باهو کلات موسوم‌است کلیه اراضی مسطح‌ومرکب ازیك قسمت نمك‌زار وخاك‌رس بدون آب میباشد جلگه بین‌ارتفاعات طیس‌کوپان و ماجورا واقع است بنام‌طیس‌کوپان ووشنام وکمبل و جلگه بین ماجورا و باهوکلات واقع است‌قسمت باختری‌دشتیاری وقسمت‌خاوری‌باهوکلات‌موسوم‌است.

بهیچوجه دراین منطقه خط شوسه وجود نداشته وابداً دارای وسایل ارتباطی و تلگرافی نیست باستثنای یك رشته سیم که در محاذات کرانه متعلق به کمپانی هند و اروپ که‌پس از خاتمه کنترات در نزدیکی مرز (قریه سامان) قطع گردیده و فعلا قابل استفاده نیست

این منطقه دارای هوای‌سوزان وغیر سالم (اغلب مالاریائی وبعلت خوردن از آبهای راکد مرض پیوك نیز عمومیت دارد)

در این منطقه فقط دو رودخانه سیلابی موجود است که یکی بنام رودخانه باهوکلات که از سرباز وشمال آن ودیگری رودخانه دشتیاری که از قصر قند وشمال ان سرچشمه گرفته وهردو به شن زار فرو میروند (رودخانه باهوکلات‌از نقطه نظراهمیت

درزمان سابق دارای سدی بوده در شمال باهوکلات بمسافت ۵ کیلومتری باهوکلات و جنوب آنرا مشروب مینموده فعلا خراب است وآب‌رودخانه باهوکلات‌درمحل‌بافتان‌در جنوب راسك به شن فرومیرود)

جمعیت این منطقه خیلی کم عموماً بطریق کوچ نشینی در زیر کپر زندگی میکنند.

قسمت اعظم اهالی نژاداً ایرانی وقسمتی از نژاد هندی (سند) که در ازمنه قدیم باین منطقه کوچ داده شده اند بین خود بنام جدگال معروفست زبان آنان اصلا ایرانی (پهلوی) ولی با بلوچ های شمالی اختلاف کلی‌دارد زبان بلوچی جدگالی از هردو متمایز است عموماً سنی و بی‌اندازه متعصبند

اهالی آب مشروب خود ودواب و حشم خودرا از آبهای باران که در گودالهائی (بزبان بلوچی حوتك) مجتمع میشود وچندین ماه باقیست استفاده میکنند بدینطریق که مواقع بارندگی حوتك ها مملو شده و دور هر حوتکی چندین خانوار کپر زده خود و دواب و حشم خود از همان آب را کد استفاده کرده تا موقعی که آب مبدل بلجن شده خشك گردد سپس دور حوتك دیگر جمع میشوند فقط در سه نقطه میتوان با حفر چاه از آب شیرین استفاده نمود اولی در طیس کوپان بعمق ۱۰ متر برای دواب جمعی هم کافی است و دومی در دشتیاری و سومی در باهوکلات برای دواب بطور انفرادی نیز کافی است و در اراضی مسطح منطقه روشنام اساساً حفر چاه عملی نیست در دشتیاری و باهوکلات باحفرچاه بعمق ۳۰ متر میتوان استفاده‌جهة مصرف‌اهالی گردد گرچه قدری شور ودر روز نیز بیش از چند دلو آب نمیدهد

بعلت نبودن آب وکمی نفوس وتنبلی افراد بلوچ با وجود اینکه اراضی استعداد نمو کلیه زراعتهای گرمسیری وحبوبات را دارد زراعت در این منطقه خیلی بسختی پیشرفت کرده وفقط منحصر به پنبه آنهم دارای آفت گندم و جو و ذرت و ماش بقدر

احتیاج بطوریکه به تحقیق رسیده بنحوی اراضی مستعد است که با بذر یکدفعه تخم پنبه میتوان چندین سال محصول برداشت بطوری که پنبه مبدل به درخت میگردد و حبوبات دیگر از قبیل ذرت و ماش و غیره یك تخم متجاوز از دویست و پنجاه تخم محصول میدهد .

دشتیاری و باهوکلات در درجه یکم وکمبل وطیس کوپان در درجه دوم دارای مراتع خوب و قابل توجه است و نقاط مزبور جنگل زار و درختهای جنگلی عبارتند از کهور وبنه وگز اهالی اغلب دارای شتر (برای حمل ونقل محمولات وسواری) والاغهای تیز رو (سواری) و تعداد زیادی گوسفند و بز وگاو میباشند که بطور انفرادی نگاهداری می شود تشکیل رمه نمیدهند اسب و قاطر در این منطقه نایاب است .

باوجود تحولات و ترقیات روزافزون گیتی در این منطقه هیچ تأثیر و تغییری نداشته اهالی بحال زندگانی سابق خود باقی‌هستند علت اصلی عدم آمیزش آنان با اهالی داخلی است میتوان گفت باستثنای افراد نظامی و امنیه از مأموین کشوری کسی قدمی بآن صفحات نگذاشته که درنتیجه آمیزش وتبلیغات تغییری بحال بدویت آنان داده شود اثبات مدعا طرز احترام گذاردن آنان است که تصور میکنند احترامات متداوله همان دست بلند کردن بسبك سربازی است .

عموم این منطقه بیسواد ابداً دبستانی وجود نداشته ورتق وفتق‌امورفضائی بدست مشتی آخوند بنام قاضی‌فیصل‌داده میشود آنها هم‌فقط قرائت قرآن وخیلی جزئی‌فارسی بلد میباشند .

اهالی مایحتاج خوراکی خودرا که منحصر به ذرت و ماش است خود تهیه و و جهت پوشاك از فروش پنبه از خارجه بطور قاچاق فراهم مینمایند پولی که بین آنان رواج است روپیه میباشد که بکله‌دار موسوم است

اهالی بوئی ازمیهن‌پرستی و کشوردوستی بمشامشان نرسیده وحتی اشخاص غیر بلوچ را خارجی‌دانسته بنام‌قجر نامیده ازهرگونه‌اذیت و آزار در باره آنان‌فرو گذار نمیکنند روی همین بیعلاقگی و پا گیری که درنتیجه جزئی‌فشار حق یا ناحق یکی از مأمورین فوراً بخارجه کوچ میکنند وباندازه از فهم وشعورعارییند که نیکی‌بهیچوجه بخرجشان نمیرود.

این رویه وترتیب درنتیجه تزریقات تبلیغات‌سرداران و متنفذین محلی سابق است که کماکان ادامه دارد با اقداماتی که شروع گردیده امید است که در آتیه اوضاع این منطقه‌رو ببهبودی‌رفته واعمال آنان متروك و در جاده‌تمدن سیرنمایند ازطرفی‌بی‌اندازه باانضباط وقانع ولی آنطوریکه باید رشید نمیباشند

بطور کلی وضعیت فعلی منطقه باهوکلات ودشتیاری را میتوان در این ١٦ ماده خلاصه نمود.

١ - کشاورزی - بعلت‌عدم آب در کلیه‌منطقه زراعت‌اهالی منحصر بجزئی پنبه - گندم - جو - ذرت - ماش‌وسایر حبوبات کمی در بعضی نقاط تنبا کووفقط درحدود دشتیاری‌وجنگل باهو کلات‌صیفی (هندوانه - خربزه) میباشد که‌بطرزمخصوصی بااستفاده از آب باران عمل میشود ودرسابق که‌سدهای رودخانه باهوکلات و دشتیاری برقرار بوده‌کلیه اراضی آباد و زراعت میشده و هرگاه حال هم سد های مزبور ساخته‌شود کلیه اراضی آباد وکلیه اهالی که در نتیجه عدم آب و زراعت به بلوچستان انگلیس متواری شده اند مراجعت خواهند نمود حاصل زراعت اهالی بمصرف آذوقه اهالی‌میرسد وکمی از مازاد آن در بلوچستان انگلیس فروخته شده ودر عوض قند شکر چای وپارچه‌وسایر مایحتاج اهالی آورده میشود.

٢ - بازرگانی - درکلیه مناطق پیاه‌ور و تجارجزئی پنبه - پشم - پوست-حبوبات - تنبا کو حاصل زراعت را به بلوچستان انگلیس برده ودر مقابل احتیاجات اهالی را از

قبیل پارچه قند چای وشکر وغیره آورده و در منازل یا دکانهای کوچك وغیر رسمی خود بمصرف فروش میرسانند و چون تا کنون مقررات گمرکی و مامورین مربوطه در این منطقه نبوده و از طرف دیگر برای رفع احتیاجات اهالی بداخله کشور دسترسی نداشته اند باکمال سادگی و معمولی بچنین تجارت غیر مجازی عمل نموده و مینمایند که هرگاه از طرف دولت شرکتها ومؤسسات قماش وسایر ما یحتاج در نقاط مهم منطقه تأسیس و ما یحتاج اهالی در دسترس آنها گذارده شده ونیزمقررات گمرکی بآنها فهمانده شود که این رویه اهالی ترك خواهد شد .

۳ ـ اهالی مسلمان (سنی) متعصب مخلوط با خرافات جهالت

٤ ـ چون از زمان پیشین مأمورین انگلیس در این منطقه نفوذ کلی داشته اند و مخصوصاً اهالی از اشنائی بمقررات این کشور و ارتباط بداخله کشور دور بوده اند لذابه کشور اصلی خود اشنائی ندارند.

٥ ـ بعلت عدم مأمورین انتظامی و سایرمأمورین لشگری و کشوری ازدیرزمان در این منطقه واز طرف دیگر تسلط ونفوذ سرداران و متنفذین در اهالی باعث شده که کلیه اهالی تا کنون جز سرداران کسی راندیده ونشناخته

٦ ـ بعلت عدم مقررات مرزی از سابق در نظر اهالی خط مرزی وجود نداشته وبا سادگی به بلوچستان انگلیس وایران رفت وامد نموده فامیلا منسوب ودر فلاحت و تجارت وکلیه امور تشریك مساعی داشته وحتی در جشنها وسوگواریهای یکدیگر حضور یافته ودرفامیل یکدیگر وصلت مینمایند.

۷ ـ سکه وپولهای رواج در کشور را کاملا نشناخته وبیشتر روپیه در اینمنطقه رواج همگانی دارد

۸ ـ علت رفت‌وامد بیشتراهالی ببلوچستان‌انگلیس و ایران عدم اب برای فلاحت

و عدم نظم در منطقه و تعدی سرداران بلوچ میباشد که دائماً بمقتضای محل و موقعیت در مواقع مختلف سال ببلوچستان انگلیس رفته و مراجعت میکنند .

۹ ـ در مواقعیکه اهالی به بلوچستان انگلیس مهاجرت میکنند در آن منطقه آزاد و حتی مورد تشویق مامورین آن کشور واقع هستند .

۱۰ ـ اغلب از بیماریهای ساریه در سایر نقاط کشور در این منطقه وجودداشته ولی بعلت عدم پزشك مرك بنحو ساده از تکثیر جمعیت جلو گیری و بعلل عدم وسائل و بدی آب و هوا و غیره تولد تناسل در مرحله صفر است .

۱۱ ـ بعلت نبودن آموزشگاهها علاوه بر اینکه کلیه اهالی بی سواد هستند در جهالت مخلوط با خرافات محض میباشند .

۱۲ ـ هیچ نوع صنعتی در این منطقه وجود ندارد

۱۳ ـ اهالی بطور عموم تن پرور و جبون و کمظرف و نادان هستند

۱۴ ـ اهالی عموماً بطوری روحاً تحت نفوذ سرداران بلوچ هستند که هیچگاه از رأی آنها سرپیچی ندارند .

۱۵ ـ قاچاقچیان بدون دانستن مقررات گمرکی آزادانه به بلوچستان انگلیس رفته و ما یحتاج اهالی را میاورند .

۱۶ ـ دستجات متعدد اشرار هستند که تحت نفوذ و تحرك سرداران گاه گاهی بشرارت مبادرت میکنند .

اطلاعات راجع به منطقه باهو کلات و دشتیاری

رود خانه ها عموماً سیلابی است در تابستان خشك میشود رود خانه باهوکلات تا قسمت بافقان غیر سیلابی و دائمی است ولی از آنجا فرو میرود .

زراعت ـ زراعت آبی است ولی با آب دادن خیلی محدود ۲ یا ۳ مرتبه زراعت

پنبه ـ ماش ـ گندم ـ جو ـ زرت ـ بعضی نقاط تنبا کو بعضی نقاط نخلستان نیز دارند ولی خرمای آن معروف نیست

زراعت باندازه احتیاج اهالی است و خیلی کم از آن صادر میشود

درصورت تهیه سد ها اراضی استعداد زراعت های خیلی‌زیادی را دارا میباشد چه اهالی باهو کلات در ایام قدیم که دارای سد بوده . سکنه زیادی داشته است سکنه فعلی باهوکلات ۲۰۰ خانوار بیشتر نیست در بعضی مواقع تا حدود ۱۰۰۰ خانوار جمع میشوند .

کلیه سکنه دشت یاری و باهو کلات در حدود ۱۵ هزار نفر بیشتر نیست حشم داری هم در بین اهالی معمول است که رمه های کوچك گاو ـ گوسفند ـ شتر گاهی‌هم بخارج میبرند .

مرز ـ زمین بین دو کشور بکلی باز است بطوریکه هم با هم وصلت کرده و هم لاینقطع در عبور ومرور و مراوده میباشند حتی از طرف انگلیسها تشویق مینمایند چه اهالی اگر شرارت مینمایند آزادی تام دارند .

جاده چاه بهار وگواتر زمین نسبتاً صاف و بعضی ارتفاعات کوچك کم اهمیت است ولی ۱۲ حور موجود است که بایستی روی آن پل ساخته شود .

راه گواتر تا باهوکلات کاملا خوب ودشت و قابل اتومبیل رانی است از باهو کلات تا پشین جلگه وصاف از تلنك تاقصر قند کوهستانی است .

آثارقدیمه ـ فقط درنزدیك پلان چاهی است که با آجر ساخته شده و به کورس وزمان زردشت نسبت میدهند وچاهی دیگر درمسیر کوپان بهمین قسم موجود است .

منطقه بم پشت

دارای ٦٥ قریه سکنه کلیه این آبادیها در حدود ۳۰۰۰ نفر است که آبادی بزرك آنها کشتگان است که دارای ۱۵۰ خانوار وکلیه درمسیر رود خانه ها واقع‌شده

اند این رودخانه ها دائمی ودرتمام مدت تابستان هادارای آب میباشند تمام قراءدارای نخلستان‌ها و موستان‌ها میباشند حتی در بعضی قراء گل سرخ‌هم دیده‌میشود ـ درخت‌انار ـ توت در کلیه آبادیهای این منطقه یافت میشود زراعت گندم و جو زراعت عمومیت دار و گندم اکثر دیمی است .

زراعت آن برای احتیاجات خود اهالی کافی نیست و اکثر گله دارمیباشند — قسمت عمده گله این نواحی گوسفند است گاو برای زراعت نگاهداری مینمایند .

سکنه این منطقه کوتاه قد و قوی البنیه و فوق‌العاده پر طاقت میباشند اشجار در کوهستان یافت نمیشود این قسمت سر دسیرمحسوب ودارای هوای خنك و فوق العاده مطلوبی است زراعت گندم این منطقه در خرداد ماه بدست می آید در صورتی که در شستان دراول اردیبهشت درو میشود خرمای این منطقه ۲۰ روز پس از شستان بدست می‌آید در هوای سرد یخ زده میشود در صورتی که در قسمت شستان یخ نمیزند

در کوهستان بم پشت یك نوع علفهائی یافت میشود موسوم به تو تیری و بعضی دانه های دیگر که برای فروش ببلوچستان انگلیس میبرند .

مورتان

کلیه ۷ قریه است که روی همرفته ۱۵۰ خانوار میباشد .

زراعت گندم ـ جو ـ برنج ـ خرما ـ ذرت یافت میشود در تابستان آب دارند و دارای حشم نیز میباشند .

معمولا از مورتان به پیشین صبح تا عصر سواره میروند .

هنك‌هم شامل ۳۰ قریه است سکنه کلیه این نقاط ۱۵۰ خانوار ـ نخلستان وزراعت هم دارند و دارای حشم و کلیه چادر نشین هم میباشند . هوای این منطقه گرم است واز شستان گرم تر میباشد .

برای زراعت دارای قنات وچشمه میباشند تابستانهم این آبها دائر است ازهنك تا مورتان راه بکلی صاف است .

فصل هفتم

وضعیت کرانه‌های مکران

کرانه‌های مکران با وصف آنکه خیلی مطول و در حدود ۷۰۰ کیلو متر است ولی نقاط حساس آن کم و نقطه مهم و قابل توجه آن زیاد نیست ـ کلیه کرانه های مکران بواسطه کمی عمق و داشتن بریدگیهای زیاد برای نزدیك شدن کشتی ها مساعد نبوده بلکه کشتیهای با ٤ متر آب گیر بایستی دو کیلو متر از کرانه دور متوقف گردند سکنه و نقاط مسکون در کرانه مکران خیلی نادر و جز یك مشت مردمان بی‌چاره که زندگانی آنها از صید ناچیز کرانه میگذرد کسی وجود نداشته و شاید مجموعه این سکنه را میتوان از خاور به باختر در حدود ٥ هزار محسوب داشت که ۲ هزار آن فقط در چاه بهار است بعضی نقاط بکلی خالی و غیر مسکون است از جمله بندر گواتر که بندرگاه و نقطه مهمی روی نقشه جات بنظر میرسد برای آن که نظر کاملا دقیق تری به کرانه حاصل شود وضعیت کلی کرانه های عمان را شرح داده و راجع به نقاط مهم آن توضیحات بیشتری داده میشود .

بندر چاه بهار بمناسبت، وضعیت و موقعیتی که بطرف دریای عمان داراست و یگانه مخرج آزاد کشور محسوب میشود خیلی مهم و قابل توجه است

۱ ـ وضعیت کلی کرانه های مکران بین جاسك وگواتر

چاه‌بهار ـ چاه بهار اطلاق بخلیج کوچکی میشود که در کرانه مکران واقع شده و نیزاسم بندری است که دردماغه خاوری این‌خلیج میباشد که ایفاد آن‌از نصف النهار گرنویچ ۳۸ ـ ٦٥ و از شمال خط استوا ۱۸ ـ ۲٥ است

بندر چاه بهار قصبهٔ است که در حدود ۱۲۰۰ خانوار سکنه داردواز طریق صید ماهی‌وقایقرانی زندگانی مینمایند کشاورزی و زراعت بواسطه‌قلت آب‌هنوزدر آن رونقی حاصل نساخته و مایحتاج اهالی از خارج تأمین میشود ولی اراضی اطراف برای پرورش اشجار گرمسیری بسیارمستعدمیباشد و باغ فلاحتی که اخیراً دائـر گشته‌کمك مهمی به ترغیب اهالی در غرس اشجار مینماید .

اشجاری که بالاخص بعمل میاید واب‌وهوا برای نمو ونمای انها مساعدت تامه داردعبارتند از : انجیل‌فرنگی ـ سه‌پستان ـ کلیر ـ شیرپش ـ خرما ـ مرکبات ـ انبه وغیره واقسام میوجات .

مهمترین بنای آن بنای سنگی سه طبقه است کـه در حدود ۹۰ سال قبل توسط انگلیسها ساخته شده و محل پست وتلگراف بوده است ترقی این بندر از موقعی شروع خواهد گردید که اسکله بندری در آن ساخته شده و مجهز بوسایل لازمه بندری گردد (در وضعیت فعلی کـشتیها مجبور اند در دو کـیلو متری توقف نموده و بوسیله قایق بار گیری و بار اندازی نمایند) از طرفی هم مستلزم اینست کـه وضعیت تجارتی از حالت‌بحران‌آمیز فعلی‌خارج گردد ـ اکنون کشتیها ماهی دو مرتبه باین بندر رفت‌وآمد مینمایند وکالاهائیکـه تشریفات قانونی آنها بعمل آمده حمل ونقل میشود و بعضی مواد ضروری برای زندگانی اهالی حمل مینمایند (از قبیل گندم جو ـ برنج ـ خرما ـ پارچه و غیره)

برای‌انجام اموررتجارتی یکنفر نماینده انگلیسی‌وچند نماینده ازپارسیان هندوستان در آن اقامت دارند اغلب بنگاههای دولتی از قبیل پست و تلگراف ـ معارف ـ امنیه ـ شهربانی در این‌بندر ایجاد گردیده و در شرف توسعه میباشد سکنه بندر چاه بهار بیشتر از بلوچها و مهاجرین هندوستانی‌و بلوچستان انگلیس تشکیل یافته .

از چاه بهار تا خاش و جاسك خط تلگراف یافت میشود پست در این بندر و بنادر جاسك و .وراتر موجود است وگمرك در اغلب بنادر یافت میشود .

چاه بهار تاجاسك در حدود ۲۰۰ و تا گواتر درحدود ۷۰ میل انگلیسی مسافت دارد این فواصل از راه خشگی محسوب گردیده واز راه‌دریا مسافت کمتر میباشد ـ این راه ها بسهولت قابل تعمیر برای سیر خود رو میباشند نقاط مهمی که در راه چاه بهار به گواتر واقعند بشرح زیر است :

گینج ده ـ دارای ۱۰ خانوار جمعیت است که از ماهی ارتزاق مینمایند .

کچو ـ دارای ۱۵ « سکنه « « « « «

بریس ـ در حدود ۴۰ خانوار جمعیت دارد که از صید ماهی معیشت مینمایند (در جوب این آبادی دماغه بهمین اسم واقع گردیده)

پسا بندر (مانند بریس است)

گواتر ـ آخرین بندر ایران در کرانه عمان میباشد کـه سکنه ندارد مرکز سیم دریائی است .

نقاط مهمی کـه در راه‌چاه بهار به جاسك واقع اند .

دیس یا دیز ـ دارای ۴۰ خانوار سکنه است که ازصید ماهی معیشت مینمایند .

پاره ـ دارای ۸ خانوار سکـنه میباشد که نیز ازصید ماهی معیشت می کـنند

سرکان ـ دارای یکصد خانوار جمعیت است که از طریق زراعت امر ار معاش می نمایند .

کهی ـ نیز در حدود یك صد خانوار جمعیت دارد که از طریق زراعت پنبه ـ گندم ـ زرت ـ ارزن و غیره ارتزاق می کنند .

بیر ـ در حدود ۵۰ خانوار جمعیت دارد و محصول عمده آنها خرما میباشد .

رابت ـ در مصب رود خانه سیلی موسوم به کاله واقع شده ـ در این مصب صید ماهی ساردنی شیوع دارد که بخارج هم حمل میگردد ـ استعداد طبیعی این مصب برای ورود و خروج کشتیها نسبتاً زیاد است

سورق ـ دارای ۳۰ خانوار جمعیت دارد که از محصول خرما معیشت می کنند.

سدیچ ـ در حدود ۵۰ خانوار سکنه دارد که نیز از محصول خرما امرار معاش می کنند.

کابری ـ درحدود ۵۰ خانوار سکنه دارد و مانند اهالی سدیچ محصول عده آنها خرما است.

جگین ـ درمصب رودخانه بهمین اسم واقع شده وجمعیتش از ۲۰ خانوارتجاوز نمی کند ولی زراعتش نسبت بسایر نقاط کرانه بهتر است و مخصوصاً پنبه و ذرت زیاد زراعت میشود اشجار خرما نیز دارد.

یکه‌دار دارای نخلستان وسیع و مزارع جو و گندم میباشد.

جاسك ـ اهمیت آن باندازه چاه بهار میباشد و جمعیتش با سکنه دهات اطراف به ۲۲۰۰ بالغ میباشد محصول عمده‌اش عبارت است از خرما ـ گندم ماهی ساردنی که بمقدار زیاد صید گردیده و بخارج کشور نیز فرستاده میشود.

موقعیت جاسك برای احداث بندر نیز مساعد است و کشتیها توانسته‌اند تا ۲ میلی بکرانه نزدیك شوند.

جاسك فرودگاه هواپیماها است که از کشورهای اروپا بسمت مستعمرات مربوطه پروازمینمایند.

وضعیت طبیعی کرانه های عمان

از چاه بهار تا جاسك

از چاه بهار تا طول کرانه دارای بریدگی است و سطح آن چندین متر از زمین کرانه پست تر واقع شده (مخصوصاً در طول دو کیلومتر شمال خاوری که کوهستانی است.)

از طول تا کناره کوه زمین صاف و هموار ولی شن زار است و عبور و مرور دچار اشکال میگردد پس از مصب رودخانه سرگان صاف میباشد که قایقها مخصوصاً در موقع طغیان آب میتوانند درآن داخل گردند.

از مصب رود خانه مزبور تادماغه موسوم بهراشدی کرانه همه جا هموارومسطح است ولی سپس تا جاسك کرانه دارای بریدگی است که ازطرف باختر متصل بهشن‌زار می گردد .

از چاه بهار تابندر گواتر :

از چاه بهار تا بریده نقاط کرانه دارای پست وبلندیهای مختصری است (باستثنای کنج ده که درآنجا ارتفاعات بکلی نسبتاً بلندی کرانه را اشغال کنند) .

از بریس تا گواتر بطور کلی اراضی کرانه نسبت بسطح دریا بلند تر واقع گردیده ولی اراضی مزبور مسطح وهموارانده .

دوری و نزدیکی ارتفاعات بکرانه

از چاه بهار تا جاسك

از چاه بهار تا کنارك ارتفاعات خیلی دور از کرانه واقع میشود در حدود ۱۵ میل انگلیسی از کنارك تا تنك یك رشته تپه های کمی بفاصله نیم یا یك میل دریائی از کرانه واقع گردیده ـ از تنك تا کوه کلات سلسله جبال مرتفعی بفاصله یك میلی از دریا واقع شده ـ از کوه کلات کوهها به تفاوت از ۲ الی ۳ میل تا کرانه فاصله دارند از کالك به رابیچ ارتفاعات در حدود ۱۰ میل از کرانه دور میشوند ـ از رابیچ تامحل موسوم به گچ ارتفاعات به تفاوت از نیم تایك میل از کرانه فاصله‌دارند از گچ تا ساویج یك رشته تپه ماهور های کمی مشاهده میگردد ـ و ارتفاعات بلند در حدود ۱۰ الی ۱۲ میل از کرانه فاصله دارند از ساویج تا هو جدان کوهها بسیار دور از کرانه واقع اند (متجاوز از ۱۲ میل) ـ بالاخره ازهوجدان تا جاسك که اراضی

شن‌زار و سنگلاخ است و کوه هها مانند منطقه قبل دور از کرانه قرار گرفته‌اند .

از چاه بهار تا گواتر

در اینقسمت کوه ها عموماً بسیاربه کرانه نزدیك میشوند بطوریکه دور ترین آنها کمتر از ۲میل با کرانه فاصله ندارند .

راه‌هائیکه نقاط کرانه رابداخله مکران اتصال میدهند

از چاه بهار تا جاسك از پارك یك راه قابل سیر خودرو به نیك شهر و راههای دیگر به بنت به‌چاهان و فانوچ میرود ـ ازسرکان وسیر نیز راه‌هائی به‌نقاط فوق‌الذکر متوجه میگردد .

از رابت و سورق راه های پیاده‌رو به سرباز ـ فانوج ـ بشاگرد و نیك شهر وغیره میروند .

جاسك‌به‌بشاگرد وسربازورود بار و کرمان‌بوسیله‌راه‌های پیاده‌رومتصل میباشد .

از چاه بهار تا گواتر

از چاه بهار قابل سیر اتومبیل به نیك شهر و از انجا بشمال است و یك راه مال‌رو به دشتیاری میرود .

از گینج یك راه پیاده‌رو به رودی میرود .

از بریس یك راه پیاده‌رو به باهو کلات و دشتیاری متوجه میگردد .

از پسابندریك راه پیاده‌رو بدشتیاری وراه دیگر برست میرود

از کواتر یك راه پیاده رو در امتداد دره رود خانه دشتیاری به دشتیاری و باهوکلات میرود .

نقاطیکه برای نزدیك شدن کشتیها به‌کرانه مساعدند

(بین جاسك و گواتر)

بطورکلی در این قسمت از مرز ایران آبهای کرانه دارای عمق نسبتاً زیاد بوده

و کشتیها میتوانند در بعضی نقاط تا یك میلی نزدیك شوند در کینج ده کشتیها تا نیم میلی کرانه جلو میایند - در پا کی کشتیها تا یك میلی کرانه نزدیك میگردند .

در بریس کشتیها تا ۱/۵ میل به کرانه نزدیك میشوند در پسابندر کشتیها میتوانند در یك میلی کرانه برسند در گواتر کشتیهای برزك تا نیم میلی کرانه نزدیك میشوند .

مقدار قایقهای باری و ماهی گیری که در بنادر این قسمت از کرانه یافت میشود

	باری	ماهی گیری	ملاحظات
درچاه بهار	۵	۲۵	
« بریس	—	۴۰/۳۰	قایقهای ماهی گیری به تفاوت از ۱
« پسابندر	—	۱۰	الی ۱۰ تن گنجایش دارند - قایقهای
« کنارك	۴—۵	۲۰—۳۰	باری میتوانند تا ۳۵ گونی حمل
« تنگ	۴ — ۵	۴—۵	نمایند
« گاله	۴ — ۵	۲—۳	
« گچ	۴ — ۵	۳—۴	
« سدیچ	۵	۴—۵	
« گابری	—	۵	
« چکی	—	۵	
« جاسك	—	۳۰—۴۰	

رودهائیکه قایقهای میتوانند مخصوصاً درموقع طغیان آب در مصب آنها داخل گردند

کهیار - تیس - پاره - سرگان - کهیر - بیر - کوه کلات - گاله - رابیچ - سورق - سدیچ - گابری - جگی - هژدان

وضعیت طبیعی آب و هوای این قسمت از کرانه

بارندگی این کرانه عموماً در زمستان است ودراین فصل اگرچه هواملایم میباشد ولی برای سکنه آن حدود زمستان محسوب میشود طوفانهای شدید همچنین بادهای سخت میوزد ـ شلی یا شلجی (هوای گرم مرطوب) که مصادف باوزش باد های همگانی است دراواخر فصل بهار بظهور میرسد ودراین فصل آب دریا بحدی منقلب است که حرکت کشتیها و نزدیك شدن آنها به کرانه فوق‌العاده دشوار وخطرناك میگردد .

بطور کلی رطوبت هوا در زمستان کمتر ودر تابستان (مخصوصاً در مواقعی که باد از طرف دریا می وزد) زیادتر است .

جاسك

مقدمه ـ این بندرگاه قدیمی ترین و اولین نقطه کرانه است که در سده های قدیمه برای بسط بازرگانی بانگلیسها واگذار گردید این بندرگاه بواسطه پیشرفتگی مشهودی که در دریا دارد از هرلحاظ جلب نظررا مینماید بطوری که امروز هم موقعیت و وضعیت مخصوص آن برای طیارات هلندی وفرانسوی فرودگاه بسیار مستعد وحاضری بوده و بمناسبت پیشرفتگی خود یکی از فرودگاه های خوب محسوب می گردد .

وضعیت طبیعی ـ بندر جاسك واقع در شبه جزیره است که بطول ۳۵۰۰ مترو باریك ترین نقاط عرض آن ۹۰۰ متر است این شبه جزیره از طرف باختر بوسیله یك خوری که دارای زبانه های متعدد است از کرانه مقابل بریده شده و در مواقع طغیان آب این خور ها گاه گاهی ارتباط شبه جزیره را با اراضی عقب قطع و جاسك بشکل جزیره در میآید سواحل باختری این شبه جزیره باشیب خیلی ملایم بطرف دریا پیشرفته خاتمه می یابد در صورتی که کرانه خاور آن دارای ارتفاع ۱۰ متری از سطح دریا می باشد و این قسمت ارتفاع و برجستگی فقط در محل گمرك ملاحظه میگردد .

ارتفاعات درشبه جزیره جاسك - یك رشته ارتفاعاتی در سمت کرانه واقع گردیده این رشته تپه ها بارتفاع ٤ تا ٦ متر از سطح جلگه بیش نیست ولی با وضعیت کمی ارتفاع دارای میدان دید و تیر خوبی بطرف دریا میباشد قسمت اراضی که فعلا باسم میدان طیاره خوانده میشود از سطح شبه‌جزیره بلندتر میباشد بطوری که میتوان ارتفاع این قسمت را در حدود ٦ متر به طور کلی از سایر نقاط اراضی شبه جزیره در نظر گرفت.

زمین بطرف اراضی عقب و بطرف شمال تدریجاً پست شده و یك دره کوچکی بین این شبه جزیره و اراضی عقب تشکیل میگردد که در موقع طغیان آب زیر گرفته خواهد شد.

ارتفاعات بشاگرد و بیابان که همان رشته ارتفاعات کرانه باشد ۳ الی ٤ کیلو متر در عقب این شبه جزیره واقع و بریدگی های متعددی را ارائه میدهد این ارتفاعات فوق‌العاده زیاد و برجسته ولی بریدگیهای محسوس و مشخصی‌را دراطراف ارائه‌میدهد این ارتفاعات عموماً خاکی و بکلی خشك بنظر میرسد در دامنه این ارتفاعات بطرف خور چندین نخلستانهائی واقع گردیده است.

وضعیت آبها - در داخله جاسك آب از چاههای متعددی که در اطراف است بر داشته میشود آب آن نسبتا خوب وقابل شرب است.

سکنه - سکنه این بندرگاه در حدود ۱۵۰۰ نفر است که از چندی باین طرف تدریجا رو باز دیاد نهاده است فعلا شاید در حدود ۲۰۰۰ نفر میباشد سکنه کلیه سیاه رنك و در اثر آفتاب سوخته بنظر میرسند اگر سیاه محسوب نگردند سکنه این منطقه سبزه خیلی سیر محسوب میگردند.

مردمان این منطقه فوق‌العاده قانع و بزندگانی و وضعیت خیلی کمی میسازند به طوری که‌درایام کنونی که‌درتمام‌نقاط کشورعده کار گر خیلی گران وحتی نا یاب‌است در این‌بندرگاه‌اخیراً که‌مزدرازیادنموده‌درحدودیك‌چهارم‌دست‌مزدسایرنقاط کشوراست

سکنه این بندر گاه یك علاقه زیادی به زندگانی در داخله بندر را داشته که به اطراف نمیروند وحتی اگر هم بروند خیلی بزودی مراجعت مینمایند ضرب‌المثل های در بین اهالی این بندر است . کسی که ماهی جاسك را خورد قادر به ترك این بندر نخواهد بود .

در این بندر زراعتی وجود نداشته و فقط قسمتی نخلستانهائی در خود بندر گاه و در مجاورت بندر مخ ملك موجود است که حاصل آنهم باندازه احتیاجات خود اهالی هم نیست اهالی قسمت عمده برای معیشت و زندگانی بصید ماهی اشغال دارند در این بندرگاه ماهیهای ساردین شادلیف دوالك ـ شیر زیاد صید میشود فعلا درسال تا حدود ۶۰۰۰ گونی ماهی برای کرانه عمانات و اطراف خارج میشود هر گونی بقیمت ۳ روپیه است خوراك اهالی نیز قسمت عمده ماهی است بطوری که درموقع صیدماهی هارا گرفته بلع مینمایند گذشته از ماهی بقیه احتیاج اهالی بایستی از طرف خارج یا داخل حمل گردد چون حمل آن از طرف داخل قدری مشکل و پر زحمت است لذا از کرانه در مقابل صید ماهی احتیاجات خودرا اهالی تهیه ووارد مینمایند .

آب و هوا ـ گرمای جاسك بپایه سایر بنادر درخلیج نبوده بلکه کمتر است .
بطوری که درآخراردیبهشت‌ماه ۱۳۱۹ ساعت ۱۰ درسایه درحرارت ۲۷ودرجه بخار درحدود ۷۷ درجه بوده بااین‌مقایسه‌ملاحظه میکنیم چه ازگرما وچه از لحاظ بخار خیلی معتدل‌وبهتر از آب وهوای سایر بنادر میباشد .

ابنیه و ساختمانهای بندر :

در بندر جاسك اهالی ساختمانهای مهم و قابل توجهی دارا نمی باشند و فقط ساختمانهای‌موجوده عبارت است از بعضی ساختما نهای خیلی پست کوچك گلی که هر یك شامل دو اطاق است دراین بندرگاه یك دوقلعه ازطرف اهالی ساخته شده که نسبتاً خوب بزرگ و از لحاظ سکونت برای یك گروهان دارای محل مکفی است .

ـ چون خط هوائی هلندی وفرانسوی از بندر عبور میکنند لذا ساختمانهائی برای مسافرین ازطرف بنگاه منظور دراین بندرگاه جهت مهمانخانه آسایشگاه تهیه گردیده است که درایام ورود طیارات باز میگردد.

ـ گذشته از ابنیه مندرجه بالا یك سری ساختمانهای خیلی زیادی از ۸۰ سال قبل انگلیسها از لحاظ نظامی بشرح زیر تاسیس نموده اند.

ـ سرباز خانه ها که برای اسپیارد و قسمت نظامی تهیه شده وقسمتی از آن در شرف خراب شدن میباشد وشاید درمدت قلیلی محوخواهد شد.

ـ ساختمانهای مربوطه به تلگراف خانه چون کابل انگلیسها سابقا از چاه بهار به جاسك آمده و از این محل بطرف مسقط میرفت لذا در این محل ساختمانهائی تهیه نموده اندکه در آن وسائل لازمه از لحاظ بکار انداختن خط وسائل راحتی‌کارکنان تلگرافخانه تهیه‌گردیده و حتی یکسری اکمولاتور والناژه ۳۰ ولت برای مصرف وتهیه برق وجود داشته است.

کابل را انگلیسها در این بندر قطع نموده ولی تصور نمیرود کابل را جمع‌آوری نموده باشند و شاید بوسیله اشخاص مطلع و با سابقه میتوان مجدداً در صورت لزوم متصل و ارتباط مستقیم بین جاسك ومسقط را برقرار کرد.

علاوه براین‌ساختمانها کهاکثر قدیمی واز آثار انگلیسها است ابنیه‌جدید دیگری ملاحظه نمیشود.

ارتباط موجوده ـ فعلا در این بندرگاه یکدستگاه بی‌سیم‌مخصوص برای‌مخابرات هوائی و یکدستگاه برای مخابره با بی‌سیم پهلوی دائر است.

ـ خطوط مواصلات ـ فعلا بهیچوجه جاده ارتباطی بین این بندرگاه و نقاط مجاور داخله وجود ندارد ـ ولی طبق تحقیقاتی که در محل بعمل آمده و کسب اطلاع از اشخاص با سابقه که‌کراراً عبور نموده‌اند اراضی کرانه بین جاسك ـ چاه‌بهار

از طرف خاور و جاسك و بندر عباس ازطرف باختر بکلی صاف وفقط بعضی بریدگی ها در بین راه است که میتوان با مخارج مختصری تسطیح نموده و فقط احتیاج به یك تعدادی پل روی رودخانه ها و بریدگیهای بین راه است.

راه بطرف داخله بایستی ازاراضی نسبتا بلند و مرتفعی گذشته و بطرف دشتیاری برود این راه فعلا برای پیاده قابل استفاده است

وضعیت بندرگاه از لحاظ نظامی

چون بندر جاسك در روی محوری واقع نشده و خط ارتباطی از آن بطرف داخله کشور ممتد نمیشود. لذا دارای ارزش فوق العاده ای از لحاظ کشور محسوب نشده و خود بندرگاه نیز دارای اهمیت اقتصادی نیست فقط سکنه کم و تعدادی ابنیه در آن یافت میشود ولی چون ممکن است ستو نهای کوچکی برای رسوخ بطرف دشت یاری این محل را مورد استفاده خود قرار دهند لذا بررسی دفاع این منطقه قابل توجه و شاید بی فایده نمیباشد.

برای بررسی دفاع بندرگاه آرایشی را که انگلیسها درموقع استقرار دارا بوده و آثارش باقی است قابل توجه میباشد .

انگلیسها در موقع استقرار در این بندرگاه چون خطرات وارده رااز تمام جهات برای خود قائل بودند چه ازطرف دریا وچه از طرف خشکی لذا دردوران جزیره سنگرهائی که بعضی یك رشته بوده است تهیه کرده و بدین قسم محلهائی برای سلاح های خودکار خود بطرف دریا تهیه نموده اند .

از طرف داخل که بطرف خور منتهی میشود و بمسافت ۸۰۰ متر بیش نیست سنگر هائی برای چند دسته تهیه و یکرشته سیم خاردار روی پایه های آهنی تهیه وجلوی آن نصب گردیده .

در روی رشته تپه های باختری که دارای دید و تیر ممتدی بطرف دریا است

چند محل و پایه سمنتی تهیه و در روی این پایه های سمنتی صفحه های آهنی بطول سه متر و عرض یك متر که دارای قطر کافی است قرار داده شد.

طبیعی است این آرایش مربوط به نظریه وفکر آنروز انگلیسها بوده است که با یك گردان و تعدادی مسلسل آرایشی برای دفاع بندرگاه در نظر گرفته اند

امروزه برای دفاع جاسك بایستی نکات زیر را در نظر داشت

۱ ـ تمام کرانه شبه جزیره‌جاسك برای پیاده شدن قوای مستعد و حاضر بوده و هر قوای بسهولت میتواند بکرانه دست یابد کشتیهای ۲ تا ۳ هزار تنی ناچاراً بایستی‌در ۳ کیلو متر الی ۱۵۰۰ متری کرانه لنگر اندارد.

۲ ـ دفاع جاسك بابستی مثل دفاعی که انگلیسها نموده اند بمناسبت موقعیت و وضعیت خودجزیره دفاع کامل ازتمام اطراف بندر باشدیعنی خودشبه جزیره تاحد خور زیرا پیاده کردن و دست یابی از هر طرف باین بندر مقدور است.

ارزش نظامی جاسك ـ این بندرگاه ازلحاظ مراقبت دهانه خلیج وعمل درمقابل مسقطو کرانه های عمان جای بسیار مناسبی بوده وبرای زیر دریائیها و طیارات مرکز بسیارخوبی محسوب‌میشود

گواتر

این محل آخرین نقطه ومنطقه کشور شاهنشاهی است ـ این محل در داخله یك خلیجی واقع گردیده که باسم خلیج گواتر معروف است عرض این خلیج در حدود۱۶ وعمق آن در حدود ۷ میل دریائی است در دهانه خلیج بطرف باختر ۲ تخته سنگی در دریا ملاحظه میگردد که ریشه آن کم عمق و مزاحم حرکت کشتیها میباشد.

در داخله این خلیج در طرف باختر وقدری‌در داخل گواتر ایران واقع گردیده در طرف خاور خلیج بندر جنوری است که جدیداً شروع به‌ساختمان وتهیه ان گردیده.

در وسط این دوقسمت وازجناح خاوری گواتر ایران یکرشته جنگلهای گز که

بارتفاع ۲ الی ٤ متر است شروع میگردد که تمام کرانه‌را بطرف جنوری فرا گرفته و حتی بطرف داخل هم امتداد دارد .

در وسط این خلیج قدری هم منحرف بطرف خاور رودخانه دشتیاری که از دشتیاری و ارتفاعات داخلی سر چشمه گرفته است جریان دارد این رود خانه در مصب خود پراب ودارای عمق کافی نیز میباشد در سمت باختر این رودخانه خورگواترواقع است که عمق آن نسبتاً زیاد و عرض آن در موقع مجزا شدن از خلیج در حدود ۲۰۰ متر است .

در طرف گواتر ایران و بطرف کرانه یك رشته ارتفاعات کوتاهی که با شیب خیلی ملایم ادامه و در مجاورت کرانه است بنظر میرسد که هر قدر بطرف گواتر برویم این ارتفاعات کمتر خواهد شد ولی بعد این ارتفاعات بالا رفته ودر عقب‌جنوری و دماغه خاوری خلیج مرتفع شده و از ارتفاعات جنوبی خلیج مرتفع تر بنظرمیرسد .

گواتر ـ گواتر ایران فعلا بهیچوجه دارای سکنه نیست و جز پاسگاه امنیه که در آن محل است دیگر کسی ملاحظه نمیگردد ولی قبرستان بزرك این محل مهمترین علامت جهت‌ارائه سکنه قبلی این‌منطقه میباشد که بواسطه وقایع جریانات سابق‌مجبور به ترك این منطقه شده اند .

چند ساختمان سفید رنك ازدور ملاحظه میگردد که یکی مسجد ـ یکی بنای گمرك و یکی پاسگاه امنیه است غیر از این چند بنا ساختمان دیگری وجود ندارد و سکنه این محل زیر کپر زندگانی مینمودند که پس از هجرت خراب و بکلی از بین رفته است.

کرانه این خلیج آنچه بطرف خور وروذخانه است بکلی خاکی ولی قسمتی که بطرف باختر است سنگی است خودمنطقه درنزدیکی کرانه قدری مرتفع است‌بطوریکه مسجد و قبرستان گواتر در روی مرتفع ترین نقاط آن واقع گردیده است ولی از این محل بطرف شمال هر قدر پیش میرود پائین رفته و با شیب ملایمی بطرف زندانی و

دشتیاری امتداد مییابد و در اطراف گواتر در ۱۲ کیلومتری پسا بندر واقع شده که در کرانه و دارای ۶۰ خانوار زندگانی اهالی آن از صید ماهی میگذرد .

در ۴۰ کیلو متری‌شمال باختری این محل آبادی زندان که دارای ۲۰۰خانوار است واقع شده که از آنجا معابری بطرف دشتیاری ـ باهو کلات ـ امتداد مییابد این مناطق بخصوص راه بطرف دشتیاری پوشیده از جنگل های گز نخلستانهای زیاد است .

فعلا این بندرگاه با هیچیك از نقاط دارای ارتباطی نیست چه بهیچوجه کشتی یا قایقی از این محل عبور نمینماید .

تلفن وتلگرافی دراین‌محل وجود ندارد ـ و پاسگاه این‌محل حتی برای‌احتیاجات خود ناچار است به پسا بندر یا زندان مراجعه نمایند بهمین مناسبت وضعیت کنونی این منطقه قابل توجه نبوده و تا وقتی خالی از سکنه است نمیتوان اهمیتی برای آن چه از لحاظ نظامی و چه اقتصادی قائل شد وفقط ازلحاظ بودن در کنار مرز و مجاورت‌بندر جنوری مورد دقت است

چاه بهار

بندر چاه بهاریکی از بهترین بنادر کرانه جنوب کشور شاهنشاهی‌محسوب‌شده واز هرلحاظ‌موقعیت‌مناسب وخوبی را برای ترقی وتوسعه خود دارا میباشدوبطوراختصار میتوان بدلائل‌زیر اهمیت این بندرگاه را در نظر مجسم ساخت .

۱ ـ در کرانه جنوبی ایران بنادر داخلی خلیج با آنکه نزدیك تر بداخله فلات و کشور بوده ومسافت آنها در حدود ثلث مسافت این بندرگاه تاطهران و نقاط حساس داخلی است معهذا ملاحظه میکنیم در داخل یك‌دریای بسته واقع شده اند که درصورت ممانعت دخول در خلیج بیکی از جهات عدیده ملاحظه خواهد شد که آزادی تامی برای

ارتباط با کشور های جهان در دست نخواهد ماند خاصه آنکه از چندی قبل باین طرف در رأس موز اندام ساختمانهائی شده و باتهیه این مبدأ جدید دریائی مخرج خلیج را باز تاحدی تحت نظر واختیار قرار داده اند و با این مبدأ جدید مدخل خلیج همیشه ممکن است تحت کنترول و باز رسی قرار گیرد پس این ازادی و ان استقلال واقعی که از یك بندرگاه انتظار میرود این بنادر دارا نخواهد بود در صورتیکه چاه بهار رو بطرف اقیانوس هند ودر یك منطقه کاملا بازی واقع شده که بهیچوجه مسدود کردن یا تهدید ارتباط ان مثل بنادر داخله خلیج فارس مقدور نخواهد بودواز همین رو ازلحاظ ازادی عمل میتوان این بندر گاه و بندر جاسك را ازاد ترین بنادر کشور شاهنشاهی در نظر گرفت .

۲ ـ بندرچاه بهار درداخله خلیجی واقع شده است که عرض آن درحدود ۶۰ میل و طول آن در ۴۰ میل عمق آب در نقاط مختلف کاملا مکفی و در حقیقت یك بندر حاضر برای تهیه وترقی میباشد بطوریکه فعلا دراین کرانه کشتیهای بزرك میتوانند تا بیك کیلومتر ونیمی کرانه نزدیکتر گردند بدیهی است با عمق کنی وشن برداری خیلی بخوبی ممکن است بندرخوب وآزادی که دارای ارزش کاملی باشد تهیه کرد .

۳ ـ این خلیج بواسطه وسعت زیاد خود یك محل تمرکز خوبی برای ناو های نظامی ومخازن خواهد بود .

۴ ـ ازلحاظ ترانزیت وورود اجناس به کشور شاهنشاهی بهترین نقاط محسوب شده مخصوص برای عبور مال‌التجاره کشوری مثل افغانستان که‌فاقد کوچکترین ارتباط دریائی است و مجبوراً مال التجاره این کشور بطریق ترانزیت بایستی عبورکند بهترین وسیله مطمئن وبی‌اندازه قابل استفاده خواهد بود وممکن است تمام هزینه که برای تهیه ومرتب کردن این بندرصرف شود دراولین سال افتتاح خود تامین کرده و بدهد .

۵ ـ با اقدامات اخیر انگلیسها در تهیه بندرجنوری که در کرانه مکران از چندی ماه قبل شروع شده تهیه وساختمان بندرچاه بهار خیلی مهم و قابل توجه خواهد بود چه

این بندراز لحاظ نظامی یك مبنای خوبی برای سوق قواباشد این بندر بوسیله راه شوسه موازی بامرز باراه آهن کویته به نوکندی متصل میباشد .

باضافه ممکن است از لحاظ عبور کالای افغانستان باسم ترانزیت استفاده شده بکاررود درهرحال باتوجهی که فعلا به ساختمان این بندرگاه شده با آنکه دارای تمام مزایای بندرچاه بهار نیست چه از لحاظ دارا بودن یك بندرگاه نظامی مستعد و چه ازلحاظ تهیه یك بندرگاه برای مقابله ومبادله بندرچاه بهار ازهرلحاظ خوب خواهدبود ایجاد این بندرمارا ازتجارت ترانزیت ازراه هندوستان و بنادرمربوطه بی نیاز میسازد مخصرص برای قسمت خاوری ایران .

٦ ـ گذشته از جنبه نظامی این بندرگاه بواسطه وجود ماهی‌های مرغوب وخوب خود که یك قسم ماهی ساردین معروف است دارای یك بازار خوبی برای تهیه وتوسعه شیلات بوده ومیتوان باتوجه مختصری شیلات نا مرتب فعلی این بندرگاه را به یك شیلات مهم وقابل توجهی برای صادرات ماهیهای معروف تبدیل کرد .

بطور کلی خلیج چاه بهار سالم ترین نقاط خلیج فارس و بیشتر از سایر بنادر کشتی به کرانه نزدیك میشود ـ اراضی عمان و رأس کوه واقع در جنوب باختری از وزش باد های موسمی بطرف چاه بهار جلو گیری بعمل میاورد در جنوب خاوری چاه بهار یك موج شکن طبیعی بشکل یك تخته سنك وجود دارد .

موقعیت نظامی بندرگاه

ـ بطوریکه ضمن بررسی زمین ملاحظه‌میشودخودبندر چاه بهار از لحاظ دفاع دارای موقعیت خوبی نخواهد بود .

در کر انه چاه بهار چیزی که بنظر میرسد آثار خرابه های قدیمی است که در محل به اسم قلعه نادری خوانده شده ولی از بقا یای ساختمان معلوم شد از بناهای ساختماتهای پرتقالی ها است که گذشته از تهیه قلعه در تیس محلی در داخله قلعه در

روی یك تپه‌ودو منار بلند تهیه نموده اند که معلوم میشود برای دیدبانی و مراقبت بوده است طبق این آثار تاریخی و سایر شواهدی که در دست است ملاحظه میگردد در سوابق ایام بندر تیس بیشتر از چاه بهار بواسطه محفوظ بودن اهمیت داشته ومورد دقت بوده است امروزه هم بطوریکه ضمن بررسی ملاحظه میشود اگر تیس دارای عمق مکفی برای نزدیك شدن کشتیها باشد از چاه بهار خیلی محفوظ تر و برای بندرگاه شاید مرغوب و با ارزش تر باشد چه چاه بهار درست سر دماغه واقع و از دو جناح همیشه مورد تهدید واقع خواهد شد و باضافه خط ارتفاعات کهاولین مواضع را بطرف کرانه تهیه کرده است ٤ کیلو متر دور تر واقع شده است و در خود چاه بهار در مجاورت کرانه جز یك دو رشته تپه که بیش از یك تا دو متر ارتفاع ندارد وجود ندارد .

پس بطور کلی ازلحاظ بندرگاه بندر تیس شاید محفوظ تر از چاه بهار باشد ولی دفاع داخل خلیج بواسطه چاه بهار بایستی تأمین گردد که بواسطه مساعد نبودن کرانه احتیاج به یك آرایش زمینی ویك استحکامات محلی دارا خواهد بود .

اقدامات لازمه برای ترقی و عمران چاه بهار

۱ - در درجه یکم تهیه یك راه خوب قابل استفاده برای چاه بهار ، چه راه فعلی چاه بهار بر عکس راه های مکران مرزی و سراوان جز یك قسمت مختصر آن که در بیابان و نقاط خطرناك (شن روان) واقع شده همیشه از نزدیك ومجاورت آبادیها گذشته و در همه جا میتوان آب بدست آورد .

ولی این راه‌از داخله‌تنگه‌ها ومسیررودخانه‌هائی عبور کرده که اکثر درزمستان و مواقع بهار بواسطه طغیان بکلی مسدود شده و عبور و مرور مقدور نیست پس در اولین درجه اهمیت تهیه یك راه اساسی پر عرض برای این منطقه لازم خواهدبود چه در جاده فعلی حرکت بسرعت مقدور نبوده و بواسطه عبور ازبستر رودخانه ها و تنگه ها نیز اکثر مسدود خواهد بود .

۳ ـ گذشته از راه اصلی که بطرف ایرانشهر ممتد میشود تهیه راه گواتر وجاسك که راههای کرانه است جهت در نظر گرفتن دفاع کرانه خیلی مهم و قابل توجه است و طبق تحقیقاتی که در محل شده تهیه و ساختمان این جاده‌ها بواسطه مسطح بودن کرانه عدم وجود موانع مهمی آنقدر ها مصادف با اشکالات نخواهد شد.

ــ تهیه بندرگاه و اسکله مخصوصی برای پذیرفتن کشتیها که فعلا وسیله نیست.

ــ بالاخره آماده کردن دفاع کرانه.

بعضی توضیحات راجع به چاه بهار

جمعیت ـ ۲ هزار نفر مذهب سنی حنفی وهمه بلوچ ودر حدود یکصد نفر از سیاه های زنگباری وجود دارد اهالی خیلی تنبل عموما بی سواد و شغل آن ها ماهی گیری است.

کار خانجات ندارد.

صنایع محلی ـ حصیر بافی

محصول در خود چاه‌بهار وجود ندارد و دردشتیاری که‌از ۲٤ کیلومتری شروع میشود زرت ماش عدس جوکمی گندم هندوانه خربوزه پنبه.

اغنام واحشام ـ درحدود دویست‌گاو و پانصدگوسفند و بز ولی بواسطه نبودن علف لاغر وشیر مکفی نداشته واغلب صاحبان‌آنها به حیوانات پنبه‌دانه وخرمامیدهند.

وسائط نقلیه ـ وسائط نقلیه منحصر فقط بشتر میباشد.

راههای مهم عمده ـ راه اتومبیل رو فقط منحصر بجاده نیك شهر و ایران شهر میباشد راه دشتیاری که فعلا پیاده رواست اگر گردنه نیل جزئی مرمت شود تا مرکز دشتیاری اتومبیل رو میباشد ـ راه پیاده رو کرانه بطرف جاسك که فقط در عرض راه تا جاسك به چندین تپه شنی ومختصر ارتفاعات و مسیل هائی که اغلب دارای درخت میباشند برمیخورد اگر مرمت بشود قابل اتومبیل رانی است راه‌کرانه ازسریس

تا گواتر این راه هم باجزئی تعمیر اتومبیل رو میباشد .

فرودگاه طیارات انگلیسهای سابق در چاه بهار بوده فعلا متروك ولی فرودگاه جاسك كه دارای موقعیت بسیار مناسبی است فرودگاه طیارات فرانسوی و هلندی و اغلب طیارات میباشد .

کشتیهائی که وارد این بندر میشوند ـ دو دسته هستند یکدسته از کراچی به چاه بهار بعداً به مسقط و بندر عباس وسایر بنادر دسته‌دیگر از کراچی به مسقط و جاسك و بندر عباس و سایر بنادر که هر پانزده روز یکمرتبه وارد می شود و در مقابل صادرات ماهی برنج اجناس خرازی الات وسایر چیزها نیز وارد میکنند کشتیهای سه‌هزارتنی تایك کیلو متر ونیم بکرانه نزدیك میشوند .

یك ساختمان تلگرافخانه انگلیسها میباشد که ۸۰ سال قبل ساخته شده ودرمحل دیده میشوند

مخازن مهمه ـ فقط انبار شرکت نفط میباشد .

کارهای لازم برای آبادی محل ـ ایجاد قنوات ـ احداث راههای اتومبیل رو دشتیاری تا مرز تا با هوکلات و خط کرانه تا گواتر و جاسك ـ

آب و هوا و رودخانه های مهمه ـ آب وهوا مرطوب بهار وتابستان وماه اول پائیز گرم‌وفوق‌العاده مرطوب وبقیه سال‌هوا معتدل‌رود خانه ها آب‌دائمی ندارند ودر مواقع‌بارندگی‌مسیلها دارای آب میباشند رودخانهای مهم عبارتند ازرود باهوکلات که از کوههای‌سربازسرچشمه میگیرد رود کاجودشتیاری که از کوههای قصر قندسرچشمه میگیرد رودهای کالك ورابچ که از کوههای بنت سر چشمه میگیرد باران دردی وبهمن واسفندبطور رگبارهای شدیدوبرف وجودندارد .

۱ ـ کرانه های مکران از گواترتاجاسك بهیچ وجه بریده نبوده ودر اغلب نقاط کرانه میتوان از ناوهای جنگی و غیر جنگی عده پیاده نمود .

۲ - تلگراف زیردریائی هند واروپ که ازهند ومسقط متصل بود درچهارسال قبل بوسیله انگلیسها جمع آوری شده است .

۳ - درچاه بهار کشتیها که دارای ٦ متر آب میباشند تا دو کیلو متر میتوانند نزدیك ساحل بشوند خلیج سمت چپ چاه بهار ٦٠ کیلومتر میباشد .

٤ - تعدادقایق شراع داراز ده تجاوز نمیکند وگنجایش بیش از ٦٠ نفررا ندارند .

٥ - قایق متوسط گنجایش بیست نفر زیاد تر ندارد .

٦ - سکنه متجاوز از دوهزار نمیباشد ابداً دارای باغات و نخلستان نبوده فقط معدودی درختهای جنگلی ازقبیل تمرهندی - کنار - لور - انجیرهندی - نخل وچند عدد درخت نار کیل وچندعدد درخت انبه درخانه‌ها وجوددارد .

صادرات فقط پنبه بداخله کشور - گاهی بخارجه میباشد .

وضعیت نظامی بندرگاه

بطوریکه ملاحظه شد برای دفاع خلیج چاه بهار در دست داشتن دو پیشرفتگی خاك در دماغه های طرفین چاه بهار که در یکی از آنها ارتفاعات کنارك دیده میشود خیلی مهم وقابل توجه است

چون رشته ارتفاعات عقب چاه بهار پس از یك دائره بزرگی در ۲۰ کیلو متری چاه بهار بدریا خاتمه مییابد لذا امکان دور زدن چاه بهار از طریق خاور ممکن است رخ دهد .

بدون در دست داشتن ارتفاعات کنارك دفاع چاه بهار ودردست داشتن چاه بهار عملی مشکل و بدون نتیجه خواهد بود .

اطلاعات کاملتری راجع به ارزش بنادر مکران

برای آن که راجع به بنادر مکران اطلاعات کاملتری که از لحاظ نظامی مورد استفاده باشد داده‌شود شرحی راجع به‌وضعیت خلیج‌ها وضعیت آب مشروب داخلی این

نقاط درج میشود .

بنادر عمده مکران جاسك چاه بهار تیس گواتر و کلاك هستند .

جاسك ـ دارای دو لنگرگاه است خاوری و باختری که در مقابل هر دو بناء تلگرافخانه ظاهر است کشتیهای بزرك معمولا در خلیج باختری یك میل و نیمی لنگر میافکنند ـ و قایق ها در مواقع طوفان در خلیج خاوری توقف مینمایند زیرا طوفان از طرف باختر جاسك بلند میشود و در نیم میلی کرانه میایستند که در موقع خطرات به کرانه برده شوند .

کرانه ـ جاسك دارای پست و بلندی واراضی آن شنزار است یك قسمت مرداب یا لجن زار در اراضی پست خود جاسك وجود دارد یك چراغ کوچکی برای روشنائی که تا هفت میل در دریا دیده میشود در ۱۹۲۰ ساخته شده و عقب آن بنای تلگرافخانه واقع است جز رو مد دریا فوق العاده بالا میآید که با کشتی میتوان بکرانه پیاده شد بارتفاع ۹ پا جز رومد داشته و جریانهای ممتد خطرناکی ندارد .

قوای نظامی در هوای خوب میتوانند در هر نقطه کرانه در خلیج پیاده شوند ولی برای قسمت حمل و نقل و بار باید در یك یا دومیلی تلگرافخانه بکرانه آورده‌شود پیاده نمودن در خلج باختری بواسطه بادهای شدید که‌از شمال باختری به جنوب‌باختری وزیده میشود وامواج شدید دریاقابل احتیاط است بعداز ظهر‌ها این بادشدت داردولی معمولا از ماه مهر تا ماه اسفند ادامه دارد شغل عمده اهالی قایق رانی و چندقایق بزرك شراع دار است این قایق ها ٦ رقم است که از ۱۸ الی ۲۸ تن باگیری داشته‌ومتعلق به‌بندر است.

احشام شتر و اسب از کشتی بکرانه یا از کرانه به کشتی از آب میروند و وسایل ولوازمات ساختن یك لنگرگاه کوچکی برای ایستگاه قایقها نیز وجود‌ندارد ـ یك قلعه کهنه که دارای ۲٤ اطاق است وجود دارد قلعه واقع شده است در ۵۰

متری خلیج عمارت تلگرافخانه دارای ۱۸ اطاق بزرگ است بطول ۳۲ پا در ۱۰ پا و ٦ اطاق کوچکتر بطول ۳۲ پا در ۸ پا در ۳۰۵ متری و ٤۰۰ متری خلیج - یك مکان مسطحی در نزدیکی خاور تلگرافخانه برای بار انداز تهیه شده خاك آنجا سفت است غیر از مواقع بارندگی - علوفه در آن حدود تا مسافت های زیادی وجود ندارد. تلگرافخانه هند و اروپ موقعیت مهمی سابقاً دارا بوده چه مربوط بود با مسقط - در نزدیکی جنوب خاوری تلگرافخانه به کابل دریااتصال پیدا مینمود - بهمین‌مناسبت درآنجا یك لنگرگاه مخصوصی است که درروی لوحه ای نوشته شده‌است - کشتیهادرآن مکان‌نباید لنگر انداخته‌یاعبور نمایند .

آب مشروب ازچاه کشیده میشود در نزدیکی بناء تلگرافخانه سه برکه بزرگ موجود است که در مواقع بارندگی آب جمع میشود .

یك چاه متعلق به تلگرافخانه در ۳/٤ میل فاصله حفر شده‌در همان نزدیکی یك چاه دیگر احداث شده‌است که ارتباط با آن چاه‌دارد سه برکه‌بزرگ که در آنجا موجود است بایستی از آب باران سال قبل انبار شده باشد .

آب گوارای خوب جهت ۲۰۰ سرباز برای یك هفته دریك چاهی که واقع در ۱ میلی خلیج است پیدا میباشد .

ده جاسك عبارت است از ۲۸ خانهای کوچك‌سنگی و۷۵خانه چوبی حصیری

در فصل زمستان مرض مالاریا زیاد است طوفان های ریگی فوق العاده زیاد است - درحرارت گرما درسه ماه تیر - مرداد - شهریور۹٦درجه است میزان‌بارندگی در سال ٤½ انج است قریه جاسك قدیم قریب ده میل فاصله در شمال جاسك جدید است - این قریه دارای ٦۰ خانه سنگی و گلی است اهالی این جا به تعداد ۵۰۰ نفر باوچ و سیاه هستند که شغل آنها زراعت و ماهی گیری است جاسك قدیم راه عبور به‌داخله است .

چاه بهار

لنگر انداختن کشتیها در چاه بهاردر موقع تلاطم ووزیدن بادهای جنوبی دریا خطرناك است ـ کشتیهائی که دارای ۲۰ پا عمق آب دریا هستند میتوانند در هوای آرام در دومیل فاصله از کرانه خلیج لنگر بیندازند مسافت دور خلیج تا چاه بهار ۷۲ میل است در موقع وزیدن بادها تلاطم آب دریا کشتیهای بزرگ باید بیش از یك میل مسافت لنگر افکنند ـ برای دخول به خلیج چاه بهار سدی نیست که از باد محفوظ بدارد ـ کرانه جنوبی که چاه بهار واقع است سنگی و بریدگی هائی از سنك دیده میشود بارتفاع ۱۰ الی ۵۰ پا کرانه شمالی شنزار و طول آن متفاوت از ۱۰ تا ۵۰پا ارتفاع دارد ـ آبهای شمالی خلیج کم عمق هستند باستثناء یك مسافت ۸۰۰ متری طرف مخالف چاه بهار نقطه ایکه در آنجا کشتیهائی که ٦ پا بیشتر عمق ندارند میتوانند تا بیست ذرعی کنار کرانه نزدیك شوند در موقع جزر دریا (کمی آب) امواج درموقع تلاطم دریا درکنار خلیج خطرناك نیستند و قایق یا کشتی‌های کوچك میتوانند بدون زحمت پیاده کنند حمل و نقل بارگیری از کشتیهای تجارتی در مواقع وزش بادها غیر ممکن است جریان آب تندی وجود ندارد ـ ارتفاع جزر و مد دریا قریب ۹ پا میشود یك چراغ تأمین بارتفاع ده پا ازبالای پشت بام دفتر تلگرافخانه روشن و تا مسافت ٥ میل‌در دریا مشاهده میشود ـ

ـ برای پیاده شدن سهل ترین نقاط ۸۰۰ متری مسافت قسمت لنگر گاه خط مخالف قریه است آنجا وسائل لازمه موجود نیست ولی بوسیله لنگر ممکن است در ۸۰۰ متری باختر عمارت‌تلگراف‌خانه محلی‌برای فرود آمدن تهیه نمود

چاه‌بهار مهمترین بندر تجارتی‌کرانه مکران‌محسوب‌میشود بواسطه مرکزیت‌داشتن محل ورودی اجناس خارجه برای داخله همچنین که برای‌بنادر کوچکی که بین جاسك

ہوگواتر واقع شده اند ـ منظره چاه بهار مربع‌است اطراف آن تامسافت ۵۰۰ متر خانه های سنگی و گلی ساخته شده است طرف جنوب باختری شهر بنا ها تا مسافت ۱۰ الی ۲۰ متر موازی با کرانه است ـ بنای تلگرافخانه از سنگ مخصوص ساخته شده‌و بفاصله ۳/٤ میل بطرف جنوب شهر و ۱/٤ میل دور از فرودگاه کرانه واقع است زمین‌مسطح خوبی برای بار انداز اردوگاه در قسمت شمالی عمارت تلگرافخانه تهیه شده است ـ هوا همیشه خوب و معتدل است غیر از دو ماه خرداد ـ تیر که در این موقع طوفان جنوب باختری هوا را فوق العاده گرم و غیر قابل تحمل مینماید در اینصورت گرما بدتر از جاسك و خود خلیج خواهد بود ـ امراض عمده مالاریا و اسهال خونی است ـ بارانهای خیلی شدیدی از آذر تا ماه بهمن نازل میشوند ـ میزان بارندگی در سال تقریباً ٤ و ۵ است ـ سه چاه آب وجود دارد یکی در خود شهر و دو چاه دیگر در نیم میلی شهر در یك‌باغی واقع‌است یك‌چاه تعلق به‌تلگرافخانه دارد که بوسیله تلمبه دریك برکه‌عملی شده واز آنجا بوسیله لوله به تلگرافخانه جاریست ـ یك‌چاه‌دیگر بپادگان شهر داده شده است که آب آنرا بوسیله قاطر حمل نموده و در سه (تانك) که هر يك گنجایش ٤۰۰ لیتر را دارد انبار و مصرف مینماید ـ هر سه چاه زود آب تولید و فرو میرود ـ و مقدارش برای مصرف يك گردان تکافو مینماید ـ چاههای دیگر هستند که آبش شور و برای مصرف اهالی شهر کفایت نمینماید .
۱½ میل درداخل‌خاك وواقع دردره‌ای بطرف تپه‌های‌کنار کرانه ـ بفاصله کمی‌در شمال خاوری قلعه يك‌مقبره سفیدی است که گلدسته‌آن ازدور علامت قشنگی‌است دردریا ـ صادرات عمده روغن و پنبه وجو خیلی اعلا است که آنهم بواسطه خشك سالی‌های اخیر کم شده است‌وارداتش پارچه ـ ابریشم ـ و خوراکی است .

کشتی کمپانی که بین بمبئی و بصره کار میکند در پانزده روز یکمرتبه برای دریافت پست بآنجا وارد میشود .

تیس

یك دهکده کوچکی است دارای پانزده الی بیست خانه حصیری که محل سکونت ماهی گیری ها است - تیز واقع است در دهنه دریائی در شمال جلگه که تپه های زیادی بین آن وچاه بهار بمسافت ۳۱½ میل واقع شده است در مواقع ضروری و احتیاج یك مبنا عملیاتی خوبی خواهد بود در مواقع آرامش دریا کشتی‌ها میتوانند به تعداد زیادی در دو میلی کرانه آن لنگر بیفکنند کرانه بین چاه بهار و نقطه بندر تیس بواسطه خاتمه یافتن جلگه در نقطه تیس این جلگه که در تمام کرانه به ارتفاعات قریب ۱۵۰ پا مشاهده میشود در نقطه تپه و تیس دارای نشیب کمی است تا آب دریا و کرانه آنجا شنزار و از همان نقطه تشکیل دره ئی میدهد بداخل خاك که در شمال بندر تیس واقع میگردد بندر تیس فقط برای ورود آذوقه مناسب است دارای ۳/٤ میل طول و ۱۰۰ ذرع عرض است که بمرور سرازیر شده تا آب دریا ساحلش شنزار و سهل است برای فرود آمدن - کشتی هائیکه دارای پنج پا عمق در آب هستند میتوانند تا بیست متری ساحل نزدیك شوند - وسائل راحت پیاده و سوار شدن فراهم نیست ولی ممکن است بواسطه سنك زیادی که در نزدیکی است محلی تهیه شود - آب شیرین ازسه چاهی که درعمق رودخانه حفر شده است بدست میآید چاههای دیگری میتوان حفر نمود .

گواتر

قریه و دهنه رودخانه دشتیاری چپل درخاك ایران است ولی بندر مخصوص ندارد خطوط عبور و مرور کم عمق و نا مناسب برای کشتیهای بزرك است در دو میلی کرانه چهار محل برای لنگر گاه کشتیها تعیین شده است - ساکنین متعلق به طائفه مائید بوده اند

گلدك

ده کوچکی است دارای پا زده خانوار ماهی گیر در خانهای حصیری واقع در

خاور شعبه خاوری مصب رودخانه راپچ بمسافت ۷۰۰ متر از دهنه رودخانه ـ لنگرگاه در سه میلی از کرانه ده تعیین شده است پنج کشتی بادی ۲۰ تنی برای تجارت با مسقط قشم وسایر نقاط موجود ـ یك زمین خوبی برای پیاده شدن درسمت خاوردهنه رودخانه تهیه شده است اشخاص میتوانند بدون اینکه به آب بزنند پیاده شوند کشتیهای شراع دار بادی میتوانند در موقع اواسط بالا آمدن آب دریا (مد) داخل شوند .

در موقع امواج زیاد دریا بهترین محل فرود آمدن در $1\frac{1}{2}$ میل خاور دهنه است و در موقع تلاطم زیاد دریا پیاده شدن مشکل است .

آب انبار های کم عمق که از آب باران تولید و حفر میشود خوب است ولی در اکثر کم بوده است یك نخلستان کوچکی در نزدیکی دهاست ولی اهالی بایستی از ماهی گذران نمایند و چیز دیگری غیراز چند عدد احشام وجود ندارد .

در اطراف چندین خلیج با دهنه های کوچك دیگری هستند که فقط راه عبور و تردد ماهی گیر ها و قاچاقچیان است

فصل هشتم

جاده‌ها و خطوط مواصلات مکران

یك منطقه وسیع و بزرگی مثل مکران باوضعیت خشك نداشتن منابع محلی در اولین درجه احتیاج به معابر وخطوط مواصلات خواهد داشت تا دریك عملیات احتمالی بتواند احتیاجات ارتش رامرتفع ساخته ورسانیدن احتیاجات ولوازمات ارتش راتأمین سازد ـ جاده‌های این منطقه‌در اکثر نقاط درقسمتهای صاف وجلگه گذشته‌و بدیهی‌است بااین طریق تهیه آن دچاراشکالات نشده‌است دراکثر نقاط بمحض برخوردن به‌ارتفاعاتی جاده‌هارا متوجه مسیر رودخانه ها نموده ودرمسافت زیادی از وسط رودخانه‌ها عبور داده اند اکثر این مسیر ها که از داخله رود خانه ها میگذرد شاید ۱۰ تا۲۰ کیلو متر وحتی در بعضی نقاط خیلی‌بیشتر خواهد بود ـ جز درمحل دخول وخروج ازاین‌مسیرها دربین‌راه بهیچوجه معابر ونقاطی برای خروج از رودخانه‌ها بواسطه بلندی دیوارهای طرفین نیست وناچاراً ازبدوورود تاخروج خودرو‌دریك دالان تنگی بایستی‌راهپیمائی کنند که دربعضی نقاط خیلی‌خطرناك ودر بعضی‌نقاط دیگر حتی‌راه برای‌ردشدن‌خودرو نیست خطر دیگری که‌بازممکن‌است درموقع‌خودخیلی مهم وقابل‌توجه واقع گرددموضوع سیل است که اگرغفلتاً باران شدیدی جاری سیلی شروع شود هرگونه وسائلی درداخله این معابر باشد قطعاً و بدون هیچ تردیدی طعمه سیل شده وبدون کوچکترین اقدامی بایستی ازدست داده شود .

ازلحاظ بمباران وخطرهای‌هوائی نیزاین‌دالان‌ها بدترین دام‌محسوب خواهدشد .

حال اگر این وضعیت دربعضی مناطق از قبیل جالق یا کوهك که هنوزجاده های مهم ومرتبی ساخته نشده‌قابل توجه و مورد نظر نباشد ولی در راه چاه‌بهار که معبر

مهمی است ودرخط زاهدان بطرف حرمك خیلی قابل توجه و مورد دقت بایستی قرار گیرد چه خطوط مواصلات بزرگترین احتیاجات این منطقه محسوب شده فقط بوسیله تحرك قسمتهااست که میتوان ضمن اجرای مانور عملیاتی درمقابل اقدامات طرف معمول داشت .

باضافه بعضی معابر و خطوط است که از لحاظ تکمیل احتیا جات مکران خیلی لازم بنظر میرسد درخاتمه نظر به اهمیت مخصوصیکه برای چاه بهار بنظر میرسد تهیه جاده شوسه چاه بهار کهدارای بهترین نتیجه بهره برداری باشد خیلی بموقع وازاحتیاجات اولیه منطقه محسوب میشود چه اتصال این بندرگاه هر قدر از حال به مرکز کشور ونقاط داخلی تأمین شود بهمان اندازه از این بندرگاه بیشتر میتوان استفاده کردهوانتظار داشت برای آنکه فکر کلی نسبت بسرعت اتومبیل رانی در جاده های مکران داده شود تابلوئی کهحاوی مدت لازم برای طی ساعت بین نقاط مکران استپیوست میشود .

سرعت طی مسافات با خود رو سواری متوسط در جاده های مکران

در اردیبهشت ماه ۱۳۱۸

مبدأ و مقصد	مدت لازم برای عبور	ملاحظات
بم به زاهدان	۹ ساعت	شوره‌گز قسمت خیلی حساس وسخت این منطقه است که در مدت ۳ ساعت میتوان عبور کرد
زاهدان به خاش راه شوره گز	٤ »	راه نسبتاً خوب دارای گردنه مهم و قابل توجه نیست
خاش ـ ایرانشهر	۵ »	گردنه کاواندر قسمت حساس جاده است
ایرانشهر ـ نیکشهر	۸$\frac{1}{2}$ »	قسمت حساس شن‌زار مجاور اسپکه است
نیك شهر ـ چاه بهار	٦ »	گردنه های مهمی نیست
ازچاه بهار به جاسك از راه دریا	۱۱ »	
جاسك ـ گواتر	۱۷ »	
گواتر ـ چاه بهار	٤$\frac{1}{2}$ »	
نیك شهر ـ قصرقند	۳ »	
خاش ـ سراوان	٤ »	
سراوان ـ جالق	۳$\frac{1}{2}$ »	
جالق ـ کوهك	۵ »	
کوهك ـ سراوان	۳$\frac{1}{2}$ »	
خاش ـ میر جاوه	۳ »	
میرجاوه ـ زاهدان	۲$\frac{1}{2}$ »	
زاهدان ـ زابل	۵ »	

جاده های مکران

جاده های اتومبیل روی مکران رامیتوان بشرح زیرذکر نمود :

جاده شوسف زاهدان

جاده های زاهدان خاش

جاده‌های ـ نفوذی ـ خاش ایرانشهر چاه بهار

ـ جاده نیك شهر قصر قند

ـ جاده خاش سراوان { کوهك / جالق

ـ جاده های عرضی ـ بین مکران و کرمان ـ از رابم خاش راه‌بم زاهدان

اینك یکایك جاده های نامبرده را تشریح مینمائیم

جاده‌عرضی‌ازشوسف تازاهدان

جاده از نقطه نظر جغرافیائی

شوسف ـ شوسف یك آبادی در ۲۹۷ کیلو متری زاهدان است که دارای پست و تلگراف و پست امنیه و راه میباشد . سکنه در حدود ۳۰ خانوار محصول جو و گندم که برای رفع ـ احتیاج سالیانه اهالی میباشد . طبق‌اظهار ساکنین تعداد حشم موجوده را در حدود چهارصد عدد میتوان تخمین زد .

جاده هائیکه از شوسف میگذرد بشرح پائین تعیین میگردد :

۱ ـ جاده همگانی‌بیرجند به زاهدان.

۲ ـ جاده مال رو که از ارتفاعات سفید خوله بسمت خاور عبور کرده و به آبادی ذغال نصرالدین میرود.

۳ ـ جاده مال رو که از بین ارتفاعات باختری خوری به حنیص میرود.

٤ ـ جاده مال رو که از دامنه جنوبی ارتفاعات خور بطرف نه بندان میرود.

در شوسف انبار های خرابه و عمارت سابق انگلیسها دیده میشود. جاده پس از عبور از آبادی شوسف و طی دو کیلومتر مسافت ازمیان تپه های خاکی واردجلگه مسطح بی آب و علف کاملی میگردد که با شیب ملایم بطرف جنوب کشیده شده هر دوطرف جاده دارای ارتفاعات میباشد. ارتفاعات سمت راست (باختری) عبارت از ارتفاعات خوری که با مسافت ٥ الی ٦ کیلومتری جاده خط‌سیر خودرا تعقیب میکنند دیگر ارتفاعات سمت‌چپ که با دارا بودن مسافت بین ۱۰ الی ۱٥ کیلومتری به خط سیرخود ادامه میدهد.

در دامنه های ارتفاعات باختری آبادی های زیرین از دور دیده میشود.

۱ ـ همند

۲ ـ خونیك بالا

۳ ـ قویات

٤ ـ ابراهیم آباد

٥ ـ اردیا

پس‌از آن جاده به‌آبادی قائم آباد پس‌از طی ۱۰ کیلومتری میرسد.

قائم آباد در ۲۸۷ کیلومتری زاهدان واقع دارای ۱٥ خانوار محصول مختصری از جوو گندم که احتیاجات اهالی را تامین مینماید.

جاده پس‌از خروج از قائم آباد امتداد خودرا بطور مستقیم رو بجنوب در یك جلگه مسطح (صحرای کویر) ـ تعقیب نموده ارتفاعات خوری (سمت راست)رفته

دورتر میشود . ارتفاعات سمت چپ (خاور) تشکیل یك قوسی داده که باسم کوه شاه دزدان نزدیك بجاده میشود که در دامنه آن آبادی خوشاره واقع است که (خانه شرف) نیز نامیده میشود.

خوشاره یاخانه شرف در ۲۶۸ کیلو متری زاهدان و ۱۹ کیلو متری قائم آباد واقع، دارای ۸۰ خانوار سکنه وزراعت گندم و جو در حدود ۲۰۰ خروار، حشم در حدود ۳۰۰ عدد و از نقطه نظر بهره برداری چیزی ندارد . این آبادی دارای انبار هائی است که بوسیله انگلیسها بنا گردیده وضمناً آثار قلعه خرابه قدیمی روی ارتفاعات شاه دزدان دیده میشود .

جاده پس از عبور از خوشاره رو بجنوب خط سیر خود را تعقیب لکن در این مرتبه ارتفاعات سمت چپ بمرور دور شده و ارتفاعات سمت راست بطور قوسی نزدیك میشود که پس ازطی ۹ کیلومتر به قریه خونیك میرسد .

خونیك — خونیك در ۲۵۷ کیلو متری زاهدان واقع که میتوان حد فاصله بین استان هشت و نه محسوب داشت دارای ۵۰ خانوار سکنه زراعتشان گندم وجو میباشد . ارتفاعات خاوری در این محل باسم کوه باران نامیده میشود آثار ساختمان های انگلیس نیز وجود دارد

جاده پس از خروج از خونیك از بین یك رشته تپه ماهورهای (با کم و بیش ارتفاع) که بعمق ٤ کیلو متر گذشته و با عبور از یك گردنه نسبتاً کوچك دفعتاً وارد کویر شده و خط سیر خودرا بطرف جنوب ادامه میدهد (گردنه مزبور از نقطه نظر عملیات تاخیری حائز اهمیت میباشد) در سه کیلو متری این گردنه بریدگی از خاور به باختر بعرض ۲۰ الی ۳۰ کیلومتر بعمق دومتر میباشد .

جاده در اینجا از هر دوطرف محصور بدورشتهٔ کوهستان کم ارتفاع میشود

که در راست جاده بمسافت بین ۵ الی ۸ کیلو متر و در چپ جاده بمسافت از ۳ الی ۵ کیلو متر که بموازات یکدیگر امتداد داشته و بهنسبتی که جاده پیش میرود ارتفاعات از هم دور میشوند. ضمناً بعضی ارتفاعات منفرد مشاهده میشود که گاهی جاده از وسط آنها عبور مینماید.

جاده پس از طی ۴۷ کیلومتری ازخونیك به پاسگاه امنیه ماده کاریز میرسد که از زاهدان بفاصله ۲۱۰ کیلومتر قرار دارد.

جاده پس از آن بخط سیر خود ادامه داده و ارتفاعات خاوری بکلی ناپدید و کویر تا افق ادامه پیدا میکند در سمت راست جاده (باختر) ارتفاعات به مسیرخود ادامه داده تا به سفیدابه رسیده و پس از آن در یك جلگه به جنوب باختری پیش میرود ولی باز خط سیر خود را در سمت اولیه تعقیب تا متصل میشود به رشته کوههای ملك سیاه کوه وشمیدر.

سفیدابه — جاده پس از طی ۳۵ کیلومتر از ماده کاریز به سفیدابه میرسد که در ۱۷۵ کیلو متری زاهدان واقع میباشد.

سفیدابه تشکیل میشود از یك پاسگاه امنیه و اداره راه و یك قهوه‌خانه و ۳ خانوار آب سفیدابه بوسیله یك لوله آب تامین میشود کلیه ساختمان فعلی متعلق به پادگانهای سابق انگلیسیها بوده است که وظائف امنیه را اجرا مینمودند.

جاده پس از طی ۴۷ کیلو متر از سفیدابه به دوراهی ملك سرخ که عبارت از پاسگاه امنیه و دارای مختصر آبی میباشد رسیده و در آنجا از رشته ارتفاعات تا اندازه زیادتر فاصله گرفته و پس از طی ۴۵ کیلو متر بدوراهی زابل میرسد از زاهدان ۸۳ کیلو متر و از زابل ۱۳۵ کیلو متر فاصله دارد.

جاده در دو راهی بسمت زابل در یك خط مستقیم سیر نموده تـا بدره شیله میرسد .

شیله ــ شیله عبارت از بریدگی یا مسیلی است از سیستان بسمت افغانستان کشیده شده است بطوریکه هرموقع آ ب دریاچه اضافه شود بوسیله همین مسیل دوباره بخاك افغانستان جاری میگردد .

عرض این بریدگی بطور متوسط ۷۰ متر و عمق آن تا ده متر بالغ میگردد .

حرمك و معبری که بطرف شوسف و زابلستان میرود

جاده از دوراهی زابل خط سیر خود را بسمت زاهدان تعقیب تا اینکه پس از طی ۲۵ کیلو متر وارد منطقه کوهستانی که تازاهدان ممتد است میشود .

جاده پس از طی دو کیلو متر بآبادی حرمك میرسد .

حرمك ــ حرمك در ۲۶ کیلو متری دوراهی زابل و ٦٥ کیلو متری زاهدان واقع دارای ٦ خانوار و مختصر محصول گندم وجو دارای پاسگاه امنیه و تلفون میباشد

حرمك اولین مدخل کوهستانی محسوب و نزد یکترین آ بادیها بمرز میباشد .
این منطقه حاکمیت چندین معبر را دارد.

۱ - راه زاهدان

۲ - راه کرمان

۳ - راه رباط.

که از داخل این منطقه عبور می‌نمایند. جاده بطور کلی از داخل یك خط القعر سیر نموده و از طرفین بوسیله ارتفاعات نسبتاً بلندی محصور میشود که دارای بریدگی های با شیب زیاد وغیر قابل عبور است و فقط دردره های آن واحد های کوچکی را میتوان حرکت داد.

حرمك سابقاً محل پادگان انگلیسها بود که برای تامین عبور و مرور و تقریباً وظیفه‌امنیه را اجرا مینموده و هنوز ساختمانهای اصطبل و غیره آنها دراین محل باقی می باشد.

منظره ارتفاعات خاوری حرمك

حرمك

در اولین لحظه ورود به‌این منطقه ساختمانهای بسیاری که در روی ارتفاعات

است جلب نظر هر بیننده را خواهد نمود بدیهی است فکر خواهد شد بچه مناسبت در این نقطه تااین حد ساختمان شده پس از جزئی تحقیق پرسش راجع به سابقه تاریخی آن پی بهاهمیت آن برده میشود .

حرمك — بطوریکه در نقشه منطقه ملاحظه میشود در ۵۶ کیلو متری زاهدان و ۱۱۹ کیلومتری سفیدابه واقع شده و در حقیقت نزدیکترین نقاط کشور ایران بهخط مرز میباشد چه از حرمك تامرز بیش از ۱۰ کیلو متر مسافت نیست .

این منطقه حاکمیت چندین دره را در دست دارد چه راه زاهدان و راه کرمان از داخل این دره عبور خواهد کرد ارتفاعات بسیار از هرطرف این منطقه را احاطه کرده است و ارتفاعات با بریدگی های خیلی تند و غیر قابل عبور در هرطرف خاتمه یافته بطوریکه عبور از دره ها فقط مقدور بوده و سایر نقاط آن مثل آنستکه در قفسی واقع گردیده است .

انگلیسها در ۱۹۱۷ موقع تصمیم به تهیه و ساختمان جاده زاهدان تربت حیدری در اولین لحظه این منطقه را اشغال نموده و یك هنك کامل در این نقطه گماردند که با بودن این قوا عملیات و حرکات آنها در جنوب مشهد و کرمان در آن واحد پوشیده شده و در ضمن با در دست داشتن این منطقه دوجاده را در دست داشته باشند بلوچها که تاحدی مخالف این تصمیم بودند درشب بطور غفلت حمله کرده در حدود ۱۰۰ نفر به ارتش انگلیس تلفات وارد ساخته باقی مجبور به عقب نشینی شدند بعداً باز بـاین نقطه آمده سربازخانه و اماکنی در اطراف آن تهیه کرده سنگرهای ساخته شده و بطور دفاعی استقرار یافتند در وحله دوم کلیه قسمت پیاده در سربازخانه فعلی متمرکز شده قسمتهای مهاربست رانیز دردرهٔ که بطرف زاهدان میرود در ساختمانهائیکه خرابهای آن باقی میباشد تمرکز داده بودند .

درضمن برای آنکه از جناح چپ مطمئن بوده و بهتر خودرا حفظ نمایندقوائی نیز در دهانه باغی قرار داده تلگرافخانه برای ارتباطات ومخابرات در این منطقه برقرار

شد — بطور کلی حرمك بواسطه نزدیکی بخط مرزو بواسطه وضعیت خود نسبت به جاده‌ها دارای اهمیت کامل بوده وحفظ و نگاهداری آن برای مواقع عملیات و حتی در موقع صلح از نکات لازم و واجب است .

پس‌از حرمك‌جاده در خط‌القعر خط سیر خودرا ادامه‌داده و پس از ۸ کیلو متر بابادی چاه ایوان که در ٤۹ کیلو متری زاهدان است میرسد این محل مرکز یك پست گمرك‌بوده و دارای باغات مختصری‌است .

سپس جاده داخل رشته جبال‌ملك سیاه کوه گردیده‌که در ٤٠ کیلومتری‌زاهدان واقع میباشدو پس از ان جاده ازپاسگاه امنیه شمیدر ۳۳ کیلو متری زاهدان و گردنه شمیدر و گردنه گدار کبود وپاسگاه امنیه چهل بازار عبور کرده به پست گمرك چشمه ملا حسین که در ۲ کیلو متری زاهدان واقع محل انشعاب جاده نصرت آباد و کرمان میباشد عبور نموده وارد زاهدان میشود .

بطور خلاصه عمق این کوهستان که جاده در داخل آن سیر مینماید از دو کیلو متری حرمك تا چشمه ملاحسین تقریباً ۷۵ کیلومتر میباشد .

از نقطه نظر منابع محل

چنانچه دربالا وضعیت چند فقره آبادیهای مختصر این‌منطقه شرح‌داده‌شدملاحظه میشود که این‌منطقه فاقد منابع محلی بوده درحال‌صلح خوار بار وگندم و جو مصرفی این بخش چه از نقطه نظر مایحتاج لشکر و چه از نقطه نظر مایحتاج اهالی ازخارج‌تهیه بطوری که خوار و بار از مشهد و گندم و جو ازسیستان تهیه میشود . موضوع مهمتر اینکه نه تنها این منطقه فاقدمنابع خواروبارمیباشد فقدان آب‌نیز در این منطقه مزیدبر سایر علل میباشد .

از نقطه نظر نظامی

با در نظرگرفتن مشکلات این منطقه از نقطهٔ نظر نظامی وفقدان آب‌وگرمسیری

ووضعیت زمین آن که تشکیل یافته از صحاری بی‌آب وعلف و کوههای عریان که بکلی عاری از هر گونه منابع محلی است اجرای عملیات نظامی فوق العاده مشکل و مستلزم تهیه های قبلی میباشد که بایستی قبلا تهیه و در دسترس عده ها گذارده شود. محلهائی که از نقطه نظر عملیات نظامی بنظر میرسد یکی ارتفاعاتی است که پس از خروج از خونیك تشکیل یك گردنه کوچکی را میدهد که مسلط بدشت میباشد و برای عملیات تا خیری مناسب دارای دید خوب امکان دور زدن نیز موجود لکن فاقد منابع محلی میباشد . .

مواضع دیگر در مناطق کوهستانی واقع خواهد بود که از حرمك شروع و در زاهدان خاتمه می‌یابد که از نقطه نظر وضعیت تدافعی مناسب و امکان دور زدن کاملا مشکل بنظر میرسد . این موضع در مرحله اول روی گردنه گدار کبود واقع که دارای میدان دید بسمت زاهدان داشته و وحله دوم در گردنه شمیدر است که در داخل کوهستان میباشد.

(۲) جاده زاهدان به خاش

دو مرکز مهم مکران مرزی یعنی خاش و زاهدان بوسیله جاده های چندی متصل شده اند که هر یك دارای ارزش خاصی است و اینك شرح هر یك درج میشود.

جاده زاهدان میر جاوه خاش — این جاده توسط انگلیس ها در ۷۰ سال قبل ساخته شده و دارای ارزش ارتباطی و اقتصادی میباشد ولی از لحاظ مجاورت فوق‌العاده ایکه با خط مرز دارد دارای ارزش نظامی نخواهدبود این جاده بشرح زیر از نقاط مختلف عبور مینماید .

تالارد	۱۵	کیلومتر	کلیه مسافت ۲۰۷ کیلومتر
از لار تا کچه رود	۱۷	»	
از کچه رود تا خانمحمد	۱۵	»	
از خانمحمد تا میر جاوه	۳۷	»	
از میر جاوه تا استخر	۵	»	
از استخر تا لادیز	۱۷	»	
از لادیز تاچشمه رضوان	۷	»	
ازچشمه رضوان تاسیاه جنگل	۱۲	»	
از سیاه جنگل تا پل سرشك	۱۳	»	
از پل سرشك تاسنکان	۱۷	»	
ازسنکان تا لك	۱٤	»	
از لك تا چاه سکینه	۱۸	»	
ازچاه سکینه تادوراهی گوشه خاش	۷	»	
از دو راهی تاخاش	۱۲	»	

این جاده در جلگه ساخته شده که گاهی ارتفاعات وسعت داخلی جلگه را زیاد وگاهی بواسطه نزدیك شدن بکلی آن را محدود ساخته در خانمحمد جلگه نسبتاً وسیع است چه ارتفاعات سمت راست بمسافت ۳ و ارتفاعات سمت چپ بمسافت ۸ کیلومتر واقع شده و خط آهنی که تا میر جاوه میاید جاده را متابعت مینماید دراینجا در جلوی ارتفاعات سمت چپ واقع شده است در میر جاوه جلگه وسیع میشود و از جاده تا ارتفاعات سمت راست ۱ وتاارتفاعات سمت چپ ۳ کیلومتراست دراین سمت بادزیاد واکثر شنها را باهم مخلوط و حمل و نقل کرده جاده را بکلی مستور میسازد .

خط آهن تازاهدان باقی ودرخاك شاهنشاهی تا میر جاوه مسیر آن ملاحظه میشود

پس از مداخله رسمی ایران در مکران کار راه‌آهن در ایران تعطیل و فقط تا نو کندی

مسیر راه‌آهن و امتداد ارتفاعات کها کوه که خط مرز است

مرتباً کار مینماید در هر هفته روزهای سه شنبه راه‌آهن وارد شده وروزهای چهارشنبه مراجعت مینماید ۲۴ ساعته راه اهن تا کویته میر و داز کویته تا کراچی را معمولا راه آهن در ۲ روز طی می کند عرض راه آهن ۱/۴۵ متر میباشد چون درمیر جاوه آب برای استفاده راه آهن و سایر احتیاجات وجود ندارد لذا در ۵ کیلو متری میر جاوه استخری بعرض ۳۰ و بطول ۴۰ و عمق ۴ متر ساخته شده که دو لوله بزرگ بقطر ۴۰ سانتیمتر از ۱۰ کیلومتری اب را وارداین استخر مینماید استخر با بتن و مواد کاملا محکم ساخته شده که بطوریکه حالیه کاملا خوب و بی عیب باقی مانده است از لحاظ تهیه آب بی اندازه قابل توجه است جاده پس از عبور از استخر تامدتی در مسیر خشک یك رودخانه ادامه یافته سپس درجناح چپ رودخانه میرجاوه امتداد میابد این رودخانه عمیق و دارای بریدگی های زیاد است در حدود ۲۰ الی ۵۰ متر و همیشه دارای آب

میباشد وضعیت منطقه در این قسمت دارای شکل خاصی است چه از پای ارتفاعات تا جاده رشته تپه های کم و بیش مرتفعی ملاحظه می شود که هر قدر بطرف ارتفاعات میرود مرتفعتر میگردد ـ کوه ها تمام سنگی است آب رود خانه شور میباشد ـ بعداً جاده به قلعه لادیز خواهد رسید این قلعه فعلا خراب ودارای تعدادی خانوار است چند کیلو متری اطراف این قلعه تمام پوشیده از گیاه میباشد .

آب رضوان جویباری است شیرین که تا حدود ۳ الی ٤ سنك است و این آب بطرف لادیز میرود جو بیار در ته دره جریان دارد و در محل جو بیار ساختمان نیست .

قبل از رسیدن به سیاه جنگل جاده از داخل دره ایکه بیاندازه تنك و از طرفین بواسطه دورشته ارتفاعات سنگی مرتفع محدود شده میگذرد و پس ازسیاه جنگل جاده وارد جلگه نسبتاً بزرگی خواهد شد سپس جاده تا پل سرشك که پل چوبی و در روی بریدگی ساخته شده میگذرد این پل در دره ساخته شده بعداً این جاده در یك جلگه نسبتاً صافی که دارای پست و بلندی و پیچ و خمهای زیاد است ادامه یافته و تا خاش پیش میرود .

بطوریکه در نقشه ملاحظه میشود این جاده بواسطه مجاورت باخط مرز دارای اهمیت نظامی زیادی نبوده ودر هر لحظه ممکن‌است مورد تهدید قرار گیرد ولی از لحاظ اقتصادی و مجاورت باخط آهن و بواسطه مجاری آبها وچشمه‌هائی که‌در بین راه میباشد برای عبور ومرور حرکت خود روها خوب است گرچه جاده آنقدر ها مرتب نبوده خود روها به زحمت از آن عبور خواهند نمود .

از چندی باین طرف وزارت راه در مجاورت‌همین جاده یك جاده شوسه‌دیگری برای اتصال زاهدان بـه خاش تهیه نموده باسم کوهر کوه این جاده جدید از نقاط

زیر میگذرد .

دو راهی زاهدان	۱۳ کیلومتر	۱۹۳ کیلو متر
جین	۳۲ »	
عسکر اباد	۳۱ »	
ده بابید	۵ »	
میر اباد	۲٤ »	
قطار خنجیك	٤۸ »	
زاهدان	۵۰ »	

این جاده از دو جاده دیگر خیلی مسطح تر و بهتر است چه بهیچوجه تصادف باارتفاعاتی ننموده و بلکه بطور صاف از نقاط مختلف عبور حواهد کرد .

بواسطه واقع شدن در داخله کشور ودور بودن از مرز یك خط ارتباطی کاملا خوبی است که دارای ارزش نظامی است چه گذشته از بودن در داخله کشور - و مسطح بودن یك جاده نسبتاً کوتاه تریست وضمناً این جاده از پهلوی ابادیهائی عبور میکند

محور زاهدان ـ خاش

از طریق گوهر کوه

زاهدان ـ این شهر در مبداء محور قرار گرفته در یك جلگه واقع شده است که از چهار سمت با ارتفاعات محدود میباشد نام سابق آن دزد اب بوده پس از بین رفتن بساط ملوك الطوایفی زاهدان نامیده شده دارای ۳۰۰۰ نفر جمعیت و ۱۵۰۰ نفر آن از طایفه سیك ها و هندو میباشد وقبل از ایجاد اصول مرکزیت این شهر از لحاظ تجارت دارای اهمیت بسیاری بوده ولی امروزه از اهمیت آن بطور محسوس کاسته شده است .

زاهدان دارای اهمیت نظامی بسیاری است ـ زاهدان از طرف خاور درمخرج یك دهلیزی واقع شده است

این دهلیز به میر جاوه بالا خره بمرز رسیده مسافت زاهدان تا مرز بطور خط سیر مستقیم ۱۳ کیلومتر ولی ازطریق میر جاوه ۷۰ کیلو متر است .

زاهدان درمرکز تلاقی چهارراهی بشرح زیر واقع شده :

زاهدان ـ خاش ـ (از طریق گوهر کوه)

زاهدان ـ نصرت آباد

زاهدان ـ مشهد

زاهدان دریك نقطه گره مواصلات واقع شده است

در صورتیکه از طرف خاور بزاهدان دست یابند کلیه منطقه مکران بخطر می افتد .

درجنك بین المللی انگلیسها دراین نقطه تمرکز قوانموده درتحت فرماندهی ژنرال دایرقوائی را دربین زاهدان بیرجند قرارداده مانع نفوذ عمال سیاسی المانیها بهندوستان شده بودند

خاش ـ ۱۸۹ کیلو متر در جنوب باختری زاهدان در یك جلگه باریکی واقع شده است خاور این جلگه با ارتفاعات جهندر وباختر این جلگه نیز با ارتفاعات پنج انگشت محصور شده است مرکز بخشداری را تشکیل میدهد.

خاش محل تلاقی جاده های ۱ـ خاش ـ زاهدان ۲ـ خاش ـ میرجاوه ۳ ـ خاش ایرانشهر ٤ ـ خاش ـ بمپور وبم از این جاده ها چهار می عرابه رو میباشد جمعیت شهر ۱۲۰۰ نفر بوده وحنفی المذهب هستند ـ شهر دارای دو رشته قنات بوده زراعت آن به اندازه نا چیز است که برای رفع احتیاج محتاج باطراف میباشد.

محـور

راه گوهر کوه بهترین این معابر و از لحاظ استفاده قابل توجه است این راه تا ۱٦ کیلو متری زاهدان در جلگه صافی امتداد یافته پس از آن وارد دره ئی که از دو سلسله ارتفاعات تشکیل گردیده میشود تا۳۵ کیلومتری جاده درداخل دهلیز که ارتفاعات طرفین آن عموماً خیلی کم اهمیت ودرهمه جا قابل عبور است گذشته از این محل دریك منطقه تپه زاری داخل و با پیچ و خم زیاد حرکت مینماید در ۳۸ کیلو متری به پاسگاه قطار خنجیك که دارای چشمه آبی‌است رسیده ومجدداً امتداد قبلی خودرا دروسط تپه‌ها ادامه میدهد جاده پس‌از طی مسافاتی دربین تپه ها در کیلومتر ۷۸ وارد آبادی چانی که دارای ۲۰ خانوار است شده در این آبادی چشمه آب شیرینی وجود دارد و بواسطه اینکه هوای منطقه خوب است در ۱۹/۲/۲۵ هنوز کلیه کشت منطقه سبز و شاید مدتی به دست امدن ودرو مانده بود .

در ۹۱ کیلو متری به ابادی میراباد رسیده و باز در اراضی یك نواختی ادامه مییابد بین زاهدان وخاش منطقه واقع بین قطار خنجیك تامیرابادمنطقه فوق‌العاده خوش اب وهوا وبی نهایت خوب است بطوریکه درتابستان طبق تحقیق واطلاع اهالی بایستی شبها رادر اطاق خوابیده ودر روز بهیچوجه احساس گرمای نمیشود گندم وجوددراین منطقه در نیمه اول خرداد ماه بدست خواهد امد .

در کیلو متر ۱۱۳ جاده از کنار جاده پابند که دارای باغ میوه کوچکی است گذشته در حوالی این ابادی جلگه اطراف باز تر شده و عوارض کمتر میشود .

در این جلگه چند ابادی مشجری واقع شده که عموما دارای اشجار زردالو - گوجه - الو میباشند هوای این جلگه از کلیه این منطقه خوش آب وهوا بهتر است از ۱۲٤ کیلومتری زمین بازتر شده درسمت راست دیگر ارتفاعاتی ملاحظه نمیشود در صورتیکه درسمت چپ ارتفاعات ممتدی بنظر میرسد قلل تفتان که دولوله دوداز آن خارج میشود بخوبی دیده شده و تدریجاً موانع مختلف به کناری رفته تاپای کوهستانی مذکور باز و بی‌عارضه است .

از ۱٤۰ کیلومتر هوا غفلتاً گرم میشود . و اراضی خاش ازدور جلب نظر زامینماید

راه گوهر کوه

علاوه بردو جاده که در بالا ذکر شد جاده دیگری انگلیس ها در موقع توقف در این منطقه برای ارتباطات داخلی خود تهیه نموده بودند که فعلا نیز وجود دارد این جاده از نقاط زیر عبور مینماید .

از خاش تادوراهی	٦٦ کیلومتر	۲٤۰ کیلو متر
از دو راهی تادوراهی شروع گوهرکوه	٤۸ »	
قلعه بند	۱۰ »	
گوهر کوه	۱۵ »	
دوراهی گوهر کوه وبم وخاش	٤۷ »	
اولانه	۷ »	
دوراهی سرباز خانه	٤۱ »	
خاش	٦ »	

این جاده فعلا متروك ودراین مدت هم تعمیراتی نشده ولی معهذا قابل عبور میباشند .
این جاده نسبتاً جاده مطول میباشد .

جاده های نفوذی بطرف نواحی مرزی

جاده های نفوذی در منطقه مکران را میتوان فعلا بشرح زیر معرفی نمود .

۱ — جاده چاه بهار
۲ - جاده نیك شهر - قصرقند که بعداً بواسطه راه های پیاده ومال رو بطرف مرز امتداد دارد
۳ — جاده ایرانشهر سرباز » » » » »
٤ — جاده خاش - سراوان - کوهك
۵ — جاده - سراوان جالق مرز
٦ — جاده خاش - میرجاوه

جاده نفوذی خاش چاه بهار

این جاده مرکز مکران را به کرانه دریای عمان و مکران مرکزی متصل میسازد جادهٔ است که از لحاظ نظامی - بازرگانی و اقتصادی بی نهایت برای کشور و خاور ایران قابل توجه است طول این جاده در حدود ۵۳۸ کیلو متر طبق شرح زیر است:

خاش ایرانشهر ۱۶۲ .

ایرانشهر چاه بهار ۳۷۶

اینك قسمتهای مختلف این محور را از لحاظ نظامی و اقتصادی و جغرافیائی مورد بررسی قرار میدهیم

(جاده بین شهر خاش و قریه اسپکه)

جاده شوسه واقعه بین (خاش ایرانشهر) بدواً پس از طی شش کیلو متر در جلگه خاش به کوهستان (پنج انگشت) که ازشمال باختری به جنوب خاوری امتداد دارد منتهی شده و درشبکه کوهستانی که بعمق ۹ کیلو متر میباشد داخل وسپس منتهی بجلگه وسیعی میگردد .

جاده در جلگه مزبور درامتداد شمال خاوری و جنوب باختری ادامه میدهد و این جلگه در قسمت شمال خاوری بنام جلگه(جودین) درجنوب باختری بنام جلگه (انجوان) نامیده میشود.

بین دو جلگه فوق الذکر بر آمدگی هائی مشاهده میشود که خود آنها بموجب جاده یا پیچ وخمهای زیادی بسیر خود ادامه و بالاخره در ۵۲ کیلو متری خاش جلگه خاتمه به رشته کوهستانی با اسم (بیکل) منتهی میگردد.

رشته مزبور بعمق ۱۳ کیلو متر و عرض ان در تمام این عمق از ۶۰۰ - ۷۰۰ متر تجاوز نمیکنند کوهستان اطراف بر جسته نسبتاً مرتفع و عبور از خارج جاده فوق العاده مشکل وبهمین مناسبت حرکت دورانی غیر ممکن است.

کوههای طرف راست بنام (زویچ) و طرف چپ بنام (کونچ) نامیده میشود و دهلیز مزبور بواسطه وجود چند چشمه تقریبا از آب بی نیاز درتمام فصل آب موجود میباشد و ضمناً ابهای موجوده دهلیز مزبور را در طول قطع نموده و بسمت باختر جریان پیدا میکند. در واقع دهلیز مذکور از طرف شمال و جنوب مسدود و جاده از روی ارتفاع عبور مینماید.

دهلیز مزبور در ۷۱ کیلو متری خاش خاتمه و جاده با پیچ و خمهای زیاد از (کاروندار) عبور مینماید.

در دو کیلو متری کاروندار از رودخانه کوچك کاروندار در امتداد باختری ـ خاوری، جاری و قریه کاروندار را مشروب مینماید. رود خانه مزبور در تمام فصول دارای آب ولی در فصل تابستان خیلی کم میشود بطور کلی جاده پس از خاتمه کوهستان الی دخول بکوهستان واقعه در چهار کیلومتری جنوب کاروندار ازتپه وماهور های مرتفع عبور مینماید جاده در ٤ کیلو متری جنوب کاروندار داخل کوهستان (نه شما) باصطلاح محلی بنکدار میشود.

کوهستان مزبور از چندین رشته متوازی با هم تشکیل شده که خود آنها هر کدام یك دهلیزی را تشکیل میدهد. جاده ازبین این کوهستان ضمن عبور از (گردنه شتر) با پیچ و خمهای زیاد و پس از چندین مرتبه صعود و نزول بالاخره با عمق ٤٠ کیلو متر داخل در (تیغ آب) میشود جاده مزبور در تمام بریدگیهای خط القعر ها دارای پل و یا مجاری سرپوشیده است

جاده فوق الذکر در چند محلی در خط القعر هائی عبور مینماید که در مواقع بارندگی ابهای سیلابی جاده را خراب و مسدودخواهد کرد.

ب ـ دراین کوهستان بواسطه عبور رودخانه کارو ندار آب وجود دارد وحتی در مسیر جاده نیز مختصر ترشحاتی از وجود آب پیدا است ولی در تمام فصول رودخانه دارای آب است.

در سی کیلومتری کاروندار رود خانه فوق الذکر موازی با طول جاده جاری و در همه جا امتداد دارد و ضمناً پس از برخورد جاده با رود خانه تا وصول به بلوک (دامن) جاده از بین یك مسیل عرضی که اطراف آنرا تپه های مرتفعی پوشانیده عبور میکند ودر این مسافت همه‌جا جاده در خطر بارانهای شدید خواهد بود وضمنا جنگل نسبتا انبوهی در تمام طول رودخانه از درخت گز وجود دارد

عمق دره که ابادیهای بلوك دامن درآن واقع شده ۱۱ کیلو متر و جاده پس از خروج از دره داخل در یك رشته ارتفاعاتی میشود که دارای ۹ کیلومتر عمق میباشد. در این‌مسافت‌جاده از روی گردنه (ایرانشهر) عبور و به‌جلگه ایرانشهر که دارای ۱۶ کیلومتر طول است داخل میگردد.

جاده از ایرانشهر تا (بمپوور) بطول ۲٤ کیلو متر و از جلگه ایرانشهر و بمپور عبور مینماید در طرف راست جاده یك رشته تپه های کوتاه تا نزدیك بمپور به تفاوت از ۱ کیلومتر بموازات جاده امتداد دارد.

جلگه مزبور حاصلخیز و جنگل زار و از رود خانه کاروند مزارع زراعتی و قراء واقعه اطراف جاده مشروب میشود.

از بمپور الی اسپکه جاده بدوا از یك جلگه حاصلخیز بطول ۲٤ کیلو متر و بعدا در جلگه بدون آب و علف بطول ۵۸ کیلومتر که در آن یك چاه آب بنام (چاه دراز) در ۱۸ کیلومتری اسپکه که جزو بمپور میباشد منتهی میگردد.

بطورکلی طول جاده از خاش تا اسپکه ۲۸۰ کیلومتر وازلحاظ اقتصادی دارای منابع محلی زیر است)

کاروندر

در ۷۵ کیلو متری خاش واقع و دارای ۲۰ خانوار جمعیت است.

علاوه بر رود خانه کارو ندر که مورد استفاده اهالی است دارای یك چشمه به

مقدار نیم سنك و يك رشته قنات مخروبه میباشد که در صورت لزوم مورد استفـاده قرار خواهد گرفت .

زراعت عمده عبارت است از گندم ـ جو ـ زرت ـ برنج محصول حاصله مصارف اهالی را تامین و در بعضی سنوات بعلت کم بودن محصول مجبورا احتیاجات خودرا از بلوك دامن تهیه مینمایند .

محصول درختی این قریه خرما است که انهم فقط بمصرف اهالی میرسد احشام خیلی کم وقابل ذکر نمیباشد يك راه اتومبیل رو از کاروندر به (ساسور) و دوراه انشعابی مالرو از کاروندر بطرف (گوهر کوه) وایرندگان موجود است .

بلوك دامن

جمعیت دامن و اطرافش تجاوز از ۷۰۰ نفر

زراعت عمده عبارتست از گندم ـ جو ـ زرت ـ باقلا ـ برنج ـ طبق احتیاج اهالی است .

محصول درختی خرما اضافه دارند .

احشام و اغنام در حدود ۵۰۰ و از حیوانات بار کش فقط به تعداد خیلی کم شتر و الاغ وجوددارد .

آب این بلوك منحصر به رودخانه کاروندرویك رشته قنات مخروبه که درصورت تنقیه مورد استفاده قرار خواهد گرفت .

آبادیهای عمده بلوك ـ عبارتند از دامی ـ کهنو ـ قاردان که دارای مزارع و نخلستان های زیادی هستند وسایر قراء که عبارت از :

کل تارون

سو جو

کادرانسری

کادران محلی

کشگوش
کج
بروق
شیوان
گوهرباج وغیره چندان مهم نیستند.

ایرانشهر

در ۱۷۰ کیلومتر خاش واقع و مرکز بخش میباشد.

قراء عمده عبارتند از بلوك دامن — احمد آباد — کشوکان — کون شهر — یمه بهوار و محصول مهم آنها عبارتست از زرت - باقلا - گندم - جو که اضافه بر مصرف خود هم ندارند.

جمعیت ایرانشهر و بلوکات در حدود ۳۰۰۰ خانوار

احشام و اغنام در حدود ۲۵۰۰ بز و گوسفید و ۲۰۰ گاو و از حیوانات بارکش تعدادی شتر و الاغ دارای ۲۵ رشته قنات و بعلاوه از آب رودخانه کاروندر مشروب می شود.

جاده های عمده ایرانشهر - خاش - چاه بهار
جاده شوسه سرباز
جاده شوسه تا ۱۸ کیلومتری بلوك (ابتر)
جاده شوسه - ایرانشهر - شوراب
و یکراه غیر شوسه برای (درکان)
ایرانشهر مرکز پادگان نظامی دارای پست و تلگراف

قراء واقعه بین ایرانشهر بمپور عبارتند از کلنیك - نوك آباد محمود آباد - بنجو -

اسد آباد و تعدادی آبادی های دیگر که در کنار و اطراف رودخانه بمپور میباشد

جمعیت کلیه این آبادیها در حدود ۳۰۰۰ نفر

زراعت عمده آنها عبارتست از گندم ـ جو ـ ذرت باندازه احتیاج اهالی

احشام و اغنام در حدود ۲۰۰۰ گوسفند و بز واز حیوانات باری جز الاغ که انهم تعداد خیلی کم است وسیله دیگری ندارند.

آب مشروب منحصر به رود خانه بمپور و برای زراعت هم یگانه وسیله همان رودخانه است.

بمپور

مرکب از ۱۴ قریه است که تمام قراء خالصه دولتی و مرکز کلیه خالصجات بمپوراست

منظره قلعه بمپور

نفوس دره بمپور در حدود ۸۰۰ خانوار جمعیت قراء اطراف ۳۵۰ خانوار

زراعت عمده ـ گندم ـ جو ـ ذرت و به مقدار زیر اضافه بر احتیاجات اهالی می باشد.

گندم ۱۲۰۰ خروار ـ جو ۷۰۰ خروار ـ ذرت ۷۰۰ خروار ـ کاه ۱۵۰۰ خروار.
احشام واغنام ـ ۵۰۰ گاو ـ ۳۰۰ الی ۴۰۰ شتر در حدود ۲۰۰۰ گوسفند
راههای عمده راه شوسه (ایرانشهر ـ چاه بهار)

راه فرعی مکاری رو به کاسکین ـ واین راه از کاسکین دو سعته میشود یکی میرود. به شوراب ودیگری به بزمان امتدادمییابد.

اب مشروبی و زراعتی ازرودخانه بمپور است

ساختمانهای مهمی در بمپور جز قله ایکه از زمان بسیارقدیم است وجود ندارد. و اهالی عموماً در خانه های کپری مسکن دارند

مزارع زیر از بمپور تا موت در سر جاده واطراف رود خانه بمپور واقع شده اند .

باغ
ده میز
خیر آباد
ملك آباد
نوردان
میرآباد
سعدآباد
قاسم‌آباد
پشنگ‌آباد
چاه‌سرود

آبادی های مذکور عموماً خالصه دولتی و اراضی آن ها از رود خانه بمپور مشروب میگرد .

زراعت عمده آنها گندم ـ جو ـ زرت

رودخانه بمپور در بیست کیلو متری قریه بمپور جاده‌را قطع مینماید آب این رودخانه در فصول سال باقی و اطراف رودخانه را نیز جنگلهای انبوهی احاطه کرده

قریه اسپکه

دارای پنجاه خانوار جمعیت

زراعت عمده گندم ـ زرت ـ جو ـ باقلا و فقط به مقدار احتیاج اهالی زراعت می شود .

آب مشروبی عبارت از دو رشته قنات است که بمصرف زراعت نیز میرسد .
محصول درختی خرما ودارای تعداد خیلی مختصری اغنام واحشام میباشد

از لحاظ نظامی

چهار موضع مهم از خاش تا اسپکه مشاهده میشود دارای ارزش است .
موضع ۱ ـ ارتفاع پنج انگشت
موضع ۲ ـ تنگه تنگل
موضع ۳ ـ گردنه شتر
موضع ٤ ـ گردنه ایران شهر

در طول این جاده در سه محل (دره تیغ آب ـ دره دامن ـ جلگه ایرانشهر) که جاده اجباراً از روی شن وماسه عبور مینماید وعلاوه برآنکه حرکت خودروها به این مناسبت بطیع میشود در مواقع بارندگی نیز سیلهای باران جاده را شسته و عبور ومرور را مقطوع مینماید .

وضمناً جاده‌مذکور مخصوصاً راه‌واقعه در کوهستان‌نه شما کم عرض وحرکت

خودروها از دو طرف فوق العاده مشکل و همین موضوع خود باعث کندی حرکت خود رو ها خواهد گردید و بعلاوه بواسطه پیچ و خمهای زیاد لازم میشود که دقت لازمه در حرکت مراقبت شود و همچنین در یك قسمت از اوت باد های سخت جاده را پر از خاك و ماسه مینماید که غالباً حرکت دشوار و خالی از زحمت نخواهد بود کما اینکه تپه های خاکی منظمی در اثر وزش باد های سخت از زمانهای گذشته در صحرا باقی است .

صحرای نامبرده که بطول ۵۸ کیلو متر است فقط در یك محل (چاه دراز ۱۸ کیلو متری اسپکه) که دارای یك چاه آب است درتمام طول بدون آب و عاری از علف است .

حرکت عده در روز خطرناك ودر شب هم باید با پیش بینی آب وتامین و در غیر آن حتماً باید با خود رو ها صورت گیرد

رودخانها ـ رود خانه کاروندر که در قریه کاروندر جاده را قطع مینماید . تا هفت کیلو متری باختر بمپور در مجاورت جاده جاری میباشد

در این مسافت در پنج محل بخصوص

۱ ـ دو کیلو متری قریه کاروندار

۲ ـ منتهی الیه دره تبع آب

۳ ـ ٤ ـ منتهی الیه بلوك دامن

۵ ـ هفت کیلو متری باختر بمپور

جاده را قطع مینمایدوچون درمحل تقاطع رود خانه باجاده در نقاط فوق الذکر پل وجود ندارد . لذا در زمستان و اوایل بهار که آب رودخانه روان است عبور ومرور مشکل و بلکه امکان نخواهد داشت .

اسپکـه تا چاه بهار (۲۷۱ کـیلو متر)

۱ ـ از لحاظ جغرافیائی

آبادی اسپکـه واقع است در ۲٦۸ کیلو متری خاش و ۲۷۱ کیلو متری چاه‌بهار جمعیت آن تقریباً ۵۰ خانوار میباشد محصول این آبادی مختصر گندم و باقالا است که کـفاف اهالی را هم نمیدهند و مقداری خرما دارای یك چشمه آب میباشد که در حدود ۳ سنك آب دارد از این محل یك راه ارابه رو بسمت باختر میرود بـه آبادی مسکوتان و یك راه مالرو بسمت خاور میرود به چاشت .

جاده پس از خروج از اسپکـه دریك مسیلی مستور از درختهای گز و در بین‌دو رشته ارتفاعات کوتاه خط سیر خود را بطرف جنوب ادامه داده تا به نخلستان هیدیش تا اینجا ارتفاعات طرفین جاده گاهی نزدیك بهم و گاهی تا دو سه کـیلو متر از هم دور میشوند . پس از ۱۵ کـیلو متر جاده از بین دهستان لامع کـه دارای چند عدد آبادی (گرداهان ـ کشاباد ـ حریدك ـ جیر آباد و یکی دوآبادی دیگر) کـه عموماً متعلق به سردار میرهوتی خان بوده وهر کـدام بتفاوت شامل ۲۰ الی ٦۰ خانوار جمعیت میباشد عبور میکـند از این ببعد ارتفاعات طرفین جاده مخصوصاً سمت راست (باختری) از جاده دور شده جنگل گز خاتمه و جاده مسیر خود را بطرف جنوب ادامه میدهد تا در ۲۰ کیلو متری اسپکه میرسد به آبادیهای پیپ (۲۰۰ خانوار) زارت (٦۰ خانوار) بعداً جاده خط سیر خود را تعقیب و پس‌از عبور از باختر ارتفاعات گت تغییر و ابادی خوش‌مکان داخل یك تنگه یاد ربندی‌میشود . طرفین این‌تنك را ارتفاعات نسبتاً کوتاهی احاطه و جاده با شیب تند وپیچ و خم زیاد از خط القعر این تنك کـه عمق آن ۱۳ کیلو متر میباشد عبور پس از خروج از تنك و طی ۳ کیلو متر عبور از نخلستان کـوچکی داخل تنك سرحه میشود .

عمق تنك سرحه ۲۰ کیلو متر وارتفاعات طرفین‌آن دارای شیب های تند میباشد

که عبور از آنها مشکل میباشد جاده از خط القعر این تنك که دارای آب فراوان است عبور و سپس وارد جلگه میگردد . طرفین این جلگه توسط دو رشته ارتفاعات موازی باهم مستور شده که تا چند کیلومتر از جاده فاصله داشته و گاهی رشته‌های فرعی از آنها منشعب و درمحور جاده بهم متصل میشود که جاده ازآنها عبور میکنند .

سپس جاده مسیل راقطع و ازتپه ماهورهای کوچك گذشته پس از عبور ازخاور آبادی هی چان (٤۰۰ خانوار جمعیت ـ دارای نخلستان محصول گندم جو برنج زرت) جاده در بین یك رشته ارتفاعات پیچ درپیچ غیرمنظم بخط سیرخود ادامه و پس ازآنکه درسه چهار نقطه مسیل راقطع کرده از آبادی اسکنر را(٥ خانوار) وگردنه که تقریباً ۱٥ کیلومتر عمق دارد عبور وداخل جلگه میشود . سطح این جلگه دارای بریدگیهای زیاد بوده ودورشته ارتفاعات آنرا احاطه کرده اند که تا ۳ کیلومتر ازجاده فاصله دارند جاده دراین جلگه مسیرخود را ادامه و پس ازعبور آبادی خیرآباد که نخلستان کوچکی دارد داخل مسیلی که بین دورشته ارتفاعات واقع شده ومستورازدرخت گزمیباشد شده وباپیچ‌وخم های زیاد بدورچند رشته تپه های کوچك که عمق آنها ۲ کیلو متر میباشد دورزده ومجدداً داخل جلگه میشود . ارتفاعات سمت چپ این‌جلگه مرتفع ترودورتر (٥ کیلومتر) وپرجنگل ارتفاعات سمت راست کوتاه تروبه جاده نزدیکترمی‌باشد هرچه جلوتر رویم ارتفاعات دورترشده و بالاخره ازبین یکرشته تپه ماهور های خاکی عبوروبه نیك شهر میرسد .

نیك شهر دارای ۳۰۰ خانوار جمعیت و توابع آن دارای ۱٤ آبادی است که هر کدام بتفاوت از ۱۰ الی ٤۰ خانوار جمعیت دارند مرکزبخش داری ودفتر راه ونماینده امار ـ محصول نیك‌شهر برنج ـ گندم ـ خرما است که بمقدار مختصر عمل میآید .

راههائیکه از نیك شهر منشعب میشود غیر از جاده خاش چاه بهار یکرشته راه

شوسه به قصر قند ویك رشته راه ارابه رو به بنت و چند جاده های مال‌رو پیاده رو که به آبادیهای اطراف ممتد میشود بنا بر این نیك شهر در این قسمت از مکران بواسطه این که کودسواصلاتی محسوب می‌شود دارای اهمیت نظامی خواهد بود .

جاده پس از عبور از نیك شهر داخل ارتفاعات سمت چپ شده و از کنار مسیل بزرك کائیر در بین دو رشته ارتفاعات با پیچ و خم زیاد بسیر خود ادامه داده و در ۲۰ کیلو متری نیك‌شهر بکلی داخل مسیل کائیر که مستور از درختهای گز میباشد شده و پس از طی ۲٤ کیلو متر به نخلستان نوگنجان که فاقد سکنه میباشد شده بعداً جاده خط سیر خودرا بموازات مسیل و گاهی هم داخل مسیل تا حدود ٤۰ کیلو متر ادامه‌و ارتفاعات طرفین نیز بطور نامنظم و بامسافات دور و نزدیك خط سیر خودرا بموازات جاده تعقیب مینماید سپس جاده متوجه خاور شده از بین یك رشته تپه‌ماهورهای خاکی با عمق باریکی عبور و پس از تغییر سمت بطرف جنوب وارد جلگه چاه عباسی میشود (طول این‌جلگه ۲۲ وعرض آن تقریباً از ۲ الی ۷ کیلو متراست وغیر از چند بریدگی مختصر سطح جلگه کاملا مسطح و بدون عارضه میباشد) .

پس از خاتمه جلگه جاده داخل در ارتفاعات، پیر کویك که‌ارتفاعات طرفین آن چندان مرتفع نمیباشد شده تا ۲۰ کیلو متر در کوهستان پیش رفته و بعداز آن که کراراً مسیل را قطع میکند و داخل جلگه دیگری میگردد بنام جلگه سوسان ـ عرض و طول این جلگه از جلگه چاه عباسی کمتر و اطراف آنرا ارتفاعات نسبتاً کوتاهی احاطه کرده جاده پس از عبور از این جلگه ذو عارضه که دارای بریدگی های زیاد میباشد داخل در دهلیز کوهستانی دیگری که عمق آن ۲٥ کیلو متر میباشد شده سپس داخل دشت پارکت میشود .

دشت پارکت دارای ٤۰ کیلو متر طول میباشد که‌طرف چپ آن‌ارتفاعات سمت راست ان تا افق بدون‌عارضه است که‌بعداً منتهی بدریامیشود پس‌از خاتمه جلگه پارك

جاده بین کرانه و یکرشته کوهستان پیش رفته و پس از عبور از ارتفاعات طیس خلیج را دور زده و به بندر چاه بهار میرسد .

۲ ـ از لحاظ منابع محلی

با اینکه دهستان نیك شهر وقصرقند از نقاط حاصلخیز و پر آب مکران محسوب میشود ولی بواسطه گرمای فوق‌العاده ناسازگاری هوا که در نتیجه مانع ازازدیاد سکنه‌و زیست میباشد وضمناً عدم شناسائی اهالی بامور کشاورزی این محور از لحاظ منابع‌محلی نیز مثل سایر نقاط ارزشی نداشته و حتی نمیتواند خواربار واحد های خیلی کوچك را هم در آبادیهای واقعه در روی این محور تهیه دید ـ تنها چیزیکه مختصراً اضافه بر ما یحتاج اهالی دراین منطقه وجود دارد خرما میباشد

۳ ـ از لحاظ نظامی

راه خاش به چاه‌بهار مهمترین راههای مکران محسوب میشود زیرا اولا درخاور ایران تنها راهی است که بدریا راه دارد ثانیاً بندر چاه بهار که در منتها الیه این محور واقع شده تنها بندر آزاد جنوب بطرف دریای عمان است

مواضع ـ نظر باینکه جاده خاش چاه بهار ازکوهستان و ارتفاعاتی عبور میکند که عموماً عمود باین محور میباشند لذا مواضعی که حائز شرائط لازمه باشد دراین‌محور زیاد دیده شده که مهمترین آنها عبارتند از :

۱ ـ تنك سرخه ـ این موضع دارای عمق کافی (۲۲ کیلومتر) بوده دورزدن آن مشگل دارای میدان دید و تیر خوب میباشد و بعلاوه تخریب در نقاط حساس این تنك برای جلو گیری و بطیع ساختن پیشروی‌وسائل موتوری حائزاهمیت زیادمیباشد.

۲ ـ ارتفاعات پیر کریك ، دارای عمق زیاد میباشد باینواسطه میتوان مواضع متعدد پیش بینی کرد ـ دور زدن آن مشگل میدان دید وتیر خوب.

۳ ـ ارتفاعات تیس ـ دارای عمق کافی میدان دید وتیر خوب دورزدن آن‌اشکال پذیر میباشد ولی از لحاظ منابع محلی هیچیك ازاین مواضع خوب نبوده و کلیه خوار بار مایحتاج عده ها باید تهیه شود

نتیجه — ۸

سوق و حرکت عده در این محور بواسطه گرمای فوق‌العاده و نایابی خوار بار و علیق و عدم وجود آب در قسمتی از راه بینهایت مشگل مخصوصاً برای قسمتهای پیاده و سوار لذا موقع عملیات در این محور بایستی از وجود واحد های محمول و مهاریست استفاده نمود. با توجه باین نکته که بایستی قبلا خوار بار مایحتاج عده هارا تهیه دید. ازطرفی نظر باینکه جاده مقدار زیادی در مسیل و خط‌القعر ارتفاعات عبور میکندلذا موقع بارندگی و طغیان آب جاده از حیز انتفاع خارج و بنا بر این بایستی تحت مراقبت و محافظت کامل قرار گیرد.

محور نفوذی نیك‌شهر به قصرقند

مقدمه ـ نیك شهر عبارت از بلو کی است بارتفاع ۶۶۲ متر از سطح دریا که مرکزآن آبادی نیك‌شهر بوده وسابقاً دارای ۲۵۰۰ نفر جمعیت ولی‌حالیه رو به نقصان‌است.

هوای این بلوك گرم ولی فاقد پشه های مالاریائی و نسبتاً هوای آن سالم است.

نیك‌شهر دارای چندرشته قنات کوچك‌است که حوائج اهالی‌را مرتفع وبطوریکه تحقیق بعمل آمده این آبادی درقدیم دارای قنات بزرگی بوده که امروزه خراب ومحتاج به تعمیرات واخیراً از طرف وزارت کشور مبلغ یکصد وبیست هزار ریال اعتبار برای مرمت آن قنات و ایجاد چند رشته دیگر تصویب گردیده که پس از ایجاد این قنوات می توان بآبادی وعمران این ناحیه درآتیه امیدوار گشت.

درسمت خاور نیك شهر رودخانه زاینده رودی جاری است که از شمال بجنوب ممتد ولی در تابستان آب آن تقریباً خشك میگردد ـ محصولات نیك شهر در درجه اول خرما ـ برنج ولی گندم کمتر زراعت شده بطوریکه کفاف اهالی را نمی نماید.

از نیك‌شهر دوجاده منشعب میگردد ـ اول ـ جاده نیك‌شهر بچاه بهار دوم جاده نیك شهر بایرانشهر که در شش کیلومتری آن جاده قصرقند منشعب شده و علاوه بر آن یك جاده پیاده‌رو دیگری نیز بطرف قصرقند منتهی میگردد اهالی نیك شهر بلوچ ودارای

مذهب اسلام و بآئین تسنن وحنفی میباشند .

قصرقند ـ این آبادی نیز در حدود ۶۰۰۰ جمعیت و مذهب اهالی اسلام تسنن و حنفی میباشند محصولات قصرقند ـ برنج ـ گندم ـ خرما ـ انجیر ـ مرکبات ـ انبه که اغلب این محصولات مازاد اهالی بوده وبخارج صادر میگردد .

قصرقند دارای قلعه‌قدیمی است که در وسط آبادی وروی‌تپه واقع وفعلا مسکون ولی تاریخ بنای آن معلوم نیست آب جاری این‌محل‌نهر خواجه‌است که درمخرج‌باختری قصرقند جاری وبمصرف شرب اهالی وزراعت میرسد ـ قصرقند دارای ۱۷ قنات‌دیگر بوده که احتیاجات اهالی را بقدر کافی‌مرتفع می‌سازد مسافت قصرقند تامرز تقریباً ۱۵۰ کیلومتراست

عده‌ئی از اهالی قصر قند با لباس های محلی خود

از قصرقند محورهای زیرین منشعب شده وبنواحی مختلف امتداد می‌یابد

۱ ـ جاده شوسه قصرقند به نیک‌شهر

۲ ـ جاده پیاده رو قصرقند به راسک که از آنجا دو شعبه شده یکی به‌پیشین و دیگری در امتداد رودخانه سرباز بآبادی سرباز منتهی میگردد

۳ ـ جاده پیاده‌رو که به تلنک دشتیاری میرود

۴ ـ جاده پیاده رو که به ایرانشهر ممتدمیگردد

قراء اطراف آن عبارتند از حیت ـ بوکان ـ کشوك ـ لوریانی ـ بوك ـ توکال رایدر ـ ساری بوق ـ دربان ـ خوبان ـ امیری ـ صدوق ـ هزارئی ـ کلگر ـ سارتی ـ مچمی باش

طوایف آن عبارتند از بیلدی ـ باشنده ـ رئیس ـ دارزاده ـ زین الدین ـ جورك آباد.

از نیك شهر تا قصرقند درحدود ۷۲ کیلومتر بوده و جاده که بقصرقند کشیده شده از یك قسمت زمین عبور می نماید که تماماً پوشیده شده از کوهستان و تپه های زیاد است این کوهستانها درشمال وجنوب جاده تشکیل یك دهلیزی را داده‌اند که عرض آن ۲۰ و دربعضی نقاط به ۱۰ کیلومتر هم میرسد ـ سرتاسر این دهلیز تماماً سنگلاخ وسختی آن باندازه‌است که حرکت وسایط نقلیه درخارج جاده بااشکالات فوق العاده زیادی مواجه خواهد بود ـ کوهستانهای این دهلیز درجنوب جاده بنام بهشتی ـ یوسف درنگی کپچورك ـ آبدار ـ بوالنصر و چکوکان و درشمال جاده بنام خیر آباد ـ کستر کوه ـ کوه تران و کوه جندوکان و آوند درمحل مشهور می باشند ـ این دورشته کوهستان که دارای شیب خیلی تند میباشد پس ازمسیر ۳۵ کیلومتر از نیك شهر در بوالنصر بهم گره خورده ویك معبری بعرض تقریباً ۵۰ متر راتشکیل میدهد که ازاین نقطه کلیه آبهای جنوبی دهلیز بطرف نیك شهر وآبهای شمالی بطرف قصرقند جاری است کلیه مسیلهائیکه در این دهلیز مشاهده می‌شوند تماماً از کوههای جنوبی سرچشمه گرفته که عرض آنها درنقاط مختلفه به ۱۰۰ الی ۵۰۰ مترمیرسد واغلب آنها بدون بریدگی می باشند.

کلیه ارتفاعات واقعه دراین دهلیز برای پیاده وسوار صعب العبور و برای وسایط موتوری غیرقابل عبورودارای هیچگونه آبی هم نمی باشند.

این دهلیز ازنظر طبیعی وجغرافیائی بدودهلیز مشخص تقسیم می‌شود ـ دهلیز باختری از نیك شهر تا چندوکان و دوم دهلیز خاوری ازچندوکان تاقصرقند که اولی در حدود ٤۰ کیلومتر ودویمی ۳۲ کیلومتر مسافت دارد.

دهلیز باختری بکلی خشك و خالی ازآبادی وسکنه بوده وفقط درحاشیه مسیل‌ها دربعضی نقاط چند دسته درختهای خرما وسقز و گزمشاهده میگردد ـ مسیل های زیادی دراین دهلیز دراثر آبهائیکه موقع باران از کوههای جنوبی سرازیرشده تشکیل گردیده و

فقط درهمان موقع‌هم دارای آب می‌باشند .

جادهٔ که دراین دهلیز ممتد میباشد درچندین نقطه بدون پل از این مسیل‌ها عبور ولی درصورت وجود آب درداخل مسیل ها عبور ومرور غیرمقدور بنظرمیرسد .

این دهلیز پوشیده شده است از یکرشته تپه های پیوسته که در بعضی نقاط هم تپه های منفرد خاکی بنظر میرسید که ارتفاع آنها بتفاوت از ۱۰ تا ۵۰ متر میرسد این تپه ها در اغلب نقاط چسپیده بجاده و در بعضی نقاط بمسافات مختلف از ۵۰ الی ۳۰۰ متر از جاده دور شده اند ـ ارتفاعات طرفین این دهلیز در این منطقه بهم نزدیک و عرض دهلیز را به ۹ الی ۱۰ کیلو متر رسانیده اند .

دهلیز خاوری بواسطه رودخانه زاینده رود وقنوات زیاد تا اندازهٔ آباد وحاصل خیز وقابلیت سکونت را داردچنانچه سرتاسر این دهلیز ازچند وکان تا قصر قندپوشیده از نخلستانهای زیاد و چندین آبادی هم در آن نیز وجود دارد که گندم و جو و برنج در آنها بطرز خوبی بعمل آمده و مایحتاج ساکنین این دهلیز را مرتفع می‌نماید .

تعداد نفوس این دهلیز تا قصر قند بالغ بر ۸۰۰۰ نفر میباشد ـ این دهلیزازنقطه نظر طبیعی شبیه بدهلیز باختری است با تفاوت آنکه ارتفاعات شمالی در این دهلیز از جاده دور افتاده و عرض دهلیز را به ۲۰ الی ۲۵ کیلومتر رسانیده‌اند ولی ارتفاعات جنوبی در ۲ ـ ۳ کیلو متری جاده امتداد دارد .

آبادیهای واقعه در این دهلیز عبارتند ازچند وکان ٤٤ کیلو متری وذرفون٤٩ کیلو متری وساربوق ۵۲ کیلومتری و کشوك٥٤ کیلو متری حیت٥٩ کیلومتری‌از نیك شهر .

هوای این دهلیز گرم و ساکنین آن بلوچ و بآئین تسنن می باشد ـ منابع محلی این دهلیز خرما ـ گندم ـ جو ـ برنج می‌باشد و از این محصولات فقط خرما مازاد داشته که بخارج حمل میگردد .

وسایط حمل و نقل در این دهلیز منحصر بشتر و الاغ بوده که تعداد آنها به به ۱۰۰۰ رأس میرسد .

جاده قصرقند که در ۱۳۱٦ ساخته شده بواسطه کمی عرض جاده (تقریباً ٦

متر) و عدم رعایت اصول راهسازی در آن که اغلب بدون پل است و از روی چندین مسیل عبور می‌نماید چندان ارزش مهمی‌را دارا نمی‌باشد - از نیك شهر تاچندوکان جاده بشکل فراز و از آنجا تا قصرقند درحال نشیب است .

وضعیت منطقه از نقطه نظر نظامی - راه‌پیمائی - حرکت رسته‌های مختلف‌دراین دهلیز که‌سرتاسرآن سنگ‌لاخ‌وپوشیده‌ازتپه‌های زیادودریك قسمت آن‌دارای نخلستانهائی است فقط منحصر بجاده میباشد ولی عبور وسائل سنگین بواسطه عدم استحکام جاده که‌بدون پی ساخته شده‌است خالی ازاشکال نمی‌باشد و از طرف دیگر چون جاده در این‌دهلیز از وسط یك رشته مسیل و تپه های زیادی عبور می‌نماید پست و بلندیهائی در جاده تولید نموده که حرکات‌هرگونه وسایل رابطیع می‌نماید بطوریکه سرعت وسائل خودرو سواری در این دهلیز از ۱۵ - ۲۰ و برای باری از ۸ - ۱۰ کیلومتر در ساعت میرسد - وچون در دهلیز باختری‌ابداً آب وجود نداردوعمق آن درحدود ۴۰ کیلومتر می‌باشد بایستی ستونهای موتوری برای یك روز و ستونهای پیاده برای دو روز آب همراه داشته باشند

دردهلیز باختری که ازهیچگونه عارضه پوشیده نیست وازطرف دیگر هوای آن فوق‌العاده گرم می‌باشد راه‌پیمائی در آن باید شبانه انجام گرفته ولی در دهلیز خاوری که تقریباً پوشیده از نخلستان است ممکن است در روزهم راه‌پیمایی نموده آنهم برای واحدهای پیاده وسوار که می‌توان از خارج جاده حرکت نماید ولی برای واحدهای موتوری راه‌پیمائی روزانه در این دهلیز عملی نیست

ازنقطه نظر توقف - چون در دهلیز باختری هیچگونه آبادی پیدا نمی‌شود برای استراحت شبانه افراد باید در این منطقه ازاردوگاه استفاده نموده درصورتیکه ازحیث آب و آذوقه کاملا پیش‌بینی‌های لازم بعمل آید ولی ازچندوکان تاقصرقند چون‌چندین آبادی نزدیك بهم وجود دارد انتخاب منزلگاه مساعد میباشد .

این دهلیز از نقطه نظر دفاع در مقابل متعرضی که از طرف قصرقند مشغول

پیشروی است دو موضع مناسب را دارا بوده که اولی موضع بوالنصر و دویمی موضع چندوکان است

اهمیت موضع بوالنصر بیشتر از موضع چند وکان است زیرا موضع بوالنصر موضعی است عمیق دارای میدان دید و تیر خیلی خوب و از جناحین متکی بارتفاعات صعب العبور بوالنصر و بران ـ دارای گردنه است بنام گردنه بوالنصر که جاده از این گردنه با یك شیب تند و با پیچ و خمهای زیاد بسمت خاور ممتد می باشد و این موضع در جلو دارای مسیلی است که بطور موازی با موضع قرار گرفته و عمق بریدگی آن ۲ الی ۳ متر میباشد .

عرض این موضع از موضع چند وکان کوتاه تر ولی پیشروی ارابه جنگی بین این دو موضع از نقطه نظر سنگلاخ بودن‌زمین غیر ممکن وفقط منحصر بجاده خواهد بود و هرگاه تخریبات و یا موانعی در این جاده بطور خوبی بعمل آید حرکت ارابه ها غیر مقدور خواهد بود

محور مواصلاتی فقط منحصر بجاده قصر قند است .

موضع دوم چند وکان که درده کیلومتر خاوری موضع اولی میباشد درجه دوم اهمیت را حایز زیرا با داشتن میدان دید و تیر خوب مسیر آن مطول و از طرفین هم بیك ارتفاعات مستحکمی متکی نمیباشد و ممکن است با اجرای عمل احاطه این موضع سقوط نمایدو برای موضع دفاعی بوالنصر این‌موضع را بطرز پوشش می توان‌انتخاب نمود چه بدلایل مندرجه‌ارزش دفاعی آن کامل نمی باشد .

اجرای عمل تأخیری دراین دهلیز بواسطه وجود موانع زیاد وپیوسته کاملا قابل اجرا میباشد و از نقطه نظر تعرضی چون ارتفاعات طرفین این دهلیز کاملا در موازات جاده امتداد دارند لذا با در دست گرفتن ارتفاعات مزبور تعرض در این دهلیز میسر ولی از لحاظ‌آن که سر تا سر این دهلیز ذوعارضه و سنگلاخ است پیشروی در آن خالی از اشکال نبوده و شرکت ارابه در عملیات در این دهلیز خالی از اشکال نخواهد بود .

نتیجه ـ بطوریکه ملاحظه میشود دهلیز قصر قند یکی از حساس ترین و حاصل خیز ترین مناطق مکران محسوب و بواسطه سکونت زیاد و وجود آبادیهای متعدد و اب در این دهلیز دارای اهمیت مخصوص بوده در صورتیکه مناطق باختری این دهلیز بکلی بایر و هیچگونه ابادی در آن دیده نمیشود بدین لحاظ تصور میرود که متعرض احتمالی اگر باین مناطق خیال تجاوز داشته باشد مسیر خود را در این دهلیز انتخاب وجدیت خواهد کرد که باپیشروی در دهلیز قصر قند به ابادی نیك شهر رسیده وارتباط مناطق جنوبی وچاه بهار را از قسمتهای شمالی قطع نماید

جاده نفوذی ـ خاش ـ سراوان ـ کوهك

این جاده بطول ۲۷۳ کیلومتر است که بطرف جنوب خاوری خاش ادامه دارد

این جاده را در دو قسمت زیر بررسی مینمائیم:

قسمت خاش تا شستان ۱٦۲

از شستان تا کوهك ۱۱۱

جاده از خاش تا سراوان

ـ از لحاظ جغرافیائی

مسیر همگانی جاده از خاش تا سراوان در سمت جنوب خاوری ادامه دارد . مسافت تا مرکز بخش سراوان شستان ۱٦٥ کیلو متر است این جاده بعرض ۸ متر از لحاظ نظامی ساخته شده بطور کلی جاده در یك دهلیزی بعرض ٦ الی ۷ کیلو متر عبور میکند و تقریباً یك دشت مستطیلی را تا سراوان بنظر میرساند اسامی ارتفاعات طرفین جاده که این دهلیز را تشکیل داده به قرارپائین است :

ارتفاعات سمت راست از خاش پنج انگشت سورپیچ کره برك مرگوگ رندی،

ارتفاعات سمت چپ پیل پی کوه سفید کوه سیاهان

درتمام مسیر ۱٦٥ کیلومتر فقط یك قسمت کوهستانی در۳٥ کلیومتری خاش تقریباً بعمق ٥ کیلومتر بارتفاع مختلف عرضاً جلگه را قطع کرده است .

۱ - از خاش تا سراوان سه دشت باسامی مختلف دیده میشود . دشت خاش یا گرنچن تا کوه ملك‌مر کوك بعمق ۳۰ کیلو متر آبادیهای زیر در مسیر جاده مشاهده شده که بر علی محمد آباد ناصری وارد آباد کمال آباد که از چندی قبل خالصه شده اند .

۲ - دشت سیمنش از دامنه جنوبی ارتفاعات گردنه انجیرك تا آبادی گشت بعمق ٩٤ کیلو متر که آبادی در آن نیست فقط اشجار گز کوتاه و بلند و بطور تنگ وجوددارد .

۳ - دشت سراوان از گشت که آبادیهای نامبرده زیر گشت - کهن داود - هوشك بخشان - شستان دراین دشت مشاهده وملاحظه میشود

بخش سراوان دارای سیصدآبادی باسامی مختلف است بطورکلی درمسیرجاده و اطراف آن موانع طبیعی وجود ندارد .

مسافات بین نقاط مشخص ازخاش تا شستان بشرح پائین‌است :

خاش‌تا کهریزعلی	۲ کیلومتر	گشت تا کهن داود	٤۰ کیلومتر
کهریزعلی تامحمدآباد	۱ کیلومتر	کهن‌داودتا هوشك	۱۳ کیلومتر
محمدآبادتاناصری	۲ کیلومتر	هوشك تا نجستان	٤ کیلومتر
ناصری تا کمال‌آباد	٤ کیلومتر	نجستان تا شستان	٤ کیلومتر
کمال‌آبادتا گردنه انجیرك	۳۱ کیلومتر		
انجیرك تا گشت	٦۳ کیلومتر	جمع	۱٦٥ کیلومتر

جاده های منشعب از محور همگانی خاش وسراوان عبارت اند :

۱ ـ سه جادهٔ خودرو ویکجا بهپسکوه زابلی و بیگلری بطرف سراوان سومی به طرف سیب سوران

۲ ـ دو پیاده رو یکی بطرف سیاهان که داخل گردنه بادامك دیگری به طرف ماهوك

پیاده روها با هزینه کم موتوررو خواهدشد.

آب و هوا منطقه گرمسیر بارندگی کم‌در زمستان‌اغلب‌هوامتغیر است خصوصاً در حدود سراوان

ب ـ از لحاظ اقتصادی

حداکثر سکنه در حدود ۷۰۰۰۰ نفر که در ۳۵۰آبادی مختلف بابخش‌سراوان سکونت دارند:

زراعت. گندم ـ جو ـ زرت ولی کفاف احتیاجات را بزحمت میدهد بعلاوه محصول پنبه و خرما از محصول عمده ابادی های این منطقه میباشد که صادرات هم دارند. میوه جات گرمسیری از قبیل انار ـ انجیر ـ انگور یافت میشود.

از حیث اغنام واحشام بشرح پائین:

گوسفند ۱۲۰۰۰ ـ شتر ۵۰۰ ـ الاغ ۲۰۰۰ ـ گاو ۱۵۰ ـ آب در حدود خاش بحد کافی ولی هنوز بغیر از چند قنات دائر نشده در حدود سراوان هرآبادی یك‌قنات دارد باستثنای شستان که چهار رشته قنات دارد.

ج ـ از نظر نظامی

در سمت‌سراوان چنانچه از طرف جنوب خاور احتمال تجاوزاتی باشدمواضعی که از نظر نظامی دارای مزایای نسبتا مشخصی‌باشد سه موضع است:

۱ ـ گردنه انجیرك در ۳۵ کیلومتری خاش

دارای دیدکافی وامکان نفوذ

پیوسته و با عمق کافی در حدود تقریبا ۷ کیلو متر میباشد از سایر مواضع دیگر از نظر دفاعی بهتر است .

۲ - موضع دوم در ۷۰ کیلومتری خاش

بمحاذات ارتفاعات مرکوك بعمق ۳ کیلو متر از باختر بخاور در جلگه پیشرفته این موضع قابل دفاع هست لیکن امکان دور زدن درسمت خاور سهل است واز طرفی منابع محلی بهیچوجه یافت نمی شود و چنانچه موضع تأخیری استفاده برده شود خوب است

۳ - موضع سوم گشت است

این آبادی بین خاش ـ سراوان و واقع بودن در دامنه ارتفاع سیاهان کوه و همچنین وجود یك بریدگی اهمیت خاصی باین موضع میدهد مخصوصاً که تا اندازه امکانات محلی برای قسمتها میسر است .

نتیجه

۱ ـ جاده خاش ـ سراوان موقتی وبرای حرکت یك ستون ممکن‌است

۲ - اعزام قوا در همه فصول ممکن نیست زیرا آب کم ومنطقه گرمسیر ومحل سکونت ندارد .

۳ - منابع محلی محدود و حتی بقدر احتیاج اهالی نیست فقط خرما اضافه بر مصرف دارند ولذا باید احتیاجات یك قسمت نظامی از هر حیث قبلا تامین گردد .

٤ ـ اعزام قوا در این منطقه اگر محمول و جماز نباشد باعث فرسودگی‌است .

جاده شبستان (شستون) کوهك

جاده شهستان (شستون) کوهك بطول ۱۱۱ کیلو متر میباشد

وقتی که از شستون بطرف کوهك حرکت نمائیم ابتدا جلگه هواری است

بطول ۲۸ کیلو متر که کوههای سیاهان در خاور و کوه رندی در باختر آنرا احاطه نموده اند ـ فاصله بین این دو کوه ۲۰ ـ ۲۵ کیلو متر میباشد

پس آزآن راه وارد منطقهٔ میگردد که آبهای دامنه جنوبی سیاهان کوه بریدگیهای عمیق و عریضی در آن بوجود آورده و این دره ها عموماً آبهای سیلی‌را بطرف رودخانه ماشکل جریان میدهند (رود خانه ماشکل شعب عدیده دارد که از سیاهان کوه و کوه بیرك و درازنان کوه سرچشمه گرفته پس از اتصال با یکدیگر از مرز ایران در جنوب خاوری کوهك خارج و متوجه شمال شده وارد هامون ماشکل که در خاك بلوچستان انگلیس است میگردد

دره رودخانه مزبور راه نفوذی مهمی را بطرف شستون باز مینماید) عمق این منطقه در حدود ۳۸ کیلومتر میباشد .

پس از منطقه فوق راه وارد دهلیزی میگردد که در سمت شمال همان سلسله سیاهان کوه بفاصله ۱۰ کیلو متر واقع شده و جنوب آنرا بستر رود خانه ما شکل از باختر بخاور شیار نموده است .

در جنوب رود خانه ما شکل کوههای بم پشت بفاصله تقریباً ٤۰ کیلو متر امتداد یافته است .

بنابر مراتب فوق‌راه ازدهلیزی میگذرد که عرض آن تقریباً ۵۰ کیلومتر میباشد .

سپس جاده تپه ها و مسیلهای دامنه جنوبی سیاهان کوه‌راتا کوهك میپیماید .

کوهك تامرز از سمت شمال ۳ کیلومتر و از سمت خاور درحدود ۱۸ کیلومتر مسافت دارد ـ آبادیهائیکه در امتداد این راه واقعند عبارتند از :

شهستان (شستون) که در ۱٦۷ کیلو متری خاش واقع شده است در حدود ٤۰۰ خانوار جمعیت دارد ـ محصول عمده آن خرماست ولی‌غله اش باندازه کافی‌نیست و کسری آنرا ازایرانشهر تأمین مینمایند .

اخیر درصدد پرورش اشجار مرکبات و میوه نیز برآمده و نتایج خوبی گرفته‌اند
این آبادی از سه قنات مشروب میگردد
تعداد گاو و گوسفند آن خیلی قلیل است . برای بارکشی منحصراً از شتر و الاغ استفاده میشود که تعداد آنها نیز خیلی قلیل میباشد.

در ۵ کیلومتری شستون آبادی داور پناه (دیزك سابق) و به ترتیب آبادی هرگان زنگیان ـ قریه محمدی ـ آسپیچ ـ هینوك ـ زیارك در کناره جاده و پیوسته یکدیگر واقعند که جمعا با داور پناه در حدود ۱۰۰۰ خانه‌وار جمعیت دارند.

بین آبادیهای فوق سه آبادی شهستان (شستون) ـ داور پناه ـ قریه محمدی از حیث جمعیت و آبادی برسایرین رجحان دارند .

مرکز بخش داری ویك دبستان در شهستان و شعبه گمرك در داور پناه میباشد
محصول عمده آبادیهای بالا عبارت از خرما که باندازه احتیاجات اهالی است
گندم و جو در سالهای خوب باندازه احتیاجات اهالی بدست میاید وسایرسالها بایستی کسورات غله خودرا از ایرانشهر و بمپور تامین نمایند .

آب مصرفی بوسیله قنات تامین میشود ولی تعداد قنوات کم و بواسطه کمی آب اهالی دچار زحمت هستند کلیه آبادیها درطول ۱۱ کیلومتر ومتصل به یکدیگر درکنارجاده واقع شده‌اند.

از آبادی زیارت تا کوهك دره های عریض متوالی سیاهان کوه جاده را قطع نموده است

در ۱۵ کیلو متری زیارت آباد گلپورگان واقع شده که‌دارای ۲۰ خانوار جمعیت و محصول عمده‌آن خرما میباشد .

در ۳ کیلومتری باختراین آبادی‌بریدگی بعرض ۱۵ متر وبعمق ۲ تا ۳ متر موسوم

به بریدگی کلپورگان واقع شده است و دریك کیلو متری خاور این بریدگی جاده شوسه جالق از جاده شهستان (شستون) ـ کوهك جدا میگردد .

در کلپورگان یك کوره کوزه پزی موجود است .

محصول این آبادی فقط خرما است ـ گندم وجو خیلی جزئی است ـ دارای یك قنات آب که ابش باندازه کافی نیست در ۷ کیلو متری کلپورگان آبادی دهك واقع شده که‌دارای ٦۰ خانوار جمعیت است و محصولات آن (خرما ـ گندم ـ جو) فقط باندازه مصرف اهالی است .

نخلستان دهك در بریدگی وسیعی که بعرض ٤۰۰ متر و بعمق ۳ متر میباشد واقع گردیده .

از ٤ کیلو متری دهك دره های سیاهان کوه شروع و تا عمق ۱۳ کیلو متر این دره ها با پیچ وخم های متعدد ممتد و در داخله آنها تپه های زیاد مشاهده میشود .

در انتهای این دره ها دره موسوم به نائی چك واقع شده که دارای آب قنات مختصری با نخلستان کوچك است .

در ٥ کیلو متری نائی چك ابادی مورت واقع گردیده که دارای ۱۰ خانوار جمعیت است آبش خیلی کم و محصول خرمای ان قلیل است .

در ۷ کیلومتری مورت‌آبادی اسفندك و در دو کیلو متری جنوب اسفندك آبادی درپد واقع است این دوآبادی مجموعاً دارای ٤۰ خانوار جمعیت‌و فقط دارای نخلستان مختصری میباشد آب این دو ابادی بوسیله یك قنات کوچك تأمین میشود .

پس از اسفندك جاده از دامنه های جنوبی سیاهان کوه در عمق ۳۲ کیلو متر که تماماً تپه زار میباشد عبور مینماید این تپه ها اغلب خاکی و احیانا سنگلاخی میباشد .

در ٥ کیلو متری دره نائی چك از طرف شمال رشته‌تپه خاکی بجاده نزدیك‌شده که موسوم به سبدان سر است .

در ۵ کیلو متری تپه مزبور آبادی کوهك واقع است که دارای ۷۰ خانه وار جمعیت و محصول عمده انها خرماست ـ غله اش قلیل و آب بیش از یك قنات نبوده و آب انهم کم است .

آبادی کوهك آخرین ابادی مرزی است .

منظره دورنمای کوهك از مرز بلوچستان

ازلحاظ منابع محلی ـ منابع‌محلی ابادیهای فوق‌الذکر قابل‌اهمیت‌نبوده ومحصول عمده انها خرماست که فقط باندازه احتیاجات اهالی میباشد . گندم وجو کم وکسورات انها از ایرانشهر و بمپور تأمین میشود .

از حیث کمی آب عموماً در زحمت هستند و بهمان علت کشت وزرع انها خیلی کم وباندازه احتیاجات خود هم نمیباشد .

از لحاظ نظامی ـ اهمیت این منطقه فقط براسطه وجود جاده ارابه رو کوهك شهستان ـ خاش میباشد و این محور از محور های فرعی مرز های مکران محسوب میگردد که در موقع عملیات برای حفظ جناح راست و عقبه قسمتهائیکه در حدود میر جاوه و زاهدان عمل مینمایند مورد توجه است .

مواضع مهم دفاعی در این دهلیز که ۵۰ کیلو متر عرض آنست وجود ندارد زیرا همه‌جا قابل عبور و بخصوص دره رودخا نه ما شکل تا ارتفاعات بر ك (جنوب این دهلیز) قابل هرگونه نفوذ و عملیات احاطه ای میباشد .

منظره کوهك از روی ارتفاعات مرزی

نظر به فقدان آب وخواربار ومسافت زیاد بین منزلگاهها متعرض مجبور خواهد بود ازوسایل موتوری استفاده نماید و برای این‌منظور هم بایستی از جاده استفاده نماید و چون جاده شهستان ـ کوهك را بریدگی های متعددی قطع نموده لـذا با استفاده از بریدگیها و تپه‌های اطراف جاده وتخریب جاده درنقاط حساس میتوان عملیات تأخیری اجرا نمود .

نتیجه

نظر بخشکی و بی آبی که در این منطقه حکمفرماست سوق قوای عمده از آن مستلزم تدارکات فوق العاده سنگین میباشد . راه پیمائی پیاده ویاسوق ستونهای سوارنظام دراین منطقه غیر مقدور بخصوص جهت افرادیکه معتاد به آب وهوای گرم وخشك نباشند.

بهترین وسیله سوق قوا در این منطقه وسایل موتوری است که با منزلگاه های طولانی بتوان بسرعت این راه را طی نمود .

عندالزوم قوائیکه در این محور عمل نماید بایستی کلیه مایحتاج زندگانی حتی آب همراه داشته باشد وسائل ارتباطی (تلگراف ـ تلفن) هنوزدراین منطقه دائر نگردیده بهترین استفاده را از بی سیم وهوا پیمائی میتوان بدست آورد .

ساختمان جاده شستان ـ کوهك فوق العاده بد وطی آن بدون بلد مشکل میباشد .

جاده نفوذی دوراهی گلپورگان تا جالق مرز ۷٤ کیلومتر

جاده جالق از ۲۵ کیلومتری باختر گلپورگان ازجاده شستان (شستون) کوهك منشعب شده .

ابتدا بسمت خاور درجلگه صافی ممتد و پس از عبور از ۵۰۰ متری آبادی مختصر مشکوتاك در ٦ کیلومتری دوراهی داخل تنگه با پیچ و خمهای متعددی عبور و هرچه جلو تر میرود وسعت تنگتر شده بحدی که عرض آن در اغلب نقاط قریب ٤۰ متر میباشد .

پس از طی ۷ کیلومتر درتنگه جاده از گردنه کم اهمیت برنجنان وسمت عبور شمال پیش میرود .

وضعیت این تنگه درابتداء تا پس از طی ۸ کیلومتر از گردنه برنجنان طوری است که دامنه دو رشته ارتفاعات سیاهان کوه جاده را از طرفین احاطه ولی رشته ارتفاعات اصلی فاصله شان از یکدیگر در اغلب نقاط در حدود ۱۰۰۰ مترمیباشد .

پس ازطی ۸ کیلومتر از گردنه برنجنان جاده بستر رودخانه پورك ابتداء درسمت شمال خاوری وپس آن بسمت خاور ممتد و در کیلومتر ۳۷ ازدوراهی به آبادی ایمانی میرسد قبل از رسیدن باین آبادی یعنی در ٤ کیلومتری ان جاده بستر رود خانه کلاگان

را که بسمت جنوب جریان دارد قطع مینماید از این نقطه تقاطع یك جاده ارابه رو خراب در امتداد رودخانه کلاکان تا اسفندك (بین ستون کوهك) ممتد است.

تنگه در منطقه بستر رودخانه پورك وسیعتر شده بطوریکه فاصله بین ارتفاعات طرفین در حدود ۲ کیلومتر میباشد.

آبادی اعابی دارای ۲۰ خانوار جمعیت - یك قلعه نسبتا بزرگ و نخلستان خوبی میباشد محصول عمده آن خرماست که از مصرف اهالی تا اندازه اضافه و به سایر نقاط حمل میشود.

این آبادی دارای یك رشته قنات است که آب آن کافی میباشد.

در ۳ کیلومتری اعابی آبادی پهره (پهورا) واقع که دارای ۱۵۰ خانه وار جمعیت میباشد نخلستان آن خیلی خوب ولی غله آن کم است آب آن باندازه کافی میباشد.

جاده از آبادی اعابی ببعد دردره مصفای پر آبی بسمت شمال پیش میرود

در ٦ کیلو متری پهره آبادی بالا کلا که درحدود ۱٦ خانوار جمعیت دارد واقع دارای نخلستان نسبتاً بزرگ و آب کافی میباشد.

دردو کیلومتری بالا کلا آبادی لجی واقع است . دراین آبادی جاده دوشعبه شده یکی مستقیماً بطرف جالق ممتد و دیگری در سمت شمال خاوری آبادی ناغان (تقریبا در ۱۰ کیلومتری لجی) وکلادین (تقریباً دو ۳ کیلومتری ناغان) را بیکدیگر متصل مینماید از آبادی اخیر یك راه ارابه رو مستقیماً بسمت جالق ممتد وراه دیگر بسمت مرز میرود مسافت این جاده ارابه رو از آبادی کلادین تا خط مرز تقریبا ٦/٥ کیلومتر میباشد.

درآبادی لجی شعبه گمرك پاسگاه امنیه موجود است.

از آبادی لجی تا جالق که ۲٦ کیلو متر میباشد جاده در ابتداء در حدود ٥ کیلومتر در امتداد بستر رودخانه کلا کان در سمت شمال پیش رفته و پس از آن داخل دشتی شده که در اطراف آن بعضی تپه های خاکی کوچك موجود و از حدود ۱۰ کیلو متری جالق بر تعداد تپه ها افزوده شده بطوریکه خود آبادی جالق از سمت جنوب - شمال و باختر از این تپه ها احاطه شده است ولی از سمت خاور کاملا باز می باشد.

جالق آبادی نسبتاً بزرگی است که دارای چهار هزار نفر جمعیت میباشد.

محصولات عمده ان خرما ـ گندم ـ جو ـ زرت است که باندازه مصرف اهالی می باشد.

از جالق دو جاده بسمت مرز ممتد است که یکی مهم و ارابه رو میباشد مسافت آن تا خط مرز در حدود ۲۱ کیلومتر است ـ دیگری مالرو است که در حدود ۱۰ کیلومتر مسافت دارد بعلاوه از جالق یك جاده ارابه رو بسمت ناهو ممتد و از ناهو تا گشت مالرو میباشد.

از لحاظ منابع محلی ـ آبادیها ئیکه در امتداد جاده کلپورگان ـ جالق واقعند از حیث منابع محلی فقیر فقط محصول خرمای آنها باندازه مصرف اهالی میباشد.

از حیث گندم و جو فقیر هستند زیرا زمین باندازه کافی برای کشت ندارند (بواسطه کوهستان بودن منطقه) در صورتی که آب باندازه کافی در این دره موجود است.

از لحاظ نظامی ـ چون کوههای این منطقه کاملا درهمه جا قابل عبور پیاده رو هستند لذا از اهمیت آنها کاملا کاسته شده و مواضع دفاعی خوبی نمیباشند.

اهمیت این منطقه از حیث جاده‌های ارابه روست که تا جالق و مرز ممتد هستند می باشند.

از لحاظ عملیات نظامی در این محور که ازمحورهای فرعی مرز مکران میباشد بواسطه بودن مواضع غیرقابل عبور و کم اهمیت بودن منطقه دفاع قطعی مناسب نمیباشد.

ولی با استفاده از ارتفاعات طرفین جاده و تخریب جاده در نقاط حساس آن اجرای عملیات تأخیری کاملا خوب بنظر میرسد.

نتیجه

نظر باینکه محور جالق شستون یك محور نفوذی بسمت خاش وزاهدان است لذا بایستی این محور را مانند سایر محور های فرعی در دست داشت.

در این محور پیاده و سوار بر خلاف سایر محور های مکران قادر بحرکت بوده آب در تمام‌مسیر راه یافت میگردد ومنابع محلی نیز تا حدی قابل استفاده خواهد بود .

وسائل ارتباط (تلگراف ـ تلفن) دراین‌محور موجود نست لذا بایستی ازوسائل بی سیم وآئینه مخابره (جهت مسافات کم) استفاده نمود و بخصوص هوا پیما در این منطقه قابل‌استفاده‌است :

قسمت سوم راه ازآبادی جالق بطرف سغ سوخته شروع شده طول این راه ۴۷ کیلومتر وچون شوسه نشده است مشخصات دیگری ندارد .

از جالق تا ۱۳ کیلومتر اساساً راه وجود نداشته وبایستی از داخل مسیر رودخانه جالق عبور نموده که چون ته رودخانه دارای سنك زیاد میباشد عبور با نهایت سختی و در هرساعت دوکیلومتر خواهد بود و بسمت شمال خاوری ادامه دارد و در کیلومتر ۱۳ راه از بریدگی رودخانه بطرف شمال باختری خارج‌شده ودرزمین کویری که‌فقط یك راه پیاده رو آنهم در بعضی نقاط‌درنتیجه حرکت شنهای روان ازبین میرودحرکت مینماید . لیکن چون زمین محکم وخوبست تا کیلومتر ۴۵ عبور بآسانی‌ممکن وازآن محل تا ۴۷ که آبادی سغ سوخته میباشد بواسطه‌بودن شنهای روان عبور مشکل و بدون وسائط امکان‌پذیر نخواهد بود.

جاده مرزی بین زاهدان خاش ازمیرجاوه

مساحت از زاهدان‌تامیر جاوه ۸۴ کیلومتر

از زاهدان یك رشته خط آهن یکمتر و چهل تقریباً بموازات جاده تا میرجاوه امتداد دارد از میرجاوه ازخاك ایران خارج شده بسمت بلوچستان انگلیس ممتد و به نو کندی میرود .

جادهٔ زاهدان به میرجاوه از یك جلگه خشك كه در سمت راست آن ارتفاعاتی

منظرهٔ ارتفاعات لارد و ملك‌سیاه كوه كه در عقب آن رباط بلوچستان واقع شده
یك جنگل گزی در وسط دره ملاحظه میشود كه تا رباط امتداد دارد .

که فاصله آن با جاده ۱۲ کیلومتر ودر سمت چپ آن ارتفاعاتی که فاصله آن تا جاده ۵ کیلومتر وتقریباً یك دهلیز وسیعی تشکیل میدهد میگذرد .

در ۱٤ کیلومتری زاهدان یك رشته ارتفاعات خاکی بعمق ٤ کیلومتر از ارتفاعات سمت چپ جدا شده ویك رشته ارتفاعات خاکی در کوههای سمت راست جدا شده تقریباً بهمان عمق این دو رشته ارتفاعات خاکی در سمت چپ و راست یکدیگر را تلاقی نموده و جاده تقریباً ٤ کیلومتر از وسط این ارتفاعات خاکی میگذرد .

در ۳۰ کیلومتری زاهدان یك رشته ارتفاعات خاکی بارتفاع ۵۰ وعمق یك کیلومتر درطرفین جاده موجود پس از خروج جاده از این ارتفاعات تا میر جاوه در یك جلگه خشکی امتداد دارد .

در طول این جاده آبادی مشاهده نشده بلکه فقط یك پاسگاه امنیه و یك ایستگاه راه آهن در کچه رود ۲۵ کیلومتری زاهدان و یك پاسگاه امنیه در شصت کیلومتری زاهدان واقع است .

میر جاوه ـ

این آبادی از نقطه نظر کره مواصلاتی اهمیت خاصی دارد زیرا روی خط آهن نوکندی بزاهدان وروی خط شوسه خاش به زاهدان واقع گردیده بعلاوه محور مهمی که درب ورودی بلوچستان انگلیس بداخله ایران محسوب میشود دراین محل واقع است درزمان انگلیسها بنگاههای بزرك ازقبیل مرکز ارزاق ومهمات وایستگاه راه آهن نظامی دراین محل ساخته شده .

این آبادی دارای آب نبوده موقعی که انگلیسها شروع به کشیدن خط آهن و ساختن ایستگاه و سایر بنگاهها نظامی نموده‌اند استخری در ۶ کیلومتری ساخته و آب را از کوهستان بوسیله لوله های متعدد تامیر جاوه کشیده اند فعلا بواسطه لوله کشی دارای آب مشروب باندازه مکفی میباشد .

از میر جاوه بخاش .

مسافت ۱۲۰ کیلومتر

از میر جاوه بسمت خاش جاده بایك شیب ملایمی رو بارتفاعات کچا کوه بالا رفته‌سپس‌تاخاش بایك شیب‌ملایمی‌پائین میرود .

از ۷ کیلومتری میر جاوه بریدگی لادیز که بعرض ۱۰۰ متر وعمق ۱۰ متر است بموازات جاده امتداد دارد از ۱۰ کیلومتری میر جاوه جاده از بین یك رشته ارتفاعات خاکی کوتاه عبور کرده در ۲۰ کیلومتری ارتفاعات شروع‌شده چمنی بنام چمن‌دلیجان درسر راه موجود که در عقب آن مقداری گندم وجو بوده و دارای ٤ قنات که هر قناتی دو سنك اب دارد سکنه این محل چادر نشین و یك صد خانوار هستند محصول علاوه برمصرف اهالی ندارد احشام آن تقریباً ۱۰۰ گاو و ۲۰۰ شتر ۵۰۰ گوسفند است

از ۲۰ کیلومتری میر جاوه یك رشته ارتفاعات سنگی به ارتفاع تقریباً ٦۰۰ متر وعمق ۱٦ کیلومتر بموازات جاده امتداد دارد که جاده ازدره بین‌این دو ارتفاع‌میگذرد

در ۵۰ کیلو متری میر جاوه جاده از گردنه ارتفاعات فوق‌الذکر عبور کرده مجدداً داخل یك دره میشود که دو رشته ارتفاعات سنگی بموازات جاده امتداد دارد عمق این ارتفاعات ۱۰ کیلو متر و این ارتفاعات از جاده از یك الی دو کیلو متر مسافت دارد .

در ٦۰ کیلومتری میر جاوه جاده ازاین ارتفاعات از گردنه گذشته از آن به‌بعد بسمت خاش سرازیر میشود .

آبادی سنگان درزیراین گردنه دارای ۵۰ خانوار ۵۰۰ بز ۵۰ شترزراعت گندم باندازه مصرف سکنه دارددو رشته قنات که هر یك از یك سنك و نیم الی دو سنك آب دارد .

جاده در دامنه ارتفاعات سرازیر شده تا ۱۵ کیلو متری خاش از یك گردنه گذشته سپس داخل در جلگه شده و پس از ۱۵ کیلو متر به خاش میرسد .

وضعیت منابع محلی

وضعیت منطقه بین میر جاوه و زاهدان ـ میر جاوه خاش از حیث منابع محلی فوق‌العاده فقیر سکنه آن بزحمت میتوانند بعلت بی آبی وعدم استعداداراضی محصول خودشان را باندازه استمرار زندگانی خود تهیه نمایند .

لیکن از نقطه نظر استفاده نظامی روی هم‌رفته منطقه بین میرجاوه وخاش میتواند در حدود ۵۰۰ گوسفند ۱۰۰ گاو و ۵۰۰ شتر برای مصرف اردو کشی تهیه نماید .

این جاده چون در مجاورت مرز واقع شده یك جاده مرزی محسوب میشود .

محورهای بین کرمان ومکران

دو جاده بطرف منطقه مکران میتوان در نظر گرفت که قابل اتومبیل رانی است

در درجه ۱ جاده بم ـ فهرج ـ نصرت آباد ـ زاهدان

در درجه ۲ جاده بم ـ ریگان خاش

در بین این دوجاده ـ جاده ریگان بخاش به مرکز مکران نزدیکتر و از لحاظ نظامی قابل استفاده‌تر وحتی برای عبور در صورت توجه بهتر خواهد بود گرچه امروز این جاده متروك وکلیه آمد وشد چون از زاهدان انجام میشود از راه فهرج عملی میشود این دومحور را اینك تشریح مینمائیم .

جاده خاش بم

این جاده که یك جاده عرضی محسوب میشود خاش‌را به کرمان متصل وتقریباً یك‌جاده متروکه محسوب میگردد بطول ۳۹۷ کیلومتر مسافت ازخاش به سامسور ۱۴۵ کیلومتر سامسور تابم ۲۵۲ کیلومتر

قسمت بین سامسور تا یوسف آباد از وسط شن روان بایستی عبور نموده که زمین فوق‌العاده نرم ودر مسافتی درحدود ۵۰ کیلومتر فرو رفته و فوق‌العاده خطرناك

است بطوریکه جز برای ستونهای اتومبیلی و کاروانهای این راه برای عبور خودروهای منفرد فوق‌العاده خطر ناك است، مخصوصاً بواسطه بی آبی و درجه حرارت فوق العاده

جاده از خاش تا سامسور

۱ - شناسائی از لحاظ جغرافیائی

جاده پس ازخروج ازخاش بسمت‌باختر دریك‌جلگه مسطح پیش‌رفته ارتفاعات تفتان که در سمت راست جاده مشاهده میگردد دید خوبی روی جلگه و جاده دارد. درسمت‌چپ ارتفاعات پنج انگشت‌دیده‌میشود

دهلیز واقع بین این دو رشته ارتفاعات نسبتاً وسیع و در همه نقاط قابل عبور است پس از خروج از جلگه فوق جاده داخل تپه ماهور های کم اهمیتی شده سپس مجدداً داخل جلگه بازی میگردد تا ٤۱ کیلومتری که پاسگاه امنیه واقع است . این منطقه موسوم است به دولانه که‌دارای چاه آب است‌که سابقاً قنات بوده.

درکیلومتر ٤٤ یك جاده اتومبیل رو منشعب و بطرف زاهدان میرود . پس از آن درمقابل ودر سمت چپ جاده کوه چاه‌کاوی - کوه نادر - وکوه چاه شهی مشاهده میگردد و در سمت راست جاده گوهر کوه دیده میشودکیه این قسمتهای کوهستان دارای آب میباشد. جاده درکیلومتر ۵۰ بخط ارتفاعات نامبرده بالابرخورده که‌ابتدای تنگ جوری میباشد. ازتنگ جوری جاده درمسیل عبورمینماید که در مواقع‌بارندگی غیر قابل عبور است . طرفین مسیل را ارتفاعات احاطه نموده وسعت این تنك متغیر و تا ۲۰۰ متر میرسد عمق آن ۳۳ کیلو متر در مسیل و ارتفاعات جنگل تنگی که در قسمتهای آن معروف به بنه و خنجك میباشد وجود دارد . درتنك مزبور در کیلومتر

۸٤ یك جاده بسمت کاروانـدر و ایرانشهر منشعب میشود جاده مزبور اتومبیل‌رو وسیله نزدیکی برای ارتباط ایرانشهر و محور بم - کرمان میباشد. بدین ترتیب ایرانشهر از کاروانـدر بدو محور خاش و بم - کرمان متصل بوده واهمیت ارتفاعات کاروانـدر مشهود میشود.

در کیلومتر ۹۸ ابادی بوك واقع شده که جاده از چند کیلومتری آن میگذرد. این آبادی دارای ۷ - الی ۸ خانوار میباشد پس‌از خروج از تنك جاده وارد یك جلگه وسیع شن زاری میگردد که در بعضی نقاط آن توده های شن وجود دارد که مزاحم عبور ارابه ها میگردد در خارج از جاده عبور کاملا مشکل میباشد. جلگه نامبرده‌در ابتداء موسوم به جلگه قجر وسپس جلگه سامسور میباشد.

هدایت عده‌ها بدون بلدبخصوص درمواقع شب مشکل خواهد بود (پاسگاه‌امنیه در دشت سانسور در کیلو متر ۱٤۵ واقع میباشد).

رود خانه سامسوردارای عرض ۵۰ متر وعمق ۲-۳ متر میباشد. اغلب نقاط آن همیشه دارای اباست. آب آن شورودر اطراف آن چاههای آب شیرین‌موجوداست.

رودخانه مزبور از کوه بزمان که سمت چپ جاده قرار گرفته سرچشمه گرفته بطرف کویر زنگی احمدآباد جاری میگردد. وهردو جاده زاهدان وخاش را ازجنوب بشمال قطع مینماید.

جلگه سامسور مرتع خوبی برای احشام است مخصوصاً شتر.

۲ - از لحاظ اقتصادی

چون مسیر جاده بدون سکنه و ابادی است از این لحاظ فاقد عواید میباشد. فقط آب وجود دارد و موقتاً در فصل مساعد مرتع احشام واقع میگردد.

۳ - از لحاظ نظامی

اساساً این جاده جاده عرضی است که‌دو محور اصلی طهران - مکران وطهران- کرمان‌را بیکدیگر متصل مینماید. شوسه‌نیست. لکن با مختصر ترمیم کاملا قابل استفاده

ارابه میباشد ـ جاده مزبور در مواقع لازم برای تقویت پادگان های کرمان بوسیله پادگان های مکران و بالعکس قابل استفاده خواهد بود.

روی این قسمت جاده سه موضع تأخیری پیش بینی میشود .

الف ـ دامنه های ارتفاعات تفتان و پنج انگشت .

ب ـ رشته ارتفاعات نامور ـ چاه گاوی و گوهر کوه.

ج ـ ارتفاعات دوری.

مواضع مزبور برای اجرای عمل تأخیری و مسدود نمودن جاده مناسب میباشد ولی باید دانست که ار تفاعات نامبرده را میتوان دور زده و جاده های جماز رو در کوهستانات نامبرده موجود میباشد .

نتیجه

طول جاده از خاش تا سامسور ۱۴۵ کیلومتر عرض آن ٤ متر در اسفیدات جاده یکطرفه میباشد .

وجود توده های شن در بعضی نقاط جاده و دست انداز های متعدد عبور آنرا مشکل میباشد.

چون جاده در بعضی نقاط از مسیل میگذرد وعبور ازآن درمواقع بارندگی غیر مطمئن میباشد .

اجرای عملیات تأخیری روی این جاده بواسطه وجوداب و ارتفاعات تاسامسور مساعد لیکن چون از آن ببعد اب وارتفاعات و بریدگی رودخانه وجود ندارد عملیات روی این محور دچار اشکال خواهد شد .

جاده از سامسور به بم واز بم به کرمان

از سامسور به بم

جاده سامسور به بم شوسه نبوده بلکه چونزمین نسبتاً هموار واغلب اراضی قابل عبور وسائط ارابه ایست لذا معبر مال روی قدیم جزئی دستکاری شده و بواسطه قسمتی از سنك چینها که در طرفین جاده دیده میشود مسیر جاده نمایان است.

در طول مسیر اغلب جاده درزیر ماسههای بسیار که اغلب بوسیله جریان باد تغییر مکان میدهند مستور ودر نتیجه ممکن است عابرینرا به بیابان گرم و بیآب وعلف سرگردان سازد .

عبور مسیل های متعدد در این محور احداث دست انداز هائی نموده که عبور وسائط چرخی را دشوار میسازد.

لذا عبور باوسائط چرخی از این جاده مستلزم تشکیل ستونهای ارابهایست تا به کمك بلد های محلی بتوانند ازاین دشت گرم سوزان عبور بنمایند.

سایر رسته ها در صورتیکه آب مکفی نداشته باشند نمی توانند ازاین جادهعبور ومرور نمایند .

مسافت از سامسور به بم ۲۵۲ کیلو متر است

وضعیت مناطق

از سامسور تا رحمتآباد ۱۰۸ کیلو متری بم منطقه ماسهجز چاه آب که موسوم به چاه ملك استآبادی دیگری در سرجاده دیده نمیشود .

از رحمت آباد به وکیل اباد ۳۰ کیلو متری اراضی طرفین جاده دارای جنگلهای تنك گز ۳۱۲ پارچه ابادیهای نرماشیر دراین اراضی واقعند .

از وکیل اباد تا بم منطقه خشك و شن زار بهندرت ابادی در این منطقه دیده می شود .

آبادیهائیکه در سر راه واقعند

اسم ابادی	تعداد کیلومتر تا بم
شنك اباد	١٠٨
ریکان	٩٠
سوك اباد	٧٢
محمد اباد	٦٦
برج محمدخان	٦٠
عدل اباد	٥٤
حیدر اباد	٤٩
زاهد اباد	٤٨
وکیل اباد	٤٢
رستم اباد	٢٦
شوراب	٦

در سه کیلومتری وکیل ابادیك بریدگی بعرض ٣٠ متر وعمق ١٠ مترموجوداست.
در نزدیکی رستم اباد جاده زاهدان به بم از این جاده منشعب و سیم تلگراف زاهدان به بم در محازات ان امتداد دارد .
مواضع ـ در منطقه بین سامسور وبم بلا فاصله پس‌از خروج از سامسور یك رشته ارتفاعات منفرد موجود است که قابل استفاده برای عملیات نظامی نیست .
از این ارتفاعات تا ابتدای جنگل زمین صاف وبدون عارضه فقط قسمت جنگل گز مستعد عملیات تاخیری میباشد
ابادیهای بمیان جنگل چون دارای میدان دید و تیر نمیباشند قابل استفاده تدافعی و عملیات تأخیری نیستند.

محور بم به زاهدان

مقدمه

طول محور بم به زاهدان ۳۲۳ کیلومتر و عرض آن در نقاطی که جاده شوسه است از ٥ الی ۷ متر بوده ودو کامیون درپهلوی یکدیگر میتوانند عبور نمایند ودربعضی نقاط دیگر که جاده‌شوسه وجود ندارد بیابان صاف ویا صحرای صعب‌العبوری جاده را تشکیل میدهد وعرضی برای آن نمیتوان قائل شد .

اهمیت‌این محور بواسطه آنست که زاهدان که‌یك شهر مرزیست به‌بم و کرمان و یزد بالاخره بمرکز کشور متصل مینماید و کوتاه ترین راهی است که مرز جنوب خاوری را به کرمان اتصال میدهد .

نقاط عمدهٔ که درروی این محور واقع می‌باشد یکی خود شهر بم است که در سه‌راهی بم به‌زاهدان بم بکرمان و بم به‌بندرعباس واقع گردیده ولی این راه اخیرهنوز دردست ساختمان‌بوده وفقط تاجیرفت‌رسیده‌است

دیگر آبادی‌فهرج‌است که‌انتهای‌خاك‌کرمان‌بوده ودرسرد ومحوربم فهرج‌زاهدان و فهرج و خاش واقع گردیده است پس از آن نقطه مهم‌تر ازهمه خود زاهدان است در سر چهار راهی زاهدان به مشهد و زاهدان به میرجاوه و مرز وزاهدان به خاش‌و بالاحره زاهدان به‌بم و کرمان و یزد مرکز واقع گردیده است

ازنقطه نظر جغرافیائی و طبیعی

ازنقطه نظر طبیعی وجغرافیائی این محور بچندین منطقه مشخص تقسیم میشود :

منطقه یکم

منطقه یکم از بم شروع شده و در فهرج خاتمه می‌یابد .

طول این قسمت ٥٥ کیلو متر و عبارتست از یك جلگه حاصل خیز و دارای

آ بادیهای زیاد که بدو بخش کروك و نرماشیر تقسیم میشود :

بخش کروك از آ بادی بروات در ٦ کیلـو متری جنوب خاوری بم شروع شده و تا آ بادی و کیل آ باد خاتمه می‌یابد این بخش شامل ۲۰ پارچه آ بادی‌است که غالباً در قسمت جنوبی جاده واقع اند و آ بادیهای مهم آ ن از این قرار اند :

قلعه خان ـ محمد آ باد ـ شمس آ باد ـ ملك آ باد ـ چهار دانك ـ

بلوك نرماشیر از و کیل آ باد که در کیلو متر ۲۷ از بم واقع است شروع‌شده و در فهرج تمام می‌شود و شامل آ بادیهای زیادی است که ازطرفین جاده یعنی در سمت شمالی و جنوبی جاده واقع اند که مهم ترین آ نهـا عبارتند از آ بادیهای و کیل آ باد ـ مراد آ باد ـ عبدل آ باد ـ شاهرخ آ باد ـ زیاد آ باد ـ رستم آ باد ـ که در قسمت شمالی جاده واقعشد و آ بادیهای قـاسم آ باد ـ حسن آ باد ـ حسین آ باد قائم آ باد ـ عزیز آ باد کـه بمسافتهـای مختلف از قسمت جنوبی جاده واقع شده اند و بالاخره آ بـادی فهرج کـه در طرفین جاده واقع است

جاده بم تا فهرج جاده شوسه بوده و قابل عبور همه گونه وسائل می باشددراین قسمت یك رشته ارتفاعـات پستی کـه شامل یك سلسله تپه هـای متصل و منفرد بست باسم کوه کپوتی‌درقسمت شمال‌جاده‌بمسافت۱۲ کیلو متروبطور موازی واقع‌شده‌است که از شمال خاوری بم امتداد داشته و در مقابل آ بادی و کیل آ بـاد دو رشته میشود یك رشته آ ن بطرف‌جنوب خاوری امتداد داشته و بتدریج بجاده نزدیك‌میشود تا آ نکه در نزدیك فهرج بشکل تپه های منفردی در آ مـده و متصل بقسمت شمالی فهرح شده سپس تا ده کیلو متر خاور فهرج امتداد می‌یابد . از فهرج ببعد تمام این ارتفاعات بطور موازی باجاده واقع شده و بشکل تپه‌های‌منفردی می باشد کـه در طرفین جاده واقع‌است

رشته دیگر این ارتفاعات از مقابل و کیل آ باد بطرف خاور امتداد داشته و در شمال خاوری فهـرج بمسافت ١٤ کیلو متر از رشته اول تبدیل بـه یك ارتفاعات خیلی پستی شده و تمام میشود .

در قسمت جنوبی این محور بمسافت تقریبا ۷۰ کیلو متر از جاده کوههای بهیچ

که امتدادان بطرف جنوب خاوری است واقع و آبادی جیرفت در قسمت جنوب این ارتفاعات قرار گرفته است .

منظره اراضی در مجاورت فهرج که بواسطه شسته شدن بوجود امده

از این ارتفاعات جنوبی یك رود خانه جداشده که بطرف شمال خاوری امتداد داشته و در نزدیکی آبادی قاسم آباد و در جنوب جاده امتداد خودرا بطرف خاور گردانیده و از بین اباديهای نرماشیر گذشته سپس جاده بم به ریکان و خاش را قطع کرده و از مابین آبادیهای نرماشیر عبور نموده پس از آن اباديهای فهرج را بدو قسمت نموده و پس از طی مسافت زیادی از فهرج در بیابان جنوب خاوری آن با شعبات چندی تمام میشود این رودخانه در زمستان و تا آخر خرداد ماه دارای آب بوده و پس از آن خشك میشود . این رود خانه که آبادیهای نرماشیر را مشروب می نماید از یك بریدگی بعرض ۵۰ الی ۱۵۰ متر عرض عبور مینماید که نسبتاً پر عمق است .

در کیلو متر ۳۶ از مقابل آبادی زیاد اباد جاده بدو شعبه تقسیم میشود که یك شعبه آن بطرف جنوب خاوری امتداد داشته و بطرف خاش میرود و شعبه دیگر آن بطرف زاهدان متوجه میشود .

از کیلو متر ۳۶ تا فهرج در سمت شمال جاده و بلا فاصله متصل به آن بیشهٔ از درختهای گز زیاد مشاهده میشود که تقریباً طول ان به ۵ کیلو متر میرسد و پس از آن در طرفین جاده دیوارهائی‌شبیه به یك رشته آبادی‌های مخروبه مشاهده میشود که ابتدا تصور میرود در این قسمت آبادیهای زیادی وجود داشته که در اثر زلزله یا سیل خراب شده اند و از ان دیوار هائی باقی مانده است ولی پس از تحقیقات معلوم شد که این دیوار ها عبارت از تپه های منفردی است که در اثر سیلهای شدید شسته شده و به این شکل در امده است .

در این منطقه اهالی اب خود را بوسیله قناتها بدست اورده واز آبهای جاری هم استفاده میشود فهرج آخرین نقطه خاك کرمان بوده‌وازاین‌نقطه‌خاك مکران شروع‌میشود

منطقه دوم

منطقه دوم از ۱۲ کیلو متری خاوری فهرج شروع شده ودر کیلو متر ۱۷٤ که ابتدای منطقه کوهستانی است تمام میشود عمق این منطقه ۱۹ کیلو متر است این منطقه عبارت از یك صحرا ی شن زار لم یزرع و فوق العاده گرمی است که ابداً در ان اب وجود ندارد . این صحرا ها همان حاشیه جنوبی کویر لوت است که جاده از وسط ان عبور مینماید ، دراین قسمت‌جاده شوسه وجود ندارد بلکه همان رده چرخهای ماشینها تشکیل جاده را داده است ، عبور و سائط نقلیه در این قسمت فوق العاده مشکل و در شب و حتی چنانچه قبلا بوضعیت جاده اشنائی نداشته باشند در روز هم ممکن است خط سیر را گم نمایند .

در این قسمت شنهای روانی وجود دارد که غالباً مانع از حرکت ماشینها بوده و ماشینها در ان فرو میروند .

در این بیابان دو میله باسم میله نادری وجود داردیکی‌در کیلو متر ۸۳ و دیگری

میله نادری که راهنما است در شورگز لوط

در کیلو متر ۱۲۱ این میله ها را نادرشاه افشار از نقطه نظر راه نمائی مسافرین که راه خودرا گم نکنند،ساخته است ولی‌میله دومی که در کیلو متر۱۲۱ واقع است خراب شده.

در این کویر ابادی ابداً وجود ندارد مگر دو پست امنیه یکی در کیلو متر ۱۰٤ موسوم به شورگز و یکی دیگر در کیلو متر ۱۳٤ موسوم به کهورك در این دو محل علاوه بر پست امنیه تلفن خانه هم وجوددارد درپست شورگز اب مشروب خودرا از چاه بدست اورده در پست کهورك بوسیله چشمه که در دامنه ارتفاعات واقعه در سه کیلو متری جنوبی کهورك واقع است بدست میاورند .

بدترین و سخت ترین محل عبور از شورگز تا۱۲ کیلو متری خاور اینجا میباشد

که تپه های شنی زیاد بهم در این قسمت مشاهده میشود که در اثر طوفهای شنی تولید شده است .

گر چه ظاهراً در این اراضی در سطح زمین آبی وجود ندارد ولی چنانچه بعمق نیم متر این زمینهای شنی را حفر نماید آب بدست خواهد امد و این وضعیت در غالب نقاط این کویر دیده میشود ولی آبی که بدست میاید قدری گس است .

بعضی اوقات در این کویر بادها و طوفانهای خیلی سختی وزیده که تولید طوفانهائی نموده و تشکیل تپه هائی را میدهد درآنموقع عبور از انجا خطرناك بوده وعابرین ممکن است دچار هلاکت گردند .

از کیلو متر ۱۲۱ در جنوب جاده بمسافت خیلی دوری یك ارتفاعاتی دیده میشود که بتدریج بطرف شمال امتداد داشته و بجاده نزدیك میشود تا اینکه در کهورك در ۳ کیلو متری جنوب آن عبور کرده و موازی با جاده امتداد یافته و در ۱۵ کیلو متری شمال خاوری کهورك باز از جاده دور شده و بطرف جنوب خاوری امتداد پیدا میکند .

چشمه آب شیرینی که درسه کیلو متری در جنوب کهورك واقع است که پاسگاه امنیه از ان استفاده مینماید در دامنه همین ارتفاع واقع است .

در شمال این صحرای وسیع اراضی دهنه باغی واقع است که طایفه دهنه باغی در آنجا سکنی دارند در جنوب آن محل نقطه موسوم به زنگی احمد واقع است که فقط عبارت از یك چشمه آب شیرینی است و چند عدد درخت این نقطه سابقاً گذرگاه سارقین بلوچ بوده که در آنجا استراحت کرده و آب خود را تامین میکردند در جنوب این صحرا نیز طایفه دیگری سکونت دارند ، درجنوب باختری این محل ومطابق باجنوب شورگز طایفه معروف اسماعیل زائی مسکن دارند ، این طایفه بشرارت و دزدی معروف بوده و سابقاً ابادیهای بم و نرماشیررا موردغارت و سرقت قرار میدادند ولی حالیه از شرارت آنها جلوگیری شده است .

منطقه سوم

این منطقه از کیلومتر ۱۷٤ شروع شده و در کیلو متر ۲۰٦ تمام میشود عمق این منطقه ۳۲ کیلو متر بوده و تمام کوهستانی است .

در این قسمت تمام مسیر جاده در وسط تنگه واقع شده که دوطرف آنرا کوههائی با نشیب خیلی تند و غالباً بطور بریده و پرتگاه قرار گرفته است در حقیقت جاده در تمام مسیرخود از وسط یك دره‌ئی که عرض آن ۵۰ الی ۱۰۰ متر است عبور مینماید و دارای پیچ و خمهای زیادی میباشد در تمام مسیر این دره‌درختهای گز وسقز وجود دارد .

در کیلومتر ۱۸۹ در این دره دوچشمه آب گوارائی وجود دارد که مسافرین میتوانند در آنجا استراحت نموده و آب خود را تأمین نمایند همینکه چهار کیلو متر از این چشمه دور شدیم جاده وارد یك گردنه شده و از وسط آن عبور مینماید عرض این گردنه ۵ متر بوده و دو ماشین از پهلوی یکدیگر در این‌محل نمیتوانند عبور نمایند .

در کیلومتر۱۹٤ مرتفع ترین نقطه این گردنه واقع است که از آنجا جاده بطرف جلگه نصرت آباد سرازیر میشود ، این گردنه موسوم بهگردنه نادر است واز اینجهت این اسم به آن نهاده شده که آنرا نادر ساخته است چه ابتدا این یك راه پیاده روئی بیش نبود . و اخیراً دولت آنرا وسیع و اتومبیل رو نموده است . شیب این گردنه ۷ در صد می باشد .

در این قسمت چنانچه فوقاً ذکر شد راه از وسط دره عبور میکند ودر مواقع بارندگی که این دره پراز آب میشود جاده مسدود میگردد .

منطقه چهارم

منطقه چهارم که از نصرت آباد در کیلومتر ۲۰٦ شروع شده در کیلومتر۲۷۵ تمام میشود .

جاده در این قسمت از یك جلگه بعرض ۳۰ کیلومتر عبور مینماید .

رشته کوههائی که فوقاً ذکر شد در نزدیکی آبادی نصرت آباد بدوقسمت شده یك قسمت آن بطرف جنوب خاوری و بعداً خاور وقسمت دیگر آن بطرف شمال خاوری و خاور امتداد پیدا کرده و یك جلگه بعرض ۳۰ کیلو متر که جاده در وسط آن عبور مینماید تشکیل میدهند این دو رشته مجدداً بیکدیگر نزدیك شده و در کیلو متر ۲۷۵ بهم وصل شده و کوهستان ملوسان را ایجاد مینماید که ابتدای منطقه پنجم شروع میشود.

در این قسمت در کیلو متر ۲۵۵ نلسیان واقع است که یك پاسگاه امنیه در آنجا وجود دارد .

منطقه پنجم

منطقه پنجم نیز یك قسمت کوهستانی است که از کیلومتر ۲۷۵ شروع میشود در این قسمت جاده مانند منطقه سوم از وسط یك درئی عبور مینماید که عرض آن از عرض دره واقع در قسمت سوم بیشتر بوده و در این قسمت کوهها دارای یك نشیب ملایم تر یست و ارتفاع این کوهها نیز از کوههای منطقه سوم کمتر است جاده پس از طی ۱٤ کیلومتر در این کوهستان بطرف جنوب چرخیده و باز پس از طی ۱٦ کیلو متر دیگر در کوهستان وارد جلگه زاهدان میگردد .

از نقطه نظر اقتصادی

درمنطقه واقع بین بم و زاهدان در قسمتهای جلگه ابادیهای چندی واقع است که قسمت عمده آن در منطقه اولی که فوقاً ذکر شد می باشد .

مهم‌ترین نقاط از نقطه‌نظر اقتصادی در منطقه اول همان بم است که دارای ۱۵ هزار جمعیت بوده و محصولات عمده آن گندم ، جو ، خرما ، مرکبات از همه قسم می باشد .

ازاین محصولات گندم‌وجو را باندازه مایحتاج خود داشته ولی خرما را میتوان در حدود ۳۰۰ خروار علاوه بر مایحتاج خود بخارج صادر نمایند

حشم در این شهر از قبیل گاو و گوسفند و غیره نسبتاً بدنبوده واحتیاج اهالی را مرتفع مینماید وقسمت عمده بارکشی اهالی این شهر بوسیله الاغ وشتر انجام میشود

سایر آبادیهائی که از نقطه نظر اقتصادی در این منطقه تااندازه مهم و قابل ذکراند بقرار زیر است :

۱ـ آبادی برواست که‌جمعیت آن درحدود ۳۰۰ خانوارحشم‌جزئی‌ومحصولات عمده آن گندم ، جو ، خرما ، پنبه و مرکبات نسبتاً زیادتر

۲ ـ آبادی و کیل آباد جمعیت در حدود ۲۰۰ خانوار محصول عمده آن گندم جو ،خرما ، حنا ، مرکبات .

حشم در این آبادی درحدود ۳۰۰ گوسفد ، ۳٦ گاو تعدادی الاغ و شتر

دراین آبادی یك پاسگاه امنیه وجود دارد

۳ ـ آبادی زیاد آباد که‌جمعیت ان در حدود ۵۰ خانوار و محصولات عمده آن گندم ، جو ، خرما ، جزئی مرکبات وارزن

حشم درحدود ۹۰۰ گوسفند ٤۸ گاو

٤ ـ آبادی فهرج‌جمعیت درحدود ۹۰۰ نفرمحصول عمده آن گندم ، جو ، خرما ذرت جزئی مرکبات

حشم درحدود ۳۰۰ گوسفند ۲۰۰ گاو ۲۰ شتر

سایر آبادیهای قسمت اولی که جزء بخش کروك و نرماشیر می‌باشند جمعیت و محصول آنها بهمین‌نسبت‌میباشند کلیتاً محصولاتی که در منطقه‌اول بعمل می آید عبارتست ازگندم . جو ، خرما ، ذرت ، ارزن ، مقدارکمی پنبه ، حنا ، کتیرا ، زیره ، روغن ، پشم کرك‌ومرکبات .

از این محصولات آنچه که از این منطقه به اطراف مانند کرمان و یزد و غیره فرستاده میشود عبارتند از کمی غلات مقدار بیشتری خرما ، مقدار کمی پنبه ، کتیرا ، مقدار کمی روغن ، حنا ، زیره و ازمرکبات پرتغال و نارنگی.

از نقطه نظر نظامی

چنانچه درقسمت مقدمه ذکرشد اهمیت نظامی محور کرمان بم ، زاهدان بواسطه آنستکه که مرز جنوب خاوری را به کرمان متصل مینماید و این یك راه نفوذی است از جنوب خاوری ولی در این محور بواسطه بدی وضعیت جاده وسختی منطقه عبور ستونها فوق العاده دچار اشکالی خواهد شد ، بد ترین قسمت این منطقه

اولین میله نادری واقع در ۸۳ کیلو متری بم

همان قسمت دوم یعنی قسمت کویر است که بواسطه نبودن جاده ووجود شنهای روان که مانع حرکت است فوق‌العاده سخت وصعب العبور می‌باشد ، گرمای شدیدتابستان بادهای گرم، طوفانهای شنی ، نبودن اب در این منطقه تمام مانع بزرك وخطرناکی برای

عبور ستونها میباشند عبور ستونهای پیاده از این کویر فوق‌العاده مشکل بوده در فصل تابستان و در روز بواسطه شدت حرارت وطوفانهای شنی و نبودن اب غیر مقدور ولی ممکن است در شب که هوا خنك‌تر میشود عبور نمایند ولی می‌باید تهیه های لازمه را از قبیل اب بمقدار کافی و برای ۱۰ الی ۱۲ روز و اذوقه برای این مدت تهیه دیده و همراه داشته باشند و بعلاوه باید دارای چادرهائی باشند که روز را در زیر ان استراحت کرده وحرکت نکنندو بمحض خنك شدن هوا درشب حرکت را ادامه دهند. ستونهای پیاده برای عبورازاین منطقه مجبوراً بنه‌خود را باید بوسیله شتر که قدرت وطاقت زیادی‌دارد حمل نمایند وبهترآنستکه دواب خوداز قبیل قاطرها واسبهای باری را سبك بار نمایند.

چون این اراضی شن زار و راه رفتن بواسطه شنهای نرم و فرو رونده در آن فوق العاده بطی و خسته کننده است لذا پیاده نظام در ساعت بیش از ۲ کیلو متر و در بعضی نقاط که وضعیت زمین بدتراست حتی یك کیلو متر درساعت بیشتر نمیتواند حرکت کند و درمدت ۲۴ ساعت پیاده نظام بیش از ۵ ساعت یعنی ۱۰ کیلومتر منتهی قادر بحرکت نیست بنابراین منطقه را که طول آن ۱۲۰ کیلومتر است در عرض ۱۰ الی ۱۲ روزطی خواهدکرد پس باید برای مدت ۱۰ الی ۱۲ روزبلکه ۱۵ روزآذوقه وآب و علیق همراه داشته باشند بواسطه نبودن جاده و احتراز از کم کردن راه ستونهای‌پیاده می باید بلد همراه بردارند چون درمواقع‌زمستان وبارندگی بواسطه رطوبت باران این شنهای نرم بیکدیگر چسبندگی پیدا کرده ومحکم میشوند لذا عبور ازروی آن سهلتر شده وپیاده نظام بهتر وآسانتراز روی آن میتواند حرکت کند.

عبورسواره نظام وتوپخانه اسبی‌نیزمانند پیاده‌دشوار بوده‌و تابع‌همان‌شرایط‌میباشند. با فرق اینکه این کویررا سریعتر ودرمدت کمتری عبورخواهند کرد.

ستونهای اتومبیلی برعکس پیاده نظام باید در روز از صحرا عبور نماید زیرا که بواسطه نبودن جاده ویکنواخت بودن صحرا چنانچه درتاریکی‌شب عبورنمایند راه‌خود را گم کرده و دوچار خطرات بزرگی خواهند شد لذا این صحرای وسیع را باید حتماً

ستونهای اتومبیلی درروزو باسرعت حرکت نمایندولی برای احتراز از فرو رفتن درشن باید نکات زیل را در نظرداشته باشند :

۱ ـ هر اتومبیلی می باید دارای دو قطعه تخته بطول اتومبیل بوده و بیل همراه داشته باشند .

۲ ـ کلیه اتومبیلها می باید باهم حرکت نمایند .

۳ ـ اقلا دو اتومبیل با افسر لایق وجدی در عقب ستون اتومبیل مانند نظم آرا حرکت نماید تا عقب مانده ها را کمك کرده و بجلو برانند .

٤ ـ آب بمقدار کافی همراه داشته باشند .

۵ ـ سعی نمایند که در روز حرکت نمایند و اگر صبح زود از این منطقه عبور نمایند که هوا هم نسبتاً خنك تر است بهتر میباشد قسمتهای جاز سوار است که با برداشتن آب مکفی میتوانند بسهولت عبور نماید ولی در تابستان و در شدت گرما عبور ازآنها خالی ازخطر نیست زیرا که ممکن است دوچار گرمای شدید وطوفانهای شنی بشوند .

سایر قسمتهای محور بین بم وزاهدان نسبتاً سهل‌العبور بوده و برای کلیه رسته ها قابل‌عبوراست فقط درفصل تابستان بواسطه کم آبی و گرما قدری دچار زحمت خواهند شد که آنهم با تهیه های لازمه وحرکت درشب واستراحت در روزممکن است رفع این زحمت رانمود .

کلیتاً در این محور بواسطه قلت آذوقه و کمی آب بیش از یك لشگر نمیتواند عبور نماید .

کلیه این‌محور ازنقطه نظر دید هوائی‌مکشوف و بازبوده مگردردوقسمت کوهستانی (منطقه ۳ و منطقه ۵) که استتار ستونها درآن تا اندازئی مقدوراست .

نقاط مهم ازنقطه نظر نظامی دراین محور اول خود زاهدان است که درسرچهار راهی زاهدان به زابل ومشهد وزاهدان بکرمان ویزد و بالاخره بمرکز وزاهدان به‌خاش

وزاهدان به میرجاده ومرزواقع است .

نقطه دوم که اهمیت آن از زاهدان کمتر است بم می باشد که در سر دوراهی هم بکرمان وهم به زاهدان واقع شده است .

در محور بم بـه زاهدان سه موضـع تدافعی دیده میشود کـه اولین آ نهـا موضع فهرج است :

این موضع در یك ارتفاعات منفردی از کوه کیوتی تـا ابادیهای جنوبی فهرج واقع است کـه دارای دید و میدانهای تیر خوبی میباشد مواصلات در عقب آن منحصر بهمان جـاده فهرج به بم است ولی بواسطـه صاف بودن اراضی غالب نقاط دیگران را بوسیله مال و عرابه میتوان عبور کرد طول این موضع درحدود ۱۵ کـیلومتر است ولی بواسطه بازبودن جناحین آن ومتکی نبودن آن بیك نقاطی این موضع چندان مستحکم نیست بعلاوه رود خانه که از ما بین فهرج عبور میکند چون عمود بجبهه است چندان استفاده ئی از آن برای مدافع نخواهد شـد و بالعکس دشمن متعرض ممکن است از آن استفاده نماید .

موضع دوم موضع گردنه نادری است این موضع نسبت بموضع اول خیلی بهتر بوده و بطرف دشت نصرت آباد دارای میدان دیدو تیرخیلی خوبی می باشد جناحین آن کاملا متـکی به ارتفـاعات است ولی مواصلات چندان خوب نبوده و منحصر بهمـان جاده بم است .

چون این موضع در یك منطقه کوهستانی واقع شده است راه دیگـری جز آ ن نیست و چنانچه این گردنـه را مسدود نمایند متعرض راه دیگـری برای عبور ندارد از طرف دیگر چنانچه این موضع و منطقه کوهستانی را ازدست بدهند بلا فاصله در عقب این کوهستان دوچار کویرصعب العبور خواهند شد که عبور از آن خیلی مشکل میباشد مگر اینکـه قبلا وسایل را آماده نموده و بوسیله ماشینهای قوی و خیلی سریع انهم شبانه از این کویر عبورنموده و درموضع فهرج قرار گیرند دراین صورت متعرض رادوچار

آن کویر نموده وحرکت او برای اینکه خودرا اماده برای عبور از آن کویر ناشناس وخطرناك نماید مدتی بتعویق خواهد افتاد مخصوصاً اگر تخریبات زیادی در گردنه نادری و معبر کوهستانی که مانند تنگه می باشد بعمل آید در این صورت حرکت متعرض فوق العاده زیاد بتأخیر خواهد افتاد ولی باید در این موضع گردنه نادری مقاومت جدی نموده ومتعرض را کاملا ضعیف و فرسوده نمود بعلاوه چون این یگانه محوریست که پس از عبور از گردنه درحدود ۳۲ کیلو متر از یك تنگه عبور مینماید بنا براین میتوان در داخل آن چندین موضع دفاعی اتخاذ نموده و متعرض را مستأصل و بعلاوه میتوان در موقع عمل تاخیری این گردنه را باتخریبات لازمه مسدود نمود .

چون کوههای این موضع غالباً بریده و بشکل پرتگاههائی است لذا عبورمتعرض از این ارتفاعات مشکل خواهد بودوچنانچه جاده وتنگه مسدود شود حرکت متعرض را مدتها بتأخیر میاندازد دراین کوهها بواسطه وجود چشمه های متعدد اب شیرین آب مشروب افراد تا اندازهئی تأمین میشود .

موضع سوم موضع ارتفاعات ملوسان است که محور از وسط آن واز بین دره واقع بین دو رشته ارتفاعات ان عبور مینماید این موضع از موضع فهرج محکم تر ولی از موضع دومی که در گردنه نادراست چندان بهتر نیست تخریبات در این موضع بسهولت انجام میشود این موضع نیز دارای دید و میدان تیر خوبی بوده و مواصلات مانند موضع قبلی منحصر بهمان جاده زاهدان می باشد ولی چون این ارتفاعات بر عکس ارتفاعات گردنه نادر بریده وبطور پرتگاه نبوده و دارای شیبهای ملایم و غالب نقاط آن سهل العبور است بنا براین میتوان گفت که مواصلات در این موضع نسبت به موضع قبل بهتر است . اتکاء جناحین آن نیزنسبتاً خوب است .

نتیجـــه

از این بررسی نتایج زیر حاصل میشود :

۱ - محور زاهدان به بم دارای مناطق مختلف ومشخصی بوده که از نقطه نظر

وضعیت آب وهوا منابع محلی وسکنه و وضعیت زمین بکلی باهم فرق داشته وعبور از هر یك از این مناطق مستلزم تهیه های کم و بیش میباشد چنانچه عبور از منطقه اول سهلتر و منابع محلی نیز نسبتاً بهتر ولی در منطقه دوم فوق العاده مشکل منابع محلی بهیچوجه موجود نیست سکنه در آنجا وجود ندارد وهر دسته برای عبور از آنجا باید تهیه های زیادی دیده وبا ترتیبات معینی عبور نماید .

۲ ـ مهمترین نقاط عمده در این محور همان زاهدان است که درسر چهارراهی خراسان به کرمان ومرکز به خاش و بمرز واقع شده .

۳ ـ دراین محور منابع محلی برای ستونهای بزرك چندان کافی نبوده و ستونهای بزرك می باید تهیه های لازمه را از نقاط دیگری دیده وبا خود تهیه کاملی داشته باشند .

٤ ـ موضوعی که خیلی قابل اهمیت است دراین محور عبارت از تأمین آب است که ستونهای عبور کننده می باید بمقدار کافی آب همراه خود داشته باشند .

۵ ـ در این محور سه موضع دیده میشود : موضع فهرج ـ موضع گردنه نادری موضع کوه ملوسان که خواص و معایب هریك از آنها ذکر شد .

فصل نهم

وضعیت مکران — از لحاظ ارزش نظامی

برای آنکه بهتر بتوان ارزش هر گونه عملیاتی را در مکران بررسی نمود باید وضعیت طبیعی این منطقه را قدری موردنظر و مورد بررسی قرار دهیم مکران ازشمال بجنوب ازیك سلسله ارتفاعات موازی باهم شیارگردیده که این رشته ارتفاعات دربعضی قسمتها بکلی موازی باهم و در برخی نقاط وضعیت متمایلی را نسبت به خط مرز دارا خواهدبود این کوهستانها اکثر دارای رشته های خیلی مرتفع وبلند وبرخی عبارت از رشته و ارتفاعات، کوچك بریدئی است که در پی یکدیگر واقع گردیده است این ارتفاعات از لحاظ سختی و وضع ساختمانی رشته کوهستانهای غیر قابل عبوری عموماً محسوب نشده بلکه اکثراین کوهستانها درکلیه مسیر خود قابل عبوراست ولی با آنکه درتمام مسیرخود قابل عبوراست بواسطه وضعیت مسیر رودخانه ها و دره های دخولی که در طول این کوهستانها واقع شده کلیه این معابر و راه های دخولی دارای اهمیت یکسانی نخواهد بود.

از شمال بجنوب چند دهلیز مشخص است که بطرف دره های نسبتاً مسکون و و مزروع مکران ممتد میشود که میتوان بشرح زیر خلاصه کرد از جنوب به شمال

۱ - کلیه راههائیکه از سنت‌سار بطرف باهوکلات و دشت یاری ادامه دارد.

۲ - راهها و معابری که از تربت و مند بطرف پیشین و از آنجا تا قصرقند و نیك شهر امتداد دارد.

۳ - راهها و معابری که از تربت بطرف ایرافشان سرباز و ایرانشهر وبالاخره مسکوتان ادامه میابد.

۴ ـ راهها و معابریکه ازطرف زاهدان و کوهك بطرف سراوان وازآنجا بطرف خاش وقلعه زابلی امتداد می‌یابد

۵ ـ راهی که ازطرف مك سوخته بطرف جالق وسراوان امتداد می یابد.

۶ ـ راه دخولی مسیر جاده لادیز خاش

۷ ـ راه رباط زاهدان تاحرمك.

بطور کلی از معابر مندرجه بالا میتوان بکلیه مناطق حساس وحاصلخیز مکران داخل شده‌رسوخ یافت بعضی‌معابر وجاده ها بواسطه دست یابی ودست‌رسی‌بجاده‌های شوسه قابل اتومبیل رو مهم وقابل توجه میباشد که میتوان این معابررا ازلحاظ اهمیت‌و سهولت حرکت‌بطرز زیر معرفی نمود.

۱ ـ راه نوکندی رباط که بوسیله راه آهن تکمیل و مخرجهای مختلفی از جاده تا رباط در مجاورت مرز دارا بوده و فعلا از دو نقطه آن میتوان با خود رو به ایران وارد شد یکی ازطریق میرجاوه دیگری از رباط و راهی که در پای گردنه‌شمیدراست.

۲ ـ راه شوسه کوهك که مستقیماً بقسمت مکران ومرکز آن دست یافته و محور جالق هم که از مك سوخته بطرف مرز قابل اتومبیل رانی است بآن متصل میگردد.

۳ ـ راهی که بطرف سرباز و ایرانشهر منتهی وممکن است راههای‌بالا را دور زده قطع سازد غیرشوسه تا سرباز مال‌رو.

۴ ـ راهیکه بطرف‌قصرقند ونیك‌شهر‌امتدادمییابد تا قصرقند مال‌رو.

ضمن این بررسی‌مختصر ملاحظه‌میکنیم که ازطرف مرزهای زمینی ازهرطرف رسوخ بداخله مکران امکان‌پذیر است ولی در بین معابر مندرجه هم برخی بطور خیلی عمیق ممکن است رسوخ یافته و حتی از منطقه مکران تجاوز نماید بعضی دیگر در داخله مکران به‌کوهستانهای مهم برخورد خواهدکرد بین این معابر ۴ معبر مندرجه زیر معابر عمقی محسوب میگردد.

۱ - راه رباط گردنه شمیدر که از طرف دیگر براه کرمان دست خواهد یافت

۲ - راه کوهك به خاش و از آنجا بطرف داخله و خارج ممتد میشود

۳ - راه سرباز که بطرف ایرانشهر و کاروان‌در ممتد میشود

٤ - راه پیشین که بطرف قصر قند دست خواهد یافت

پس بطور کلی امکان رسوخ بطرف داخله مکران بواسطه باز بودن مرز ها و دهلیز های مشخص امکان پذیر است

ملاحظه کنیم هدفهائی که در داخله مکران میتوان در نظر گرفت کدام نقاط است و هر یك دارای چه ارزش خواهد بود در داخله مکران هدفها به چند دسته تقسیم خواهد شد.

هدفهائی که دارای ارزش نظامی بوده و هر گونه پیشرفت را بطرف داخله فلاحت تسهیل خواهد کرد

هدفهائیکه فقط از لحاظ خود مکران مهم بوده بدره های حاصل خیز آن دست خواهد یافت

هدفهای نظامی ــ هدفهای نظامی که میتوان در مکران در نظر گرفت بشرح زیر است :

۱ - زاهدان که با دست یافتن باین نقطه میتوان دو راه مشهد و کرمان را تحدید نمود.

۲ - خاش با در دست داشتن این مرکز میتوان ارتفاعات تفتان و بزمان را که دو قله مهم و قابل توجه مکران است تصاحب و امکان پیشروی بطرف کرمان و داخله مکران را تسهیل نمود.

۳ - چاه بهار که یگانه بندر گاه و راه نفوذی در مقابل دریای عمان بوده و در

صورت دست یافتن به این بندرگاه میتوان بطرف داخله مکران و از آنجا بطرف فلات رسوخ یافت .

هدفهای اقتصادی بمنظور دست یافتن بداخله مکران

۱ ـ دره سراوان که سراسر این جلگه آباد را آماج خود قرار داده وکلیه نقاط زرخیزان را بدست خواهد آورد این دره بدره زابلی نیز راه خواهد یافت .

۲ ـ دره بین سرباز بمپور است که از طریق پیشین بسرباز و از آنجا بطرف جلگه حاصل خیز و پر ثروت بمپور دست خواهد یافت در این مسیر منطقه حاصلخیز سرباز و بمپور هدف خواهد نمود .

۳ ـ منطقه دشتیاری قصر قند ـ نیك شهر این دره هم یکی از دره های حاصلخیز و پر ثروت مکرانو در صورت دست یابی باین دره نقاط حاصلخیز تحدید خواهد شد

عملیات نظامی که ممکن است بمنظور تهدید کشور دراین منطقه اجرا گردد

عملیات نظامی در هر منطقه مستلزم وجود راهها و معابر لازمه جهت رسوخ و تسهیل حمل ونقل احتیاجات وتدارکات خواهد بود یك عملیات نظامی مهمی رانمیتوان بطرف صحراهای بی‌آب و علف ونقاط خیلی دور افتاده و کم اهمیت اجرا نمودباضافه اقدامات کشور مجاور که از سالیان دراز در این منطقه اجرا شده تا حدی نظروتوجه اصلی اورا بما ارائه میدهد چه ملاحظه میکنیم یگانه خط ارتباطی که وصول و ورود اورا بمنطقهٔ مکران تسهیل می‌نماید راه آهن کویته نوکندی است که بوسیله جاده شوسه دیگری تقویت‌شده کویته یگانه معبر مهمی است که بطرف بولان امتداد یافته این راه آهن بکجا خاتمه میابد بمجاورت زاهدان و منطقه حساس که دست یافتن بان امکان دست یابی به دومحورمشهد و کرمان را دارا خواهد بود هرقوای متعرض بمحض‌دخول در این منطقه خواهد توانست با تصرف حرمك در طرف شمال و ارتفاعات تفتان در جنوب پیشرفت خود را بطرف دومحور مشهد و کرمان ادامه دهد .

پس همین منطقه است که دارای اهمیت نظامی سرشاری از لحاظ دفاع کشور بوده و بایستی حدا کثر تلاش دفاعی برای نگاهداری وحفاظت آن مرئی کرده چه تلاش عملیاتی در این منطقه امکان پذیر خواهد بود.

دوم هدفی که باز از لحاظ کشور در این منطقه قابل اهمیت است همان چاه بهار است که در خاتمه محور نفوذی قرار گرفته و یگانه راه باز و آزاد کشور بطرف دریای عمان محسوب میگردد.

از این مختصر میتوان بدین قسم نتیجه گرفت که از لحاظ نظامی و عملیات کلی کشور در اولین درجه منطقه زاهدان خاش در درجه دوم محور چاه بهار بایستی جلب توجه و نظر را بنماید.

وضعیت مکران بطورکلی و امکانات رسته ها

منطقه مکران یك منطقه کاملا خشك وسیع - کم سکنه و بدون کوچکترین منابع است و برای هرگونه عملیات احتمالی کوچکترین احتیاجات بایستی برای این منطقه حمل شود یگانه محل و نقطه که از لحاظ منابع محلی برای این بخش مؤثر و خوب است منطقه سیستان میباشد که بواسطه موقعیت جغرافیائی خود در معرض خطراتی در چنین مواقع بوده و تصور نمیرود بتوان از این بخش از لحاظ منابع محلی استفاده کرد با آنکه رشته های متعدد کوهستانی این منطقه را شیار کرده و در روی نقشه دهلیز بندیهای مشخصی را ارائه میدهد ولی در موقع بازدید (مخصوص موقع عبور ازدهك بطرف جالق) ملاحظه شد که این ارتفاعات عموماً قابل عبور و میتوان بسهولت از هرطرف آن عبور کرد.

- مسافت این منطقه بدون محسوب داشتن سیستان در حدود ۱۵۵۰۰۰ کیلومتر مربع است که شاید در هر کیلو متر بطور کلی بیش از ۱ نفر سکنه دارا نباشد این سکنه هم قسمت عمده در مکران مرکزی میباشد که نسبتاً آبادتر و مسکون تر از سایر

مناطق است بقیه نقاط از لحاظ زندگانی - وسائل - ارتباط - خیلی در وضعیت مشکل تری واقعشده است همین وضعیت طبیعی صحرائی بودن منطقه نبودن وسائل زندگانی برای هر متجاوزی نیز کمال اشکال را داشته و میتوان قطع داشت که او هم در مقابل مانع بزرگی واقع خواهد شد خاصه آنکه چون هرقسم عوامل و رستهٔ محتاج به آب میباشد و نقاط با آب منطقه منحصراً درنقاط مشخصی ودر مجاورت قراء خیلی محدود محدود این منطقه واقع شده پس میتوان قطع داشت که مدافع و مهاجم ناچار است که عملیات خود را در مجاورت این چشمه های معینه و در محور هائی که این چشمه ها واقع گردیده اند انجام دهد و با تمام مزایائی که قسمتهای کوهستانی دارا میباشند از آن صرفنظر نمایند - پس در نتیجه عملیات قطعی‌واقعی این منطقه در روی محور های مشخصی و در نزدیکی قراء صورت خواهد گرفت

قدرت رسته ها

قدرت رسته ها در این منطقه خیلی محدود ومشخص است که میتوان بشرح زیر تشریح کرد .

پیاده نظام - درمنطقه مکران بواسطه‌وضعیت آب وهوا وضعیت بهداری گرمای شدید عدم وجود آب پیاده نظام عادی قادر بـه عملی نیست و نمیتوان از او استفاده و انتظاراتی را داشت

سوار نظام - با تمام مزایا و رجحانی که اسب برای سوار تهیه کرده است وضعیت صحرائی این منطقه عمل اسب را هم خیلی تقلیل داده و تقریباً میتوان گفت بمناسب نبودن علیق و احتیاجات از سوار اسبی هم نمیتوان نتیجه بدست آورد - در

اطراف پادگانها و در مجاورت نقاط آباد میتوان استفاده کرد ولی در مناطق وسیع این منطقه بدون نتیجه خواهد بود .

توپخانه — توپخانه اسبی بواسطه اشکالات زیاد خود بزحمت قابل استفاده است ولی میتوان از توپخانه کوهستانی تاحدی استفاده کرد .

قسمتهای جماز — با آنکه سرعت جماز محدود و قدرت آن خیلی کم است ولی از لحاظ مقاومت و مقابله با بیابان خشك بی آب علف و برای رفع اشکال مقرره از وضعیت طبیعی منطقه جماز یك وسیله نافع و قابل استفاده بوده و باتمام مضرات و معایبی که ممکن است ازلحاظ زیست ـ طرز نگاهداری دارا باشد در این منطقه استفاده زیاد خواهد داد ـ و در صورتی هم که وسائل موتوری در اختیار داشته باشیم چون حرکت آن در تمام محورها و خطوط مقدور نیست جماز یك وسیله خوب و قابل استفاده ئی برای ما خواهد بود زیرا افراد ما با داشتن جماز قادر خواهند بود ده روز ارزاق و لوازمات و آب مورد احتیاج خود را حمل کرده در هر نقطه منطقه داخل در عمل گردند ـ جماز را نمیتوان یك رسته محسوب داشت چه خود حیوان از لحاظ بزرگی ـ تربیت و بالاخره امکان نگاهداری برای نبرد مزاحمت های تهیه خواهد کرد فقط جماز یك وسیله حمل و نقل خوب و نافعی در این مناطق محسوب خواهد شد

— و ملاحظه میکنیم باوجود پیدایش وسائل جدید و لوازمات موتوری باز احتیاج بان خواهیم داشت زیرا وسائل موتوری و همه زمینی فقط در محور های معینی که قابل حرکت باشد قادر به حرکت و آمد و رفت خواهد بود زیرا در صورتیکه مراقبت ما در طول خط مرز وجلوگیری از تجاوزات احتمالی دشمن در تمام این خط لازم است این پرده مراقبت و احتیاط های لازمه آنها در خطوط غیر قابل عبور موتوری قطعاً بایستی از واحدهای جماز سوار باشد چه از هر جهت طرز عمل و کار مارا سهل خواهد کرد .

قسمتهای موتوری ـ کمیت قوا ـ وسعت منطقه ـ صحرائی بودن و اشکالات طبیعی زمین را فقط بوسیله وسائل سریع و قادر میتوان مرتفع ساخت .

بایستی باتمرکز قواضمن مراقبت حرکات طرف مقابله در مقابل حرکات او نمود در این عمل احتیاج به تحرک کامل دارد که جز وسائل موتوری با وسائل دیگری مقدور نیست پس وسائل موتوری بهترین راه حل ها و بهترین امکانات را برای قوای پوشش در این منطقه تهیه کرده و کلیه رسته ها اگر با وسائل موتوری مجهز و تکمیل گردند بهتر قادر به انجام وظیفه و اجرای ماموریت محوله خواهند بود. گرچه عمل وسائل موتوریهم در این بیابان دچار اشکالاتی خواهدشد

هواپیمائی ـ هواپیمائی در این قبیل مناطق یك وسیله مؤثر و مفیدی است چه بسهولت ما را از جنبش ها و حرکات طرف مطلع کرده در مسافات بعیده توجهات و نظریات اورا تا حدی بما اطلاع خواهد داد زیرا منطقه بکلی باز و بی عارضه نسبتاً بواسطه عدم وجود دهات ـ قراء و قصبات حرکت هرستون موتوری یا جمازی خیلی بسهولت اکتشاف خواهد شد.

پس هواپیمائی برای اجرای اکتشافات در این قبیل مناطق‌عامل خیلی مؤثری‌در اختیار فرماندهی بوده و اطلاعات خیلی نافع وگرانبهائی ممکن‌است تهیه نماید.

اشکالات عمل عوامل مکانیزه در مکران

ـ با انکه زمین در این منطقه اکثر صاف و دارای عوارض زیادی نیست ولی بواسطه نبودن آب ونبودن مراکز درآن چه‌در ایران وچه‌در بلوچستان انگلیس‌حرکت قسمت های موتوری خیلی مشکل و پر زحمت خواهد بودچه اگر در مکران مرکزی آبادی وقراء زیاد و آب نیز در اکثر نقاط جاده ها یافت میشود ولی در مکران مرزی و سراوان آبادیها خیلی کم و آب نیز انحصاراً در محل های معینی میباشد ـ که شاید در بین خاش و کوهك از چند نقطه تجاوز نخواهد نمود.

ـ جاده چون خاکی است گرد وخاك زیاد تولید کرده ناچار بایستی مسافت بین خود رو هارا زیاد نموده ودر نتیجه بطول ستون خود روی افزوده خواهد شد.

رساندن بنزین وروغن در یك چنین مناطقی خیلی مشکل وپرزحمت خواهدبود

برای آنکه یك فکر دقیق تری راجع به وسائل موتوری داده شود نکات زیر درج شود :

با ۹ خود روی سواری خوب که یك مکانیسین نیز درمعیت بوده بواسطه حاضر نبودن جاده ها ضمن پیمودن راه های شوسه مکران ملاحظه شد سرعت متوسط از ۲۰ کیلومتر در ساعت در کلیه منطقه تجاوز ننموده است انهم باخراب شدن ۲/۳ خودروها

پس باوجود جلگه بودن اشکالات راه پیمائی در منطقه مکران خیلی زیاد وطی مسافت های زیاد وسرعت زیاد مقدور نیست .

در هر فصلی موانع مخصوصی مانع حرکت ستونها است .

در تابستان بواسطه گرمای زیاد به ۵۵ درجه دربعضی نقاط حرکت فقط درشب وتاساعت ۸ صبح وبعد از ظهر ها مقدور است .

اشکالات حرکت ستونهای پیاده واسبی

وسعت منطقه ـ گرمای شدید ـ عدم وجود آب ـ باد های شدید پراز شن ـ ماسه روان دراکثر مناطق مکران بزرگترین موانع را برای حرکت ستونها تولید مینماید که آماده ترین ارتشها را دچار زحمت ومشقت خواهد ساخت ـ برای اردوکشی در مکران مراعات فصل تهیه آب مکفی ـ وآماده کردن ارزاق ازواجبات است ازازمنه گذشته قسمتهای که بدون توجه باین نکات از این سرزمین عبور نموده اند قربانی های زیادی را تقدیم سرزمین مکران نموده برای توجه به جریانات تاریخی این منطقه مختصری ازشرح عبور ارتش اسکندرشرح میدهیم .

اردوکشی اسکندر از مکران

اسکندر ازمصب رود سندگذشته بطرف رود خانه ارابیوس رفت وبعداً فرمان داد تاچاه های برای تحصیل آب حفر نمایند و ضمناً به تهیه اذوقه پردازند پس ازانجام

این کار از وسط یك دشت بایرلم یزرع به کدروسیاداخل شد وتا چند منزل ارتباطات خودرا با قوای بحریه بوسیله سوار نظام حفظ کرد درفاصله یکصدمیل انطرف رودخانه ارابیوس رشته جبال مالان ارتش اسکندررا مجبور کردکه از بالادست رودخانه هنگول عبور نمایند این کوه درحقیقت غیرقابل عبور میباشد بنا بر گفته سرطوماس هلایخ در این بخش که در حدود ۱۵۰ میل بوده ترس و وحشت فوق العاده ئی به ارتش اسکندر مستولی شده روحیه آنها بکلی سلب شد.

ارتش اسکندردر کوههای ریك روان گرم درمیماندند ودران فرو میرفتندچنانچه شخص درلجن یابرف فرو میرود .

بعد در همان جا مدفون میگشتند طول مسافات بین راه بغایت خسته کننده بود وسپاهیان را خسته خاطر میکرد زیرا بواسطه فقدان آب باوجود خستگی وطول مسافرت نا گزیر بودند که باز راه را ادامه دهند تا بآب برسند و درنتیجه لشکریان بواسطه قحطی آب توانائی را از دست دادند حرکت در شب مخصوص قبل از طلوع آفتاب مشقات کمتری داشت و شبنم قدری هوارا خنك میکرد ولی دروسط روز حرارت وتشنگی عنان طاقت را از دست همه میربود .

« بین چاه بهارنیك شهر درا کثرسال هاهمان فصل عبور ارتش اسکندر ازمکران است حرارت هوا اکثر در سایه به ۱۱۰ درجه رسیده وآب بهیچوجه یافت نمیشود با در نظرگرفتن این وضعیت بخوبی میتوان پی به بدبختی ارتش اسکندر دراین ریك زار ها برد » بقول اریان اگر کسی ازارتش اسکندر از شدت خستگی بخواب میرفت چون بیدار میشد خودرا تنها میدید بعد که میخواست ازدنبال لشکر برود درردریای ریك روان گم شده و نابود میگردید گذشته ازاین مصائب سختی دیگری بشدت بد بختی سپاهیان یونان افزود ـ شبی که لشکریان درکنار جویبار کوچکی اردو زده بود درحوالی پاس دوم شب سیلی روان گشت و قوافل اسکندر زنان و کودکان و لوازم ارتش را برده

بدبختی دیگر اسکندر آن بود که راه را گم کرده بواسطه زیادی ریك روان نمیدانست بکدام طرف حرکت نماید طبق دلایلی که در دست است اسکندر از حوالی (پسی) عبور کرده با پنج نفر در پیشاپیش لشکر حرکت میکرد بالاخره چاههای کنده و بآب خوبی رسید .

اریان مینویسد که چون این حوالی بلدها راه را میدانستند اسکندر ارتش خود را به نواحی داخلی مکران سوق داد زیرا بخوبی میدانست که ادامه مسافرت از راه کنار دریا بقحطی و مجاعد و تفرقه قوای او منجر خواهد شد لذا تصمیم گرفت از طول داخلی مکران عبور نماید .

پورا کرسی نشین کدروسیا اولین شهری بود که از حیث آذوقه تامدتی میتوانست احتیاجات اسکندر و ارتش اورا تامین نماید (پورا ایرانشهر حالیه است) مدت ۶ روز اسکندر در ایرانشهر استراحت نمود بعداً بطوریکه معلوم میشود ارتش اسکندر در مسیر رود بمپور بطرف هلیل رود حرکت نموده و از اینجا بطرف رود بار و جیرفت رفته است یك ستون دیگر اسکندر تحت فرماندهی کراتروس از معبر بولان بافغانستان رفته از آنجا به سیستان و نرماشیر آمده از نصرت اباد سپس عبور نموده پس از عبور یك منطقه بیابانی در حدود ۱۸۰ میل بفهرج رسیده و در کرمان بارتش اسکندر ملحق گردید .

نتیجه

ـ مکران شامل یك دهم کشور وفعلا بیشتر شبیه بیك منطقه بیابانی است که هر گونه‌عملیات نظامی دراین منطقه ازلحاظ وسعت زیاد ـ درجه حرارت ـ عدم وجود آب ـ نبودن منابع محلی ـ شن های روان ـ با اشکالات بسیاری مصادف خواهد شد.

ـ این منطقه از هر سو بوسیله بیابانهای وسیعی از نقاط حساس ومهم جدا شده.

از درب های هندوستان بوسیله ۷۰۰ کیلومتر بیابانهای شن زار.

ازفلات داخلی بوسیله کویر وشن زار های متعدد.

از طرف خراسان بوسیله مناطق شن زارشمالی.

ـ راه های نفوذی این قسمت به فلات کشور فوق العاده دور افتاده و ضمن عبور از موانع زیادی مورد استفاده خواهد بود.

ـ نقاط حساس کنونی‌این منطقه خاتمه راه آهن کویته درمنطقه زاهدان ومحور نفوذی چاه بهار است که حاکمیت نقطه اول بادر دست داشتن.

قلل { تفتان
بزمان

و حرمك

وحاکمیت به محور چاه بهار ضمن دفاع این بندر گاه عملی خواهد شد.

ـ با وجود وضعیت صحرائی کم بودن سکنه منطقه مکران منطقه ایست که‌از هرلحاظ استعداد ترقی و آبادانی را داراست ولی این موقعیت در قبال آبیاری مرتب منطقه وصرف هزینه های زیاد ووجود اشخاص علاقه مند ودقیق صورت خواهدگرفت

ـ سکنه فعلی این منطقه باوضعیت آنکه فوق العاده باهوش زرنك و ورزیده هستند ولی نسبت به سایر سکنه کشور از لحاظ تمدن بسیار عقب میباشند.

متمنی است غلطهای زیررا درمتن کتاب تصحیح فرمایند

صفحه	سطر	مطلب غلط	مطلب صحیح
۱	۵	حقیقی	حقیقتی
٤	۱۸	انهار	آنهارا
۵	۹	خاوی	خاوری
۱۲	۲۳	قرار ددی	قراردادی
۲۱	١٤	بسبت	نسبت
۲۵	۱۸	قله بزمان ۸۲۳ متر	قلعه بزمان ۳۸۲۳
۳٦	۸	کرا	کرانه
٦۱	۲	مرطوف	مرطوب
۷۰	۱۸	نوری	نوردی
۸۲	٤	عده آنها	عمده آنها
۸۳	۹	اسغال کند	اشغال میکند
۸۸	٦	آنهم	آنها
۸۸	۱۵	درسایه درحرارت ۲۷ ودرجه	درسایه حرارت ۲۷ درجه
۹۵	۱	ازلحاظ نظامی یك	از لحاظ نظامی میتواند یك
۹۵	۸	محصرص	مخصوص
۹۸	۲	انگلیسهای	انگلیسها
۱۰۱	۱۸	درحرارت گرما	در گرما
۱۰٤	۱۰	ذرع	متر
۱۰۵	٦	خاور هند	خاور دهنه
۱۰۹	۸	را بم	راه بم
۱۱۷	۱۹	زاهدان داشته و	زاهدان و

صفحه	سطر	مطلب غلط	مطلب صحیح
۱۲۱	۱۷	پس‌از بین رفتن	پس‌از ازبین رفتن
۱۲۳	۱۷	میددد	میدهند
۱۲۳	۲۰	حنفی المذهب	حنفی مذهب
۱۲٤	۱	از ۱٤۰ کیلومتر	از ۱٤۰ کیلو متری
۱۲٦	۱۹	در چند محلی	در چند محل
۱۲٦	۲۱	ب ـ دراین محل	دراین محل
۱۲۷	۱۰	بمپور	بمپور
۱۲۷	۱۲	کاروند	کاروانْدر (درسایر نقاط نیز تصحیح شود)
۱۲۹	۷	در ۱۷۰ کیلو متر	در ۱۷۰ کیلو متری
۱۳۱	٤	رو به کاسکنین و این راه از کاسکین دو شعبه	در کاسین واین‌راه از کاسکنین دو شعبه
۱۲۱	۷	جز قله	جز قلعه
۱۳۱	۲۲	میکرد	میگردد
«	۲	که وقت	که بادقت
«	۳	که کوه	که کره
«	۲۳	حواربار	خواربار
۱٤۰	۲۰	صدور	حدود
۱٤٥	۲۰	جمع ۱٦٥	جمع ۱٦٤
۱٤۷	٤	بمحادات	بمحاذات
۱٥٦	۱۷	مساحت	مسافت
۱٥۸	۱۰	دوطول	درطول
۱٥۸	۲۰	بنا کاها نظامی	بنگاههای نظامی

صفحه	سطر	مطلب غلط	مطلب صحیح
۱۵۹	۱۵	از جاده از یك	ازجاده یك
۱٦۵	۲۱	آبادیهای بیان جنگل	آبادیهای میان جنگل
۱۷۱	۱۳	درجنوب کهورك واقع است که پاسگاه	جنوب کهورك واقع پاسگاه
۱۷۲	٤	تنگه واقعشده که‌دوطرف‌آنرا	تنگه‌ای‌واقعشده که:وطرف‌آن
۱۷۸	۳	هم مکران هم بزاهدان	بم بمکران بم بزاهدان
۱۸۳	۱۱	فلاحت	فلات،
۱۸٤	۸	وبمپور هدف	وبمپوررا هدف
۱۹۱	۷	و مجاعد	ومجاعه

درجات مندرجه در سطر ۱۵و۱٦ صفحه ۲۲ } درجه فارنهایت است
« « « ۱۰ « ۳۳
« « « ۱۱ « ۵٦

نقشهٔ ناحیهٔ سراوان

ناحیۂ مکران مرکزی

ناحیہ سرحد

خواش

ساراوان

ناحیہ سرحد

کرمان

مکران مرکزی

ناحیۂ جنوبی مکران

مقیاس

فرسنگ

کیلومتر

حد استان

حدود نواحی داخلی مکران

قریہ

آبادی

جادہ کاروان

جادہ شوسہ

ناحیهٔ مکران مرکزی
ناحیهٔ سراوان
کرمان
راه شوسه
مرزهای کشوری
جاده کاروان رو
حدود استانها
قریه
حدود نواحی
آبادی
خط آهن
مقیاس
کیلو متر
فرسنگ

نقشہ دہلیز بندی مکران

سرنهان کوہ
سرکوہ
کوہ سلطان
نوکنڈی
میرجاوہ
ہامون مشکل
کوہ چہاران
کوہ بجران
کوہ ماربیچ
کلی کوہ
مکرسوختہ
جالق
کوہ بنزگان
کوہ بد ہوریک
گردنہ کفش
پیکوم
داوریناہ

اہران
قطار خنجک
گل شاہ
کوہ گرگ
قلعہ بید
کرباس کوہ
تیغان
جوری
شوراب
کوہ بزبان
ریکان
کوہ شاہ سواران
سرخ کوہ
کوہ ہندبان
کاروانڈر
امین
دامون

ناحیۂ سراوان
قصرقند
حدود کشوری
حدود شهرستان
حدود نواحی
قریه
آبادی
جاده کاروان رو
جاده شوسه

مکران
مکران مرکزی
کرمان
عمان
مقیاس
کیلومتر
فرسنگ